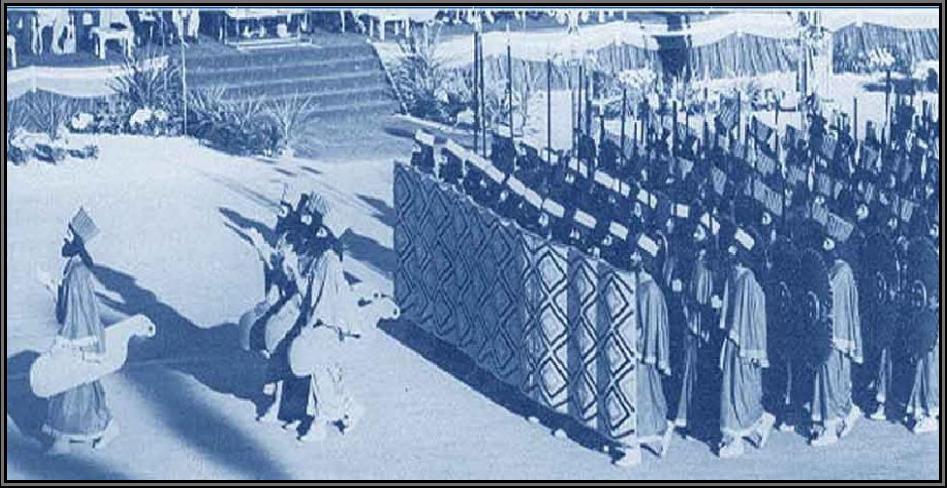


آیا قرآن کلام آفریدگار است

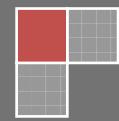
این کتاب را به تمام کسانی که در راه آگاهی گام بر می دارند به طور رایگان تقدیم می کنم

به امید روزی که هر کس با آگاهی کامل آین خود را انتخاب کند و آزادی و برابری همه دنیا را فراگرفته باشد

خاموش



کلیه نوشه ها ای این کتاب بر پایه قرآن می باشد و از پایه کذاری (استناد) به هر منبع دیگری تا حد امکان خود داری شده است



۸۹-۸۵	الله گمراہ کننده	۳	سرآغاز
۹۳-۹۰	الله و جنگ	۵-۴	آیا قرآن باید تفسیر شود
۹۵-۹۴	جهنم	۱۳-۶	اسلام برای یک قوم یا برای دنیا
۹۸-۹۶	بهشت	۱۲	محمد پیامبر الله
۱۰۲-۹۹	اسلام چیزی نو یا کهنه	۱۶-۱۳	معصومیت و علم غیب پیامبران
۱۰۳	اسلام و فرهنگ و هنر	۱۸-۱۶	معصومیت محمد رسول الله
۱۰۷-۱۰۴	قرآن کتاب بی مانند	۱۹	علم غیب
۱۱۰-۱۰۷	امامان و سید ها	۲۷-۲۰	امتیازات الله به محمد
		۲۹-۲۸	هجرت
		۳۱-۲۹	محمد و معجزه
		۳۲	بررسی قران
		۴۲-۳۲	متضاد ها و تفاوتها
		۴۶-۴۳	قرآن مکی
		۴۷	صفات الله
		۶۲-۴۷	علم الله
		۶۳	عدالت الله
		۶۷-۶۳	برده داری
		۷۳-۶۷	زن و مرد
		۷۷-۷۴	براابری انسانها
		۸۴-۷۸	الله مهربان

سر آغاز

به نام پاک آفریدگار

با درود به تمام پژوهشگران و کسانی که بدون تعصب و با تحقیق به چیزی ایمان می آورند یا از چیزی دوری می کنند

کلیه نوشته ها ای کتاب بر پایه قرآن می باشد و از پایه گذاری (استناد) به هر منبع دیگری تا حد امکان خود داری شده است

خواهشمند هستم در صورت شک در هر مورد به قرآن مراجعه فرمایید

معرفی نویسنده

من یک انسان ایرانی هستم که در یک خانواده مذهبی و شیعه بزرگ شده ام کلیه رساله های مراجع تقليد را صفحه به صفحه خوانده ام و کیفیت بیشتر عبادت اسلامی را کامل بلد هستم و هر کدام از عبادات به جزء حج را انجام داده ام نام خود را در این کتاب به خاطر جو حاکم بر ایران ذکر نمی کنم و این کتاب حاصل پنج سال تحقیق مداوم من می باشد.

موجیم که آسودگی ما عدم ماست

ما زنده به آنیم که آرام نمانیم

توضیح مهم در مورد مطالعه این نوشه

نوشته های مشخص شده با زیر رنگ متن خود قرآن می باشد و نوشه های بار زیر رنگ نارنجی کمرنگ موارد علمی می باشند و نوشه های بدون زیر رنگ نوشه های نویسنده می باشد

آیا قرآن باید تفسر شود؟

اولین حرفی که به هر کدام به مسلمانان در مورد قرآن زده می شود می گویند تو نمی توانی قرآن را بفهمی قرآن احتیاج به تفسیر دارد حال ببینیم خود قرآن در این مورد چه گفته است

سوره ۵۴: القمر

وَلَقَدْ يَسَرْنَا الْقُرْآنَ لِلَّذِكْرِ فَهُنَّ مِنْ مُذَكَّرٍ (۱۷)(۲۲)(۳۲)(۴۰)

و قطعاً قرآن را برای پنداموزی آسان کرده ایم پس آیا پندگیرنده ای هست (۱۷)(۲۲)(۳۲)(۴۰)

سوره ۱۸: الكهف

فَيَمَّا لَيْنَدَرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِنْ لَدُنْهُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا (۲)

[کتابی] راست و درست تا [گناهکاران را] از جانب خود به عذابی سخت بیم دهد و مؤمنانی را که کارهای شایسته می کنند نوید بخشد که برای آنان پاداشی نیکوست (۲)

سوره ۴۳: الزخرف

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۳)

ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم باشد که بیندیشید (۳)

سورة ٣٩: الزمر

قُرَآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عَوْجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَفَوَّنَ (٢٨)

قرآنی عربی بی هیچ کژی باشد که آنان راه تقوا پویند (٢٨)

حا لا بازم با همه این تاکیدات بازهم بعضی می گویند قرآن احتیاج به تفسیر دارد چرا این همه (یا ایها الناس) (یا ایها المؤمنون) (یا ایها الذين آمنوا) دارد و به جای اینها نیامده (یا ایها المفسرون) (یا ایها العالمون) یا (یا ایها المراجع التقليد) چون خطاب قرآن به انسانها بوده است نه به مفسرها چرا باید در سوره قمر چهار بار تاکید شود.

سورة ٨: الأنفال

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابَّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْكُمُّ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (٢٢)

قطعا بدترین جنبندگان نزد الله کران و لالانی اند که نمی اندیشند (٢٢)

اسلام برای یک قوم یا برای همه مردم دنیا

تا اینجا فهمیدیم ما هم می توانیم قرآن را بخوانیم و بفهمیم پس فقط خودتان بخوانید و نتیجه بگیرید

سوره ۱۴: ابراهیم

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمَهُ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضَلِّلُ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۴)

و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا [حقایق را] برای آنان بیان کند پس الله هر که را بخواهد بی راه می گذارد و هر که را بخواهد هدایت می کند و اوست ارجمند حکیم (۴)

پس می توان نتیجه گرفت پیامبر قوم ما ایرانیان باید فارس زبان باشد

سوره ۱۰: یونس

وَلَكُلُّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقُسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۴۷)

و هر امتی را پیامبری است پس چون پیامبرشان بباید میانشان به عدالت داوری شود و بر آنان ستم نرود (۴۷)

در این آیه هم آمده که برای هر امتی پیامبری است نه برای همه دنیا یک پیامبر پس می توان فهمید که محمد پیامبر امت ما نبوده است

سوره ۱۶: النحل

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسَيِّرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (۳۶)

و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم [تا بگوید] الله را بپرستید و از طاغوت [=فریبگر] بپرهیزید پس از ایشان کسی است که الله [او را] هدایت کرده و از ایشان کسی است که گمراهی بر او سزاوار است بنابراین در زمین بگردید و ببینید فرجم تکذیب کنندگان چگونه بوده است (۳۶)

این آیه هم که همان مفهوم آیه بالا را می رساند و می توان از تکرار یک معنی در یک کتاب به این نتیجه رسید که آن معنی خیلی مهم بوده است که تکرار شده است

سوره ۱۳: الرعد

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّنْ رَّبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلَكُلُّ قَوْمٍ هَادٍ (۷)

و آنان که کافر شده‌اند می‌گویند چرا نشانه‌ای آشکار از طرف الله بر او نازل نشده است [ای پیامبر] تو فقط هشدار دهنده‌ای و برای هر قومی هدایت کننده ای است (۷)

باز هم تکرار معنی آیات قبلی بله برای هر قومی هدایت کننده ای است

سوره ۹: التوبة

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلُهُمْ مِّنْ أَلْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْجِعُوا بِأَنفُسِهِمْ عَنْ تَفْسِيهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصْبِيْهُمْ ظِمَّاً وَلَا تَصَبُّ وَلَا مَحْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْؤُونَ مَوْطِنًا يَغْيِطُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ تَيْلًا إِلَّا كُتُبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۱۰)

مردم مدینه و بادیه‌نشینان پیرامون‌شان را نرسد که از [فرمان] پیامبر الله سر باز زنند و جان خود را عزیزتر از جان او بدانند چرا که هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه الله به آنان نمی‌رسد و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می‌آورد قدم نمی‌گذارند و از دشمنی غنیمتی به دست نمی‌آورند مگر اینکه به سبب آن عمل صالحی برای آنان [در کارنامه‌شان] نوشته می‌شود زیرا الله پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند (۱۰)

بینید دوستان خطاب قرآن با چه کسانی بوده است با ایرانیان یا سایر مردم دنیا نبوده است با مردم مدینه و بادیه‌نشینان پیرامونش بوده است

سوره ۴۳: الزخرف

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۳)

ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم باشد که بیندیشید (۳)

در این آیه هم آمده قرآن را عربی قرار دادیم تا در آن بیندیشید وقتی تاکید بر عربی بودن قرآن است یعنی برای قومی است که زبانش عربی است و می تواند در آن به راحتی بیاندیشید در قرآن هیچ جا نیامده است که قرآن را عربی قرار دادیم تا آن را ترجمه کنید می دانید که یک کتاب هرچه هم خوب ترجمه شود باز هم تمام مفاهیم متن اصلی را نمی تواند برساند

سوره ۱۲: یوسف

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۲)

ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم باشد که بیندیشید (۲)

و در اینجا هم باز هم تاکید شده است که این تاکید نشانه بر مهم بودن موضوع و جهت بر انگیختن حس وطن دوستی و تعصب اعراب در مقابل انجیل و تورات بوده است که به زبان عربی نبوده اند پس باز هم می توان به راحتی نتیجه گرفت که این قرآن برای قوم عرب آمده است نه سایر اقوام جهان.

سوره ۲۰: طه

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ فِرْآَنًا عَرَبِيًّا وَصَرَفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لِعَنْهُمْ يَقُولُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا (۱۱۳)

و این گونه آن را [به صورت] قرآنی عربی نازل کردیم و در آن از انواع هشدارها سخن آوردمی شاید آنان راه تقوا در پیش گیرند یا [این کتاب] پندی تازه برای آنان بیاورد (۱۱۳)

باز هم تاکید بر عربی بودن قرآن در این آیه آمده است

سوره ۲۲: الحج

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرامِ الَّذِي جَعَلْنَا لِلنَّاسِ سَوَاءَ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدُ فِيهِ
بِالْحَادِ بِظُلْمٍ ثُذْقَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۲۵)

بی‌گمان کسانی که کافر شدند و از راه الله و مسجدالحرام که آن را برای مردم اعم از مقیم در آنجا و بادیه‌نشین یکسان قرار داده‌ایم جلو گیری می‌کنند و [نیز] هر که بخواهد در آنجا به ستم [از حق] منحرف شود او را از عذابی دردناک می‌چشانیم (۲۵)

مسجد الحرام احکامش جهت مردم مقیم مکه و بادیه نشینان یکی قرار داده شده است نه برای دیگر مردم دنیا این سوره می‌دانید در مدینه و در زمان قدرت محمد بوده است ولی اشاره ای بر اینکه احکام اسلام برای همه جهان آمده است در آن نیست

وَلَكُلُّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقْنَاهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرُ
الْمُخْتَيَّنَ (۳۴)

و برای هر امتی مناسکی قرار دادیم تا نام الله را بر دامهای زبان‌بسته‌ای که روزی آنها گردانیده یاد کنند پس [بدانید که] الله شما الله یگانه است پس به [فرمان] او گردن نهید و فروتنان را بشارت ده (۳۴)

باز هم در سوره حج گفته شده است برای هر امتی مناسکی قرار دادیم پس این مناسک برای یک امت خاص است نه برای همه جهانیان نه برای ایرانیان اشاره ای هم در مورد اینکه این مناسک برای همه جهان واجب یا حتی مستحب است نیز نیامده است خودتان هم می‌دانید که حج رفتن به نفع الله است یا به نفع اعراب ساکن در عربستان بله تمام پول ما ایرانیان و بقیه کشورهای مسلمان صرف عیش و نوش اعراب عربستان می‌شود که ما با حج رفتن پول زحمات خود و گرسنگی مردمان میهمنان را تقدیم مردم عربستان می‌کنید و حج صنعت توریسم عربستان را قادرمند می‌کند لازم به ذکر می‌دانم مسلمانان سنی در ایامی غیر از ایام حج به مکه جهت زیارت نمی‌روند و ما شیعه ها حج تمنع هم می‌روم و من کسانی را می‌شناسم که با وام و از گلوی خانواده بریدن به حج تمنع یا واجب می‌روند

مشوق همین جاست بیا بید بیایید
در وادی سرگشته شما در چه هوایید
چون عاقبت الامر به مقصود رسیدند
بسیار بجستند خدارا و ندیدند
ناگاه خطابی هم از آن خانه شنیدند
آن خانه پرستید که پاکان طلبیدند
مولوی

ای قوم به حج رفته کجا یید کجا یید
مشوق تو همسایه ی دیوار به دیوار
آن ها که به سر در طلب کعبه دویدند
رفتند در آن خانه که بینند خدارا
چون معتکف خانه شدند از سر تکلیف
که ای خانه پرستان چه پرستید گل و سنگ

لَكُلُّ أَمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِرُونَكُمْ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَى هُدًى مُّسْتَقِيمٍ (۶۷)

برای هر امتی مناسکی قرار دادیم که آنها بدان عمل می‌کنند پس نباید در این امر با تو به ستیزه برخیزند به راه الله دعوت کن زیرا تو بر راهی راست قرار داری (۶۷)

باز هم تاکید بر همان معنای آیه بالا در سوره حج و جهت رساندن اهمیت این موضوع که برای هر امتی یک مناسکی وجود دارد پس مناسک حج جهت همان امتی که محمد آنها را به اسلام دعوت کرد قرار داده شده است

وَجَاهُهُوَ فِي اللَّهِ حَقًّا جَهَادُهُ هُوَ اجْتِبَأْكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَاجَ مَلَّةَ أَبِيَّكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاَكُمُ الْمُسْلِمِينَ
مِنْ قُلُّ وَقِيَ هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَأَثُوا الرَّكَأَةَ وَاعْتَصِمُوا
بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَأُكُمْ فَإِنَّمَا الْمَوْلَى وَنَعْمَ الْأَصِيرُ (۷۸)

و در راه الله چنانکه حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید اوست که شما را [برای خود] برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است] او بود که قبل از شما را مسلمان نامید و در این [قرآن نیز همین مطلب آمده است] تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید پس نماز را برپا دارید و زکات بدھید و به پناه الله روید او مولای شماست چه نیکو مولایی و چه نیکو یاوری (۷۸)

حتما خودتان خوب می دانید بنا بر روایات مختلف پدر ملت عربستان اسماعیل فرزند ابراهیم بوده است که ابراهیم بنا بر خواست همسرش ساره، همسر دیگرش هاجر که کنیزش بوده است و از او بچه دار می شود را به همراه فرزندش اسماعیل در بیابان عربستان رها می کند و اعراب عربستان را از نسل اسماعیل می دانند و بنابر روایات ابراهیم را می توان پدر قوم عرب دانست و در آیه بالا هم گفته شده آیین پدرتان ابراهیم را برای شما قرار داد با توجه به اینکه ابراهیم پدر قوم عرب بوده است بدون تعصب بی مورد می توان نتیجه گرفت اسلام برای همه جهان نبوده است زیرا ما فرزندان ابراهیم نیستیم.

سوره ۲۶: الشعرا

بِلِسَانِ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ (۱۹۵)

بِهِ زِبَانِ عَرَبِيٍّ رَوْشَنٍ (۱۹۵)

باز هم تاکید بر عربی بودن قرآن که حاکی از این است که اسلام و قرآن برای عرب آمده است و باید توجه داشت که مصر، فلسطین و بسیاری از دیگر ملت‌هایی که اکنون عرب هستند در آن زمان عرب نبوده اند و به زور شمشیر عرب می‌شوند

وَأَنِذْرْ عَشِيرَاتَ الْأَفْرَيْبِينَ (۲۱۴) وَاحْفَضْ جَنَاحَكَ لِمَنْ أَتَبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۱۵) فَإِنْ عَصَوْكَ فَقْلُ إِنَّى بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ (۲۱۶)

و خویشان نزدیک را هشدار ده (۲۱۴) و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کردند بال خود را فرو گستر (۲۱۵) و اگر تو را نافرمانی کردند بگو من از آنچه می‌کنید بیزارم (۲۱۶)

در مورد آیه بالا هم که دیگر احتیاجی به گفتن ندارد که ما خویشان نزدیک محمد نیستیم

سوره ۲۸: القصص

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ فَوْمًا مَا أَنَاهُمْ مِنْ تَذَيْرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۴۶)
و آندم که [موسى را] ندا در دادیم تو در جانب طور نبودی ولی [این اطلاع تو] رحمتی است از الله تو تا قومی را که هیچ هشداردهنده‌ای پیش از تو برایشان نیامده است بیم دهی باشد که آنان پندپذیرند (۴۶)

در آیه بالا هم گفته شده است برای قومی که پیش از تو برایشان هشدار دهنده ای نیامده است ما ایرانیان که هشدار دهنده ای به بزرگواری زرتشت داشته ایم که آموزش‌های او هنوز در جهان زبانزد است و بیشتر دین شناسان آموزش‌های او را برتر از سایر افرادی که کیشی را به مردمان معرفی کرده اند دانسته اند

نیبرگ: زردهشت بیکمان بالاتر از یک پیغمبر بود که چنین سخنان شکوهمند و برجسته ای را بر زبان روان کرده و با خردمندی و بینش گستردۀ، آموزش مهر ورزی و برادری و دوستی داده و بر نهاد راستی تکیه نموده و آنها را راهنمای مردمان نموده است.

میله فرانسوی: زردهشت هم در راه پالایش اندیشه آدمی و هم سازندگی جهانی که در آن زیست میکند، گام برداشت. او هم با قربانی کردن چهارپایان به پیکار بر خاست و آنرا ناشایست و ناپسند به شمار آورد و هم با توانگران و گروه سرمایه دار جنگید و در راه آزادی نیروها و آدمیان تلاش کرد.

او بزرگتر از آن است که بتوان درباره اش به گفتگو نشست.

رودلف: با آنکه زردهشت از گروه توانگران و برجستگان بود ولی با این رو هیچگاه از هوداری تنگستان و مردمان نیازمند و هم چنین کشاورزان و رمه داران دست نکشید و پشتیبان سر سخت آنان بود. سخن او دلنشیں و سرشار از راه و روش مردمی است.

جکسون: بودا و کنسوس و سقراط که جویندگان نور و فروغ و روشنایی بودند ، از پایه هایی بلند و سر برکشیده بر خوردار بودند ، ولی باید پذیرفت که زردشت از همه آنها بالاتر و والاتر و ارزشمندتر بود. او بیگمان یکی از آموزگاران بزرگ خاور به شمار میاید.

مارتین هوگ (خاور شناس آلمانی) : آبین زردشت ، کیش یکتا پرستی است که هیچ دینی از دیدگاه پاکی و آراستگی و مهر و راستی به پایه آن نمیرسد. این دین به راستی نابترين و پاکترين دینهاست.

البته قصد من از آوردن این مطالب که قسمت خیلی کمی از چیزهایی است که در مورد زرتشت گفته شده است این نیست که تبلیغ کیش زرتشتی را بکنم فقط قصدم این است که بگوییم اسلام برای ما ایرانیان نبوده است. و نیز اسلام برتر از کیش ما ایرانیان به هیچ عنوان نبوده است اگر در مورد آموزش‌های زرتشت و محمد بیشتر بخواهید بدانید در پایان همین کتاب در مورد آنها اطلاعاتی خواهم داد.

سوره ۳۲: السجدة

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَا أَتَاهُمْ مِنْ ذَنِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهَتَّدُونَ (۳)

آیا می‌گویند آن را بربافته است [نه چنین است] بلکه آن حق و از جانب الله توست تا مردمی را که پیش از تو بیمدنه‌های برای آنان نیامده است هشدار دهی امید که راه یابند (۳)

در این آیه هم به محمد از طرف الله ماموریت داده شده است که کسانی را که پیش از او بیم دهنده ای نداشته اند را هشدار بدهد نه کسانی را که خود کیش و آبین داشته اند.

سوره ۴۱: فصلت

وَلَوْ جَعَلَنَا هُرَانًا أَعْجَمِيًّا لَفَلَوْا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَعْجَمِيًّا وَعَرَبِيًّا قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَسِفَاءُ وَلِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقُرْ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمَّا أُولَئِكَ يُنَادِونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ (۴۲)

و اگر [این کتاب را] قرآنی غیر عربی گردانیده بودیم قطعاً می‌گفتند چرا آیه‌های آن روشن بیان نشده کتابی غیر عربی و [مخاطب آن] عرب زبان بگواین [کتاب] برای کسانی که ایمان آورده‌اند رهنمود و درمانی است و کسانی که ایمان نمی‌آورند در گوشایشان سنگینی است و قرآن برایشان نامفهوم است و [گویی] آنان را از جایی دور ندا می‌دهند (۴۲)

در این آیه هم که به وضوح آمده است که مخاطب قرآن مردم عرب زبان هستند در ضمن به ابتدا آیه دقت بفرمایید گفته اگر غیر عربی می‌آوردیم قطعاً می‌گفتند چرا آیه‌های آن روشن بیان نشده ، اگر به غیر از عربی می‌آمد مردم عرب می‌توانستند بگویند چرا آیه‌های آن روشن بیان نشده پس چرا ما فارسها حالا که به فارسی نیامده این اعتراض را نکنیم. بعد هم آیا فقط اعراب روی زبان خود تعصب دارند آیا ما بر روی زبان خود هیچ تعصی نداریم.

سوره ۴۲: الشوری

وَكَذَلِكَ أُوحِيَنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْفُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ (۷)

و بدين گونه قرآن عربی به سوی تو وحی کردیم تا [مردم] مکه و کسانی را که پیرامون آند هشدار دهی و از روز گردآمدن [خلق] که تردیدی در آن نیست بیم دهی گروهی در بهشتند و گروهی در آتش (۷)

در این آیه هم که محل دعوت محمد به وضوح مکه و پیرامون آن اعلام شده است و باز هم بر عربی بودن قرآن تاکید شده است پس به طور کامل مشخص است که منظور اعراب اطراف مکه بوده است

سوره ۱۰۶: قریش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لِإِلَيَّافِ فَرِيشٍ (۱) إِلَيْهِمْ رَحْلَةُ الشَّتَاءِ وَالصَّيفِ (۲) فَلَيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳) الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (۴)

به نام الله رحمتگر مهربان

برای الفتدادن قریش (۱) الفتشان هنگام کوچ زمستان و تابستان (۲) پس باید الله این خانه را بپرستند (۳) همان [الله ای] که در گرسنگی غذایشان داد و از بیم [دشمن] آسوده خاطرshan کرد (۴)

ببخشید می خواستم بپرسم ما زبانمان عربی است آیا پدر ما ابراهیم است آیا ما خویشان و نزدیکان محمد هستیم آیا تاکید بر اینکه این قرآن عربی آمده برای ما فارسها لزومی داشته راستی چرا گفته اگر قرآن به زبان عجمی می آمد شما ایمان نمی آوردید آیا ما کمتر از اعراب روی زبانمان تعصب داریم یا واقعاً ما با زور شمشیر اعراب مسلمان شده ایم آنهم اعرابی که فقط قصد غذیمت گرفتن داشتند و وقتی به ایران رسیدند می گفتند این همان بهشتی است که وعده داده شده بود؛ ما ایرانی هستیم با قدمتی بالای ده هزار سال با بالا ترین تمدن که مغلوب اعراب بادیه نشین شدیم

عرب را به جایی رسیدست کار

ز شیر شتر خوردن و سوسمار

تفو بر تو ای چرخ گردون تفو

که تاج کیانی کنـد آرزو

خواهش می کنم تعصب دینی را به کنار بگذارید و به اصل خود بر گردید نگاهی به تخت جمشید کنید نگاهی به کتیبه کورش کبیر کنید که منشور حقوق بشر سازمان ملل بر گرفته از آن است به تاریخ مراجعه کنید اولین اینیشن دنیا در تپه های سیلک کاشان روی یک کوزه اولین دستگاه چاپ سنگی مربوط ۲۷۰۰ سال پیش در ایران ، اولین ذوب کنندگان فلز اولین صندلی اولین قومی که گندم کاشت آسیاب ساخت خود را باز یابید

خوب ببخشید زیاد از بحث خودمان خارج نشویم در پایان این کتاب اگر توانستم ماهیت و تاریخ ایران در زمان قبل از اسلام را برای شما بازگو خواهم کرد



تا اینجا فهمیدیم قرآن قابل فهم برای همه و اسلام برای اعراب است باز هم من حرفی نمی زنم خودتان بخوانید و قضاوت کنید

بی ز تقليیدی نظر را پیشه کن	هم به رای و عقل خود اندیشه کن
از محقق تا مقلد قرنهاست	کاین چو دادست و آن دیگر صداست
مولوی	

محصولیت سامسران

سوره ۱۱: هود

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّلُورُ فَلَنَا أَحْمِلُ فِيهَا مِنْ كُلًّٰ زَوْجَيْنِ اثْتَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقُولُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعْهُ إِلَّا قَلِيلٌ (۴۰)

تا آنگاه که فرمان ما دررسید و تنور فوران کرد فرمودیم در آن [کشته] از هر حیوانی یک جفت با کسانی مگر کسی که قبلًا درباره او سخن رفته است (پسر نوح) و کسانی که ایمان آورده‌اند حمل کن و با او جز [عده] اندکی ایمان نیاورده بودند (۴۰)

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجَبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزَلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبَ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ (۴۲)

و آن [کشتی] ایشان را در میان موجی کوهآسا می‌برد و نوح پسرش را که در کناری بود بانگ درداد ای پسرک من با ما سوار شو و با کافران مباش (۴۲)

در آیات قبلی به نوح ابلاغ نشده بود که به جز آنکه درباره او سخن رفته است چرا نوح باز هم سرپیچی می‌کند و پرسش را صدا می‌کند

وَلَقَدْ هَمَتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِتَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْحَشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ (۲۴)
و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد و [یوسف نیز] اگر برہان الله را ندیده بود آهنگ او می‌کرد چنین [کردیم]
تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم چرا که او از بندگان مخلص ما بود (۲۴)

این هم از پاک دامنی یوسف که الله جلوی خطاش رو گرفته اگر نه خودش بدش نمی آمد

سورة ۱۸ : الكوف

فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلِمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا (۶۵) قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَبْعَكَ عَلَى أَنْ تَعْلَمَ مِمَّا عَلِمْنَا رُشْدًا (۶۶) قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِعَ مَعِيَ صَبَرًا (۶۷) وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحْظِ بِهِ خُبْرًا (۶۸) قَالَ سَيَّدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا (۶۹) قَالَ فَإِنْ أَتَبْعَثْنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْ ذِكْرًا (۷۰) فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّقِينَةِ خَرَقَهَا لِتُعْرَقَ أَهْلُهَا لَعْدَ حِبْتَ شَيْئًا إِمْرًا (۷۱) قَالَ اللَّمَّا أَفْلَى إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِعَ مَعِيَ صَبَرًا (۷۲) قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيْتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا (۷۳) فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيَا عُلَمَّا فَقَتَلُوا فَقَتَلَتْ نَفْسًا زَكِيَّةً بَعْدِ نَفْسٍ لَقَدْ حِبْتَ شَيْئًا تُكْرًا (۷۴) قَالَ اللَّمَّا أَفْلَى لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِعَ مَعِيَ صَبَرًا (۷۵) قَالَ إِنْ سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِي عُذْرًا (۷۶) فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعُمَا أَهْلَهَا قَابِبُوا أَنْ يُضَيِّعُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جَدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقُضَ فَأَقَمَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَا تَحْدَثَ عَلَيْهِ أَجْرًا (۷۷) قَالَ هَذَا فَرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأَنْبُنكَ يَتَوَلَّ مَا لَمْ تَسْتَطِعَ عَلَيْهِ صَبَرًا (۷۸) أَمَّا السَّقِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ فَخَسِيَّنَا أَنَّ الْبَحْرَ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعْيَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَقِينَةً غَصْبًا (۷۹) وَأَمَّا الْعَلَامُ فَكَانَ أَبُوَاهُ مُؤْمِنْيَنْ فَخَسِيَّنَا أَنَّ يُرْهِقُهُمَا طَعْيَانًا وَكُفْرًا (۸۰) فَأَرَدْنَا أَنْ يُبْدِلُهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَفْرَبَ رُحْمًا (۸۱) وَأَمَّا الْجَدَارُ فَكَانَ لِعَلَامَيْنِ يَتَمَيَّزُونِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوَهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشْدُهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعَ عَلَيْهِ صَبَرًا (۸۲)

تا بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم (۶۵) موسی به او گفت آیا تو را به شرط اینکه از بینشی که آموخته شده‌ای به من یاد دهی پیروی کنم (۶۶) گفت تو هرگز نمی‌توانی همپایی من صبر کنی (۶۷) و چگونه می‌توانی بر چیزی که به شناخت آن احاطه نداری صبر کنی (۶۸) گفت ان شاء الله مرا شکیبا خواهی یافت و در هیچ کاری تو را نافرمانی نخواهم کرد (۶۹) گفت اگر مرا پیروی می‌کنی پس از چیزی سوال مکن تا [خود] از آن با تو سخن آغاز کنم (۷۰) پس رهسپار گردیدند تا وقتی که سورا کشته شدند [وی] آن را سوراخ کرد [موسی] گفت آیا کشتی را سوراخ کردی تا سرنشینانش را غرق کنی واقعاً به کار ناروایی مبادرت ورزیدی (۷۱) گفت آیا نگفتم که تو هرگز نمی‌توانی همپایی من صبر کنی (۷۲) [موسی] گفت به سبب آنچه فراموش کردم مرا مُؤاخدَه مکن و در کارم بر من سخت مگیر (۷۳) پس رفتد تا به نوجوانی برخور دند [بنده ما] او را کشت [موسی] به او [گفت آیا شخص بی‌گناهی را بدون اینکه کسی را به قتل رسانده باشد کشتی واقعاً کار ناپسندی مرتكب شدی (۷۴) گفت آیا به تو نگفتم که هرگز نمی‌توانی همپایی من صبر کنی (۷۵) [موسی] گفت اگر از این پس چیزی از تو پرسیدم دیگر با من همراهی مکن [و] از جانب من قطعاً معذور خواهی بود (۷۶) پس رفتد تا به اهل قریه‌ای رسیدند از مردم

آنچا خوراکی خواستند و [لی آنها] از مهمان نمودن آن دو خودداری کردند پس در آنجا دیواری یافتد که می‌خواست فرو ریزد و [بنده ما] آن را استوار کرد [موسى] گفت اگر می‌خواستی [می‌توانستی] برای آن مزدی بگیری (۷۷) گفت این [بار دیگر وقت] جایی میان من و توست به زودی تو را از تاویل آنچه که نتوانستی بر آن صبر کنی آگاه خواهم ساخت (۷۸) اما کشته از آن بینوایانی بود که در دریا کار می‌کردند خواستم آن را معیوب کنم [چرا که] پیش‌بیش آنان پادشاهی بود که هر کشتی [درستی] را به زور می‌گرفت (۷۹) و اما نوجوان پدر و مادرش [هر دو] مؤمن بودند پس ترسیدیم [مبادا] آن دو را به طغیان و کفر بکشد (۸۰) پس خواستیم که الله آن دو را به پاکتر و مهربانتر از او عوض دهد (۸۱) و اما دیوار از آن دو پسر [بچه] یتیم در آن شهر بود و زیر آن گنجی متعلق به آن دو بود و پدرشان [مردی] نیکوکار بود پس الله تو خواست آن دو [یتیم] به حد رشد برسند و گنجینه خود را که رحمتی از جانب الله بود بپرون آورند و این [کارها] را من خودسرانه انجام ندادم این بود تاویل آنچه که نتوانستی بر آن شکیبایی ورزی (۸۲)

واقعاً این داستان جای کف زدن دارد ولی او چه بنده ای بوده که به موسی پیامبر الله می‌خواسته چیز بیاموزد در حالی که موسی کلیم الله بوده و با الله سخن می‌گفته است چرا الله او را پیامبر خود نکرده با این همه علم، بعد هم کشته را معیوب کند و آن همه آدم داخل کشتی بمیرند بهتر بود یا بینوایانی را که الله می‌توانست از راه دیگری به آنها رزق برساند مگر به گفته خود قرآن الله رزق رساننده نیست بعد هم آن نوجوان هنوز خطایی نکرده بود (حکم قبل از عمل از بنده مقرب الله بعيد است) که کشته شود الله بهتر نبود آن جوان را که هنوز پدر و مادر خود را گمراه نکرده بود هدایت کند نه به دست بنده رحمت یافته اش بکشد بعد هم آن گنج یک اینکه الله بهتر از آن را می‌توانست به آن بچه یتیمها بدهد و پیامبر را به بیگاری و اندارد دو اینکه می‌توانست آن را از شر مردم نگه دارد سه اینکه پیامبر الله که نباید در مقابل کاری که برای دیگران می‌کند انتظار داشته باشد بعد از همه این حرفها این پیامبر هم که بی صبر در آمد و پایینتر از یک بنده الله در همان زمان

سوره ۲۱: الأنبياء

وَدَا اللُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنَّ لَنْ تَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِلَّيْ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (۸۷)

و ذوالنون را [یاد کن] آنگاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم تا در [دل] تاریکیها ندا درداد که معبدی جز تو نیست منزهی تو راستی که من از ستمکاران بودم (۸۷)

می‌دانید که ذوالنون را خیلی از علما پیامبر دانسته اند ولی در آیه با لا می‌بینید این پیامبر بر الله خشم می‌کند و فکر می‌کند الله بر او قدرت ندارد پس این پیامبر هم از گناه معصوم نیست

سوره ۲۸: القصص

وَدَخَلَ الْمَدِيْنَةَ عَلَى حِينَ غَفَلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَلَانَ هَذَا مِنْ شَيْعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شَيْعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوُّ مُضِلٌّ مُبِينٌ (۱۵) قَالَ رَبِّ إِلَيْيِ ظَلَمَتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۱۶)

و داخل شهر شد بی‌آنکه مردمش متوجه باشند پس دو مرد را با هم در زد و خورد یافتیکی از پیروان او و دیگری از دشمنانش [بود] آن کس که از پیروانش بود بر ضد کسی که دشمن وی بود از او یاری خواست پس

موسى مشتی بدو زد و او را کشت گفت این کار شیطان است چرا که او دشمنی گمراهنده [و] آشکار است (۱۵) گفت ای الله من بر خویشتن ستم کردم مرا ببخش پس الله از او درگذشت که وی آمرزنده مهربان است (۱۶)

قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقُولُونَ (۳۲)

گفت ای الله من کسی از ایشان را کشته‌ام می‌ترسم مرا بکشند (۳۳)

این پیامبر هم که آدم می‌کشد

البته چیزی از تورات و انجیل هم که در آنها لوط با دختران خود عمل زناشویی انجام می‌دهد ابراهیم زنش را خواهر خود معرفی می‌کند و به فرعون مصر می‌فروشد و داود که با زن یکی از افرادش هم خواب می‌شود و او حامله می‌کند و صد ها مثل آن را نیاورده ام چون قول دادم منبع این کتاب قرآن باشد

عصومت محمد

سورة ۶۶: التحریم

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لَمْ تُحَرِّمْ مَا أَحَلَ اللَّهُ لَكَ تَبَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱)

ای پیامبر چرا برای خشنودی همسرانت آنچه را الله برای تو حلال گردانیده حرام می‌کنی الله[ست که] آمرزنده مهربان است (۱)

حرام کردن حلال الله آن هم برای خشنودی همسران از انسان معصوم بعید است

سورة ۹۳: الضھی

أَلْمَ يَجِدُكَ يَتِيمًا فَلَوْا (۶) وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى (۷)

مگر نه تو را یتیم یافت پس پناه داد (۶) و تو را گمراه یافت پس هدایت کرد (۷)

معصوم یعنی کسی که گناهی در گذشته و حال نکرده پس چون الله او را گمراه یافته و هدایت کرده است می‌توان نتیجه گرفت معصوم نبوده است

سوره ۹: التوبة

عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لَمْ أَذِنْتَ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكاذِبِينَ (۴۳)

الله تورا ببخشید چرا پیش از آنکه [حال] راستگویان بر تو روشن شود و دروغگویان را بازشناسی به آنان اجازه دادی (۴۳)

پیامبری که با الله ارتباط دارد چطور بدون اجازه الله کاری می کند که الله را چنین ناراحت کرده که به او خطاب می کند الله تو را ببخشید پس می توان نتیجه گرفت معصوم نیست

سوره ۱۱: هود

فَلَعْلَكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنْزَلَ عَلَيْهِ كَنزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِلَمَا أَنْتَ تَنْذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكَبِيلٌ (۱۲)

و مبادا تو برخی از آنچه را که به سویت وحی می شود ترک گویی و سینهات بدان تنگ گردد که می گویند چرا گنجی بر او فرو فرستاده نشده یا فرشتهای با او نیامده است تو فقط هشداردهندهای و الله بر هر چیزی نگهبان است (۱۲)

اگر معصوم است چرا الله به او می گوید مبادا تو برخی از آیات را که به سویت وحی شود ترک گویی از آیه بالا می توان نتیجه گرفت یا الله نمی دانسته که محمد معصوم است که اینگونه با او سخن گفته است یا محمد معصوم نبوده است

سوره ۱۷: الإسراء

وَإِنْ كَادُوا لِيَقْتُلُوكَ عَنِ الْذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتُقْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرُهُ وَإِذَا لَا تَخَذُوكَ خَلِيلًا (۷۳)

و چیزی نمانده بود که تو را از آنچه به سوی تو وحی کرده ایم گمراه کنند تا غیر از آن را بر ما بیندی و در آن صورت تو را به دوستی خود بگیرند (۷۳)

وَلَوْلَا أَنْ تَبَثَّنَكَ لَقَدْ كَدِتَ تَرْكُنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا (۷۴)

و اگر تو را استوار نمی داشتیم قطعا نزدیک بود کمی به سوی آنان متمایل شوی (۷۴)

إِذَا لَأَذْفَنَكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا (۷۵)

در آن صورت حتما تو را دو برابر [در] زندگی و دو برابر [پس از] مرگ [عذاب] می چشانیدیم آنگاه در برابر ما برای خود یاوری نمی یافته (۷۵)

آیات بالا هم که در مورد لغش پای محمد سخن می گوید و اگر الله به او طبق معمول کمک نمی کرد معصومیتی در کار نبود حتی در آیه آخر او را تهدید می کند پس الله که همه چیز را می داند می دانسته محمد معصوم نیست.

سورة ۲۶: الشعرا

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَيْهَا آخَرَ فَتَكُونُ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ (۲۱۳) وَأَنذِرْ عَشِيرَاتَ الْأَفْرَابِينَ (۲۱۴)

پس با الله الالهي ديگر مخوان که از عذابشدگان خواهی شد (۲۱۳) و خويشان نزديکت را هشدار ده (۲۱۴)

در اين آيه هم محمد تهدید شده است اگر معصوم بود الله نباید تذکري به او می داد چون الله می داند که معصوم است مثل اين است معلمی که می داند شاگردش نمره بیست آورده است او را تهدید که اگر نوزده که نه اگر صفر بیاوری تو را مردود می کنم

سورة ۴۸: الفتح

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتَحًا مُّبِينًا (۱) لِيَعْفُرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَعْدَمْ مِنْ دُنْبِكَ وَمَا تَأْخِرَ وَيُبَيِّنَ نِعْمَةً عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا (۲)
ما تو را پیروزی بخشیدیم [چه] پیروزی درخشانی (۱) تا الله از گناه گذشته و آینده تو درگذرد و نعمت خود را بر تو تمام گرداند و تو را به راهی راست هدایت کند (۲)

در اينجا هم الله که از گذشته و آينده محمد و همه با خبر است صحبت از گناه گذشته و آينده محمد می کند از اين آيه هم می توان نتيجه گرفت که يا الله از معصومیت محمد که روحانیون ما باخبر هستند بی خبر است يا محمد آنطور که روحانیون ما می گويند معصوم نبوده است

سورة ۳۳: الأحزاب

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَعْمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسَاكَ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَأَنْقَ اللَّهُ وَتَخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ قَلْمَأَ قَضَى زَيْدٌ مَّنْهَا وَطَرَا زَوْجَنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَرْوَاحِ أَذْعِيَّا إِنَّمَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرَا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۳۷)

و آنگاه که به کسی که الله بر او نعمت ارزانی داشته بود و تو [نیز] به او نعمت داده بودی (زید ابن حارث) (می گفتی همسرت را پیش خود نگاه دار و از الله پروا بدار و آنچه را که الله آشکار کننده آن بود در دل خود نهان می کردي و از مردم می ترسیدی با آنکه الله سزاوارتر بود که از او بترسی پس چون زید از آن [زن] کام برگرفت وی را به نکاح تو درآوردیم تا [در آینده] در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسرخواندگانشان چون آنان را طلاق گفتد گناهی نباشد و فرمان الله صورت اجرا پذیرد (۳۷)

در آيه بالا هم که خيلي منافع فراوان برای محمد در آن بوده است از ترس محمد از مردم سخن می گويد که از معصوم بعيد است از مردم به جای الله بترسد باز هم بگويند معصوم ، سیزده تا معصوم ديگر هم به محمد اضافه کنيد و حرف از چهارده معصوم بزنيد.

محمد و علم غیب

سوره ۶: الأنعام

قُلْ لَا أَفُولُ لِكُمْ عِنْدِي خَرَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَفُولُ لِكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَبْعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي
الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ (۵۰)

بگو به شما نمی‌گوییم گنجینه‌های الله نزد من است و غیب نیز نمی‌دانم و به شما نمی‌گوییم که من فرشتمام جز آنچه را که به سوی من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم بگو آیا نابینا و بینا یکسان است آیا تفکر نمی‌کنید (۵۰)

سوره ۲۷: النمل

قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبَيَّنُونَ (۶۵)

بگو هر که در آسمانها و زمین است جز الله غیب را نمی‌شناسند و نمی‌دانند کی برانگیخته خواهد شد (۶۵)

سوره ۴۶: الأحقاف

قُلْ مَا كُنْتُ بَذِعًا مِنْ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُعْلَمُ بِي وَلَا بَعْلُمْ إِنْ أَتَبْعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ (۹)

بگو من از [میان] پیامبران نو درآمدی نبودم و نمی‌دانم با من و با شما چه معامله‌ای خواهد شد جز آنچه را که به من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم و من جز هشداردهنده‌ای آشکار [بیش] نیستم (۹)

تا اینجا پس قرآن احتیاج به تفسیر ندارد اسلام برای قوم عرب خویشان محمد و فرزندان ابراهیم آمده هیچ یک از پیامبران معصوم نیستند حضرت محمد هم معصوم نبوده است علم غیب هم ندارد حالا خودتان درباره داوزده امام یا به قول آنها چهارده معصوم قضاوت کنید

امتیازات الله به محمد

سوره ۴۶: الأحقاف

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلَكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَى بِهِ شَهِيدًا بَيْنَكُمْ وَبَيْنِكُمْ وَهُوَ
الْعَفُورُ الرَّحِيمُ (۸)

یا می‌گویند این [کتاب] را بربافته است بگو اگر آن را بربافته باشم در آن امتیاز چیزی برای من نیست او آگاهتر است به آنچه [با طعنه] در آن فرو می‌ روید گواه بودن او میان من و شما بس است و اوست آمرزنده مهربان (۸)

سوره ۸: الأنفال

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنَفَالِ قُلِ الْأَنَفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَنْفَوْا اللَّهُ وَأَصْلَحُوا دَاتَ بَيْنُكُمْ وَأَطْبَعُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱)

ای پیامبر] از تو در باره غنایم جنگی می‌پرسند بگو غنایم جنگی اختصاص به الله و فرستاده [او] دارد پس از الله پروا دارید و با یکدیگر سازش نمایید و اگر ایمان دارید از الله و پیامبر اطاعت کنید (۱)

اولین امتیاز حق تقسیم غنایم جنگی به دلخواه محمد

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمِنِينَ
بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْقُرْآنِ يَوْمَ النَّقْى الْجَمْعَانَ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۱)

و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید یک پنجم آن برای الله و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و بینیمان و بینوایان و در راهماندگان است اگر به الله و آنچه بر بنده خود در روز جدایی [حق از باطل] روزی که آن دو گروه با هم روی رو شدند نازل کردیم ایمان آوردهاید و الله بر چیزی تواناست (۴۱)

دومین امتیاز یک پنجم غنایم جنگی برای محمد و خویشاوندان او که بعد یک پنجم از اموال آنها هم که خمس نام دارد به آن اضافه شد.

وَإِمَّا تَخَافَنَ مِنْ قَوْمٍ خَيَانَهُ فَأَنِيدُ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ (۵۸)

و اگر از گروهی بیم خیانت داری [پیمانشان را] به سویشان بینداز [تا طرفین] به طور یکسان [بدانند که پیمان گستته است] زیرا الله خائن را دوست نمی دارد (۵۸)

سومین امتیاز اجازه شکستن پیمان حکم قبل از عمل مثلا شما اگر ترسیدی کسی توی گوشت بزند توی گوش او بزنی می بیند در آیه بالا فقط بحث بیم از شکستن پیمان است نه شکستن واقعی پیمان

سوره ۹: التوبة

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُرْكِيْهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۰۳)

از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه شان سازی و برایشان دعا کن زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است و الله شنواز دناست (۱۰۳)

چهارمین امتیاز گرفتن صدقه از مردم جهت پاک کردن آنها و دعای خیر در حقشان

ما كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلُهُمْ مِنْ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغِبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَنْ تَفْسِيهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَّا وَلَا نَصَبًّا وَلَا مُخْمَصَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطُوقُونَ مَوْطِئًا يَغْيِظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَتَأْلُونَ مِنْ عَذَوْنَ يَنِيلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۱۲۰)

مردم مدینه و بادیه‌نشینان پیرامونشان را نرسد که از [فرمان] پیامبر الله سر باز زند و جان خود را عزیزتر از جان او بدانند چرا که هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه الله به آنان نمی‌رسد و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می‌آورد قدم نمی‌گذارند و از دشمنی غنیمتی به دست نمی‌آورند مگر اینکه به سبب آن عمل صالحی برای آنان [در کارنامه‌شان] نوشته می‌شود زیرا الله پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند (۱۲۰)

پنجمین امتیاز دیکتاتور بودن یعنی هر تصمیمی می‌گیرد باید همه از آن اطاعت کنند و عزیز بودن جان او در مقابل بقیه مردم

سوره ۲۴: النور

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَدْهُبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوْنَكَ أَوْلَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِيَعْضُ شَأْبِهِمْ فَأَذِنْ لَمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَعْفِرْ لِهِمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ (۶۲)

جز این نیست که مؤمنان کسانی‌اند که به الله و پیامبرش گرویده‌اند و هنگامی که با او بر سر کاری اجتماع کردند تا از وی کسب اجازه نکنند نمی‌رونند در حقیقت کسانی که از تو کسب اجازه می‌کنند آنانند که به الله و پیامبرش ایمان دارند پس چون برای برخی از کارهایشان از تو اجازه خواستند به هر کس از آنان که خواستی اجازه ده و برایشان آمرزش بخواه که الله آمرزندۀ مهربان است (۶۲)

ششمین امتیاز صاحب اجازه همه بودن

سورة ۳۳: الأحزاب

الَّذِي أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَرْوَاحُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامَ بَعْضُهُمْ أُولَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَقْعُلُوا إِلَى أُولَيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا (۶)

پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیکتر] است و همسرانش مادران ایشانند و خوشاوندان [طبق] کتاب الله بعضی [نسبت] به بعضی اولویت دارند [و] بر مؤمنان و مهاجران [مقدمند] مگر آنکه بخواهید به دوستان [مؤمن] خود [وصیتیا] احسانی کنید و این در کتاب [الله] نگاشته شده است (۶)

هفتمین امتیاز سزاوارتر از همه بودن

هشتمین امتیاز همسران محمد مادران مومنان است

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنْ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ يُضَاعِفْ لَهَا الْعَذَابُ ضَعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰) وَمَنْ يَقْتُلْ مِنْ كَلْبٍ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا تُؤْتَهَا أَجْرُهَا مَرَتَيْنَ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (۳۱) يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لِسْتُنَّ كَاحِدَ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ أَنْقَيْنَ فَلَا تَحْضُنْ بِالْغَوْلِ فَيَطْمَعَ الْذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۳۲)

ای همسران پیامبر هر کس از شما مباررت به **کار رشت آشکاری** کند عذابش دو چندان خواهد بود و این بر الله همواره آسان است (۳۰) و هر کس از شما الله و فرستاده اش را فرمان برد و کار شایسته کند پاداشش را دو چندان می دهیم و برایش روزی نیکو فراهم خواهیم ساخت (۳۱) ای همسران پیامبر شما مادران هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گویید (۳۲)

توضیح اینکه فاحشه بودن کار رشت توسط مترجم متعصب ترجمه شده که خودتان می توانید ببینید

نهمین امتیاز دو برابر بودن عذاب و پاداش همسران محمد

دهمین امتیاز غیرت کشی الله برای همسران محمد حتی در مورد طرز صحبت کردن

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَا زُرْأَجَكَ إِنْ كُنْنَ تُرْذَنَ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَزَيَّنَتْهَا فَتَعَالَيْنَ أَمْتَعْكُنَّ وَأَسْرَحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (۲۸)

ای پیامبر به همسرانت بگو اگر خواهان زندگی دنیا و زینت آنید ببایدید تا مهرتان را بدhem و [خوش و] خرم شما راره اکنم (۲۸)

یازدهمین امتیاز تهدید همسران محمد توسط الله و پرداخت مهریه آنها البته وقتی که محمد به واسطه یک پنجم غنایم جنگی پولدار می شود نه زمانی که از تنگ دستی پدر بزرگش برایش کنیز گرفت نه زن آزاده!!!

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا (۳۶)

و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون الله و فرستاده اش به کاری فرمان دهنده برای آنان در کارشان اختیاری باشد و هر کس الله و فرستاده اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است (۳۶)

دوازدهمین امتیاز بی اختیار بودن همه در مقابل فرمان محمد

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَعْنَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَعْنَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسَاكَ زَوْجَكَ وَأَتَقَ اللَّهُ وَتَخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُنْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلِمَا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرَا زَوْجُنَاكَهَا لِكِيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَرْوَاجِ أَذْعِيَّاَهُمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرَا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۳۷)

و آنگاه که به کسی که الله بر او نعمت ارزانی داشته بود و تو [نیز] به او نعمت داده بودی (زید ابن حارث) می‌گفتی همسرت را پیش خود نگاه دار و از الله پروا بدار و آنچه را که الله آشکار کننده آن بود در دل خود نهان می‌کردی و از مردم می‌ترسیدی با آنکه الله سزاوارتر بود که از او بترسی پس چون زید از آن [زن] کام برگرفت وی را به نکاح تو درآوردیم تا [در آینده] در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسرخواندگانشان چون آنان را طلاق گفتند گناهی نباشد و فرمان الله صورت اجرا پذیرد (۳۷)

سیزدهمین امتیاز برآورده کردن هوای دل محمد واعطای زن زید به محمد که خود داستان خیلی طولانی دارد که با توجه به اینکه قول دادم پایه گذاری من در این کتاب از قرآن فقط باشد چیزی از آن نمی‌نویسم

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَرْوَاجَكَ الْلَّاتِي أَتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكْتُ يَمِيلُكَ مَمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتَ عَمَّاتَكَ وَبَنَاتَ خَالِكَ وَبَنَاتَ خَالِتَكَ الْلَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَأَمْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلَّهِ يُنِيبٌ إِنْ أَرَادَ اللَّهُ يُنِيبٌ يَسْتَنِكْحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَرْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكْتُ أَيْمَانُهُمْ لِكِيلًا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۵۰)

ای پیامبر ما برای تو آن همسرانی را که مهرشان را داده‌ای حلال کردیم و [کنیزانی] را که الله از غنیمت جنگی در اختیار تو قرار داده و دختران عمومیت و دختران عمه‌هایت و دختران دایی تو و دختران خاله‌هایت که با تو مهاجرت کرده‌اند و زن مؤمنی که خود را [داوطلبانه] به پیامبر بیخشیده صورتی که پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد ویژه توست نه دیگر مؤمنان ما نیک می‌دانیم که در مورد زنان و کنیزانشان چه بر آنان مقرر کرده‌ایم تا برای تو مشکلی پیش نیاید و الله همواره امرزنه مهربان است (۵۰)

چهاردهمین امتیاز گرفتن زن نامحدود می‌دانید که در قرآن تعداد زنان مجاز برای مسلمانان را چهار تا اعلام شده است ولی برای محمد تعداد خاصی قرار داده نشده است فقط مهم دادن مهریه است همانطور که می‌دانید محمد در زمان فوتش نه زن عقدی داشت.

پانزدهمین امتیاز حلال شدن دختران عموم عمه خاله و دایی

شانزدهمین امتیاز حلال شدن زنانی که خود را به محمد ببخشد

ثُرْجِيٌّ مَنْ تَشَاءَ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءَ وَمَنْ ابْتَغَيْتَ مِنْ عَزَّلَتْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَذْنَى أَنْ تَقُرَّ أَعْيُّهُنَّ وَلَا يَحْرُنَ وَيَرْضِيَنَ بِمَا أَتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا (۵۱)

نوبت هر کدام از آن زنها را که می‌خواهی به تأخیر انداز و هر کدام را که می‌خواهی پیش خود جای ده و بر تو باکی نیست که هر کدام را که ترک کرده‌ای [دوباره] طلب کنی این نزدیکتر است برای اینکه چشمانشان روشن گردد و دلتگ نشوند و همگی‌شان به آنچه به آنان داده‌ای خشنود گرددند و آنچه در دلهای شماست الله می‌داند و الله همواره دانای بردار است (۵۱)

هدهی امتیاز عدم انجام عدالت در مورد نوبت زنان در همخوابی با محمد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْدَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَّهُ وَلَكُمْ إِذَا دُعِيْتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكَمْ كَانَ يُؤْذِنِي النَّبِيُّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَنَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِفُولَبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْدُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكَمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا (۵۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید داخل اتاقهای پیامبر مشوید مگر آنکه برای [خوردن] طعامی به شما اجازه داده شود [آن هم] بی‌آنکه در انتظار پختهشدن آن باشد و لی هنگامی که دعوت شدید داخل گردید و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید بی‌آنکه سرگرم سخنی گردید این [رفتار] شما پیامبر را می‌رنجاند و [لی] از شما شرم می‌دارد و حال آنکه الله از حق [گویی] شرم نمی‌کند و چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید این برای دلهای شما و دلهای آنان پاکیزه‌تر است و شما حق ندارید رسول الله را برنجانید و مطلقاً [تباید] زنانش را پس از [مرگ] او به نکاح خود درآورید چرا که این [کار] نزد الله همواره [گناهی] بزرگ است (۵۳)

هدمین امتیاز الله در حکم پیشکار محمد مردم را از کارهای غیر مودبانه با او منع می‌کند و حتی مهمانان او را از خانه او بیرون می‌کند

نوزدهمین امتیاز زنان محمد پس از مرگ او بر همه مردم حرام می‌شوند

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصْلُونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُوْا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا وَسَلِّيْمًا (۵۶)

الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود فرستید و به فرمانش بخوبی گردن نهید (۵۶)

بیستمین امتیاز استخدام الله و فرشتگان جهت درود فرستادن بر محمد و موظف کردن مردم بر درود فرستادن بر محمد ببینید دوستان الله با آن همه مشغله که باید بر همه بندگان ناظر باشد آنها را عذاب کند پیامبر و امام بفرستد حوری جهت بهشتیان خلق کند صورت انسانها را در رحم مادر نگار گری کند پسر و دختر بودن این همه بچه را تعیین کند تازه برای محمد هم نشسته با فرشتگان درود می‌فرستند

سوره ۴۷: محمد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ (۳۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید الله را اطاعت کنید و از پیامبر [او نیز] اطاعت نمایید و اعمال خود را تباہ مکنید (۳۳)

بیست یکمین امتیاز تباہ شدن اعمال انسانها به علت عدم اطاعت از محمد خیلی جالب است الله که کار هیچ کس را بی مزد نمی‌گذارد حتی اگر به اندازه ذره خردل باشد اگر کسی از محمد اطاعت نکند اعمالش را تباہ می‌کند و مزد همه خوبی های او را نمی‌دهد

سوره ۴۹: الحجرات

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَتَقْوَا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید در برابر الله و پیامبر [در هیچ کاری] پیشی مجویید و از الله پروا بدارید که الله شناوری دانست (۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتُكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرٍ بَعْضُكُمْ لِيَعْضُضُ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالَكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید صدای پیامبر مکنید و همچنانکه بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می‌گویید با او به صدای بلند سخن مگویید مبادا بی‌آنکه بدانید کرده‌هایتان تباہ شود (۲)

إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُوْنَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُّرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقُلُونَ (۴)

کسانی که تو را از پشت اتفاقها[ی مسکونی تو] به فریاد می‌خوانند بیشترشان نمی‌فهمند (۴)

بیست دومین امتیاز هیچ نباید در کارها از محمد پیشی بجوید مثلاً اگر کسی تشنه است نباید زودتر از او آب بخورد یا کسی نباید برای عبادت الله زودتر از او وارد مسجد شود کسی نباید زودتر از او حج کند و هزاران مثل آن

بیست سومین امتیاز کسی صدایش را بلند تر از صدای محمد نکند مثلاً اگر محمد سرما خورد و صدایش گرفت باید همه لال شوند

بیست چهارمین امتیاز کسی نباید او را از پشت اطاقش صدا کند و اگر کسی صدا کرد حتی اگر دانشمند هم باشد نفهم است

سوره ۵۸: المجادلة

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگاه با پیامبر [الله] گفتگوی محرمانه می‌کنید پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقه‌ای تقدیم بدارید این [کار] برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است و اگر چیزی نیافتدید بدانید که الله آمرزندۀ مهربان است (۱۲)

بیست پنجمین امتیاز صدقه قبل از درد دل کردن با محمد اگر کسی محمد که فرستاده الله است را خواست همراه خود قرار دهد باید صدقه تقدیم کند جالب است محمد در ازای پیامبری از کسی دستمزد نمی‌خواهد ولی به عناوین مختلف خمس زکات صدقه و غیره از آنها پول می‌گیرد.

سوره ۵۹: الحشر

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلَلَّهُ وَلِرَسُولِهِ وَالْغَرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونُ دُولَةٌ بَيْنَ الْأَعْنَيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا أَثَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَانْقُوا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۷)

آنچه الله از [دارایی] ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبر گردانید از آن الله و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینایان و در اماماندگان است تا میان تو انگران شما دست به دست نگردد و آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت بازیستید و از الله پروا بدارید که الله سختکیفر است (۷)

بیست ششمین امتیاز و اگذار شدن تمام اموال کسانی که از ترس محمد و سایر مسلمان از روستاهایشان فرار کرده اند به محمد و نزدیکان او

سوره ۶۶: التحریم

وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيًّا إِلَى بَعْضِ أَرْوَاجِهِ حَدَّيْتَا فَلَمَّا نَبَّأْتُ بِهِ وَأَطْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضِهِ فَلَمَّا نَبَّأْهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأْنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ (۳) إِنْ تَتَوَبَّ إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَّتْ فُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (۴) عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَقْنَ أَنْ يُبْدِلْهُ أَرْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ فَانِتَاثٌ تَأْنِيَاتٌ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ تَبَيَّنَاتٍ وَأَبْكَارًا (۵)

و چون پیامبر با یکی از همسرانش سخنی نهانی گفت و همین که وی آن را [به زن دیگر] گزارش داد و الله [پیامبر] را بر آن مطلع گردانید [پیامبر] بخشی از آن را اظهار کرد و از بخشی [دیگر] اعراض نمود پس چون [مطلوب] را به آن [زن] خبر داد وی گفت چه کسی این را به تو خبر داده گفت مرا آن دانای آگاه خبر داده است (۳) اگر [شما دو زن] به درگاه الله توبه کنید [بهتر است] واقعاً دلهایتان انحراف پیدا کرده است و اگر عليه او به یکدیگر کمک کنید در حقیقت الله خود سرپرست اوست و جبرئیل و صالح مؤمنان [نیز یاور اویند] و گذشته از این فرشتگان [هم] پشتیبان [او] خواهند بود (۴) اگر پیامبر شما را طلاق گوید امید است الله همسرانی بهتر از شما مسلمان مؤمن فرشتگان توبه کار عابد روزه دار بیوہ و دوشیزه به او عوض دهد (۵)

بیست هفتمین امتیاز جاسوسی الله برای محمد و سخن چینی برای او

بیست هشتمین امتیاز تحت سرپرستی الله بودن محمد و پشتیبانی الله از محمد در برابر همسرانش

بیست و نهمین امتیاز دادن زن بیوہ و دختر دست نخورده به محمد از طرف الله البتہ این کار با غنائم جنگی و کنیزانی که در جنگها به دست می آمد و یک پنجم آن مال محمد بود کار بسیار آسانی بود همانطور که محمد در زمان مرگش نه زن عقد در حرم‌سرای خود داشت

سوره ۹۰: الْبَلْد

لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلْدَ (۱) وَأَنْتَ حَلُّ بِهَذَا الْبَلْدَ (۲)

سوگند به این شهر (۱) و حال آنکه تو در این شهر جای داری (۲)

سیمین امتیاز قسم خوردن الله به شهر فقط به خاطر آنکه محمد در آن شهر جای دارد

در اولین آیه ای که آورده ام گفته شده (یا می‌گویند این [کتاب] را بربافته است بگو اگر آن را بربافته باشم در آن امتیاز چیزی برای من نیست) حالا امتیازات را نگاه کنید الله برای این به شهر قسم می خورد که محمد در آن ساکن است اگر دو تا از همسران محمد نهانی با هم حرف بزنند الله به محمد خبر می دهد اگر ضد محمد کاری بخواهند بکنند الله و جبرئیل به یاری محمد می آیند اگر زنانش را طلاق بدهد الله به او بهتر از آنها را می دهد هم مثل عایشه باکره (دختر ابوبکر زن محمد) هم مثل حفصه بیوه (دختر عمر زن محمد) دارایی قریه ها که به محمد و الله می رسد اگر مومنان هم بخواهند با او چیز محرمانه ای بگویند بهتر است به او صدقه بدهند کسی از پشت خانه نباید صداش کند کسی صدایش را بالاتر از او نبرد در هیچ کاری ازاو پیشی نگیرند اگر ازاو اطاعت نکنند دنیا دنیا ثواب کنند تبا می شود الله و فرشته هاش دائم دارند برای او صلوات می فرستند ما هم باید همین کار را بکنیم کسی بدون دعوت خونه او نزود اگر دعوت شده رفت زود شرش را کم کند از زنانش هم اگر چیزی خواست از پشت پرده بخواهد بعد از مرگش هم زنانش که حس جنسی ندارند و حق جنسی هم ندارند بنابراین نباید ازدواج کنند کسی هم حق ندارد با آنها ازدواج کند شاید آنها هم معصومند آخر نیست نوبتشان هم نباید مراجعات می شده لذت کافی رو از زندگی زناشویی برداشند دختر عمه خاله دایی و عمو و همچنین زنی که خودش را به محمد ببخشد علاوه بر زنان زور گیری شده (کنیزان) بر محمد حلال هستند زن پسر خوانده ها هم که فقط کافی نبوده حکمش در قرآن بباید عملآ خود محمد باید زن پسر خونده را بگیرد تا مومنان بفهمند ایرادی ندارد اصلا بحث آن چیزی که در پنهان می داشته نبوده هیچ مرد و زنی هم حق ندارند وقتی الله و محمد دستوری داد اختیاری از خود داشته باشند اگر زنهاي محمد کار رشتی (بفالحشة) را انجام بدهند عذابشان دو برابر است و اگر کار خوبی بکنند پاداششان دو برابر است زنان پیامبر نباید به ناز(زنانه) سخن بگویند تازه محمد از خود مومنان بر خودشان سزاوارتر هست اگر مومنان پیش محمد هستند بدون اجازه نباید بروند پس محمد هر که را خواست اجازه بدهد یک پنجم غنایم هم مال محمد و نزدیکان او هست اگر محمد پیمانی بست می تواند بشکند اگر بیم شکستن (البته فقط بیم) آن را از طرف مقابل دارد من که شرح امتیازات خسته شدم فقط سخن آخر اینکه در بیشتر جاها الله و رسوله (الله و محمد) با هم آمده و تقریبا هم تراز بوده است من که می گویم اگر منظور از الله همان یزدان است خیلی حقیر شده است. ولی نه این الله آن ایزد ما نیست.

تا به اینجا قرآن احتیاج به تفسیر ندارد اسلام برای همه دنیا نیست هیچ پیامبری و محمد هم معصوم نبوده است الله هم به محمد امتیازات زیادی داده است و حتی در حد خبرچین محمد و حل کننده مسائل عشقی او در آمده است البته عزیزان جوش نیاورند چون منظور من در این متن از الله آفریدگار دانا نیست فقط همان الله معرفی

شده توسط محمد است

آیا بجزت

سوره ۴۷: محمد

وَكَائِنٌ مِّنْ قَرِيْبَةِ هِيَ أَسْدُ فُوَّةٍ مِّنْ قَرِيْبَكَ الَّتِي أَخْرَجَنَّكَ أَهْلَكَاهُمْ قَلَا نَاصِرَ لَهُمْ (۱۳)

و بسا شهرها که نیرومندر از آن شهری بود که تو را بیرون راند که ما هلاکشان کردیم و برای آنها بار [و یاوری] نبود (۱۳)

سوره ۶۰: المتحنة

لَا يَئْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرُجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُفْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُفْسِطِينَ (۸)

[اما] الله شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید زیرا الله دادگران را دوست می‌دارد (۸)

إِنَّمَا يَئْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَى إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوْلُوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۹)

فقط الله شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون راندن‌تان با یکدیگر همپشتی کرده‌اند و هر کس آنان را به دوستی گیرد آنان همان ستمگرانند (۹)

سوره ۲: البقرة

وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرِجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ القَتْلِ وَلَا تُفَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ إِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (۱۹۱)

و هر کجا بر ایشان دست یافتید آنان را بکشید و همان گونه که شما را بیرون رانند آنان را بیرون برانید [چرا که] فتنه [=شرک] از قتل بدتر است [با این همه] در کنار مسجد الحرام با آنان جنگ مکنید مگر آنکه با شما در آن جا به جنگ در آیند پس اگر با شما جنگیدند آنان را بکشید که کیفر کافران چنین است (۱۹۱)

سوره ۹: التوبة

أَلَا تَفَاتُلُونَ قَوْمًا تَكْثُرُ أَيْمَانُهُمْ وَهُمْ بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَؤُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۳)

چرا با گروهی که سوکندهای خود را شکستند که تصمیم به اخراج فرستاده [الله] گرفتند و آنان بودند که نخستین بار [جنگ را] با شما آغاز کردند نمی‌جنگید آیا از آنان می‌ترسید با اینکه اگر مؤمنید الله سزاوارتر است که از او بترسید (۱۳)

من که می‌گوییم بیرون کردن و گریز حالاً شما می‌خواهید بگویید هجرت بگویید و تاریخ ۷۰۰۰ ساله خود را فراموش کنید و مبنای تاریخ خود را بر گریز یا به قول شما هجرت محمد بگذارید

محمد و معجزه

سوره ۵۴: القمر

أَقْرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَ الْقَمَرُ (۱) وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌ (۲)

نزدیک شد قیامت واژهم شکافت ماه (۱) و هنگامی که نشانه‌ای ببینند روی بگردانند و گویند سحری دائم است (۲)

سوره ۱۳: الرعد

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُصْلِلُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ (۲۷)

و کسانی که کافر شده‌اند می‌گویند چرا از جانب الله معجزه‌ای بر او نازل نشده است بگو در حقیقت الله است که هر کس را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر کس را که [به سوی او] بازگردد به سوی خود راه می‌نماید (۲۷)

سوره ۲: البقرة

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةً كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مُّنَّلَّ قَوْلُهُمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۱۱۸)

افراد نادان گفتند **چرا اللہ با ما سخن نمی‌گوید یا برای ما معجزه‌ای نمی‌آید** کسانی که پیش از اینان بودند [نیز] مثل همین گفته ایشان را می‌گفتند دلها [و افکار] شان به هم می‌ماند ما نشانه‌ها[ی خود] را برای گروهی که یقین دارند نیک روشن گردانیده‌ایم (۱۱۸)

سوره ۶ : الأنعام

وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَعْقَةً فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيهِمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لِجَمِيعِهِمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونُنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۳۵)

و اگر اعراض کردن آنان [از قرآن] بر تو گران است اگر می‌توانی نقی در زمین یا نرdbانی در آسمان بجویی تا معجزه‌ای [دیگر] برایشان بیاوری [پس چنین کن] و اگر الله می‌خواست قطعاً آنان را بر هدایت گرد می‌آورد پس زنهر از نادانان مباش (۳۵)

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّنْ رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِيرٌ عَلَى أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۷)

و گفتند چرا معجزه‌ای از جانب الله بر او نازل نشده است بگو بی‌تردید الله قادر است که پدیده‌ای شگرف فرو فرستد لیکن بیشتر آنان نمی‌دانند (۳۷)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لِئَنْ جَاءَنَّهُمْ آيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشَعِّرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰۹)

و با سختترین سوگندهایشان به الله سوگند خورند که اگر معجزه‌ای برای آنان بباید حتماً بدان می‌گردوند بگو معجزات تنها در اختیار الله است و شما چه می‌دانید که اگر [معجزه هم] بباید باز ایمان نمی‌آورند (۱۰۹)

سوره ۱۰ : يومن

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّنْ رَّبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْعَيْبُ لِلَّهِ فَإِنَّتَظَرُوْا إِلَيْيِ مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنَتَّظِرِينَ (۲۰)

و می‌گویند چرا معجزه‌ای از جانب الله بر او نازل نمی‌شود بگو غیب فقط به الله اختصاص دارد پس منظر باشید که من هم با شما از منتظرانم (۲۰)

سوره ۱۳ : الرعد

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّنْ رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ (۲۷)

و کسانی که کافر شده‌اند می‌گویند چرا از جانب الله معجزه‌ای بر او نازل نشده است بگو در حقیقت الله است که هر کس را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر کس را که [به سوی او] بازگردد به سوی خود راه می‌نماید (۲۷)

سورة ۱۷: الإسراء

وَمَا مَنَعَنَا أَنْ تُرْسِلَ بِالآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأُولَئِنَ وَآتَيْنَا ثُمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا تُرْسِلُ بِالآيَاتِ إِلَّا
تَخْوِيقًا (۵۹)

و [چیزی] ما را از فرستادن معجزات باز نداشت جز اینکه پیشینیان آنها را به دروغ گرفتند و به شمود ماده‌شتر دادیم که [پدیده‌ای] روشنگر بود و [لی] به آن ستم کردند و ما معجزه‌ها را جز برای بیمدادن [مردم] نمی‌فرستیم (۵۹)

سورة ۲۰: طه

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ أَوْلَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ مَا فِي الصُّحْفِ الْأُولَى (۱۳۳)

و گفتند چرا از جانب الله معجزه‌ای برای ما نمی‌آورد آیا دلیل روشن آنچه در صحیفه‌های پیشین است برای آنان نیامده است (۱۳۳)

همه می‌گویند محمد شق القمر کرد (ماه را شکافت) نخست اینکه بعد از این آیه آمده است (وهنگامی که نشانه‌ای ببینند روی بگردانند و گویند سحری دائم است {قمر(۲)}) پس به دلیل عقلانی می‌توان گفت معجزه هنوز اتفاق نیافتداده است دوم اینکه این سوره ای است که در مکه نازل شده است و در آیاتی از سوره های مدنی هم که در بالا آمده است از محمد تقاضای معجزه شده است و او هم از آوردن معجزه گزیر کرده است بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که محمد معجزه ای نداشته است به غیر از قرآن که می‌گویند معجزه است که در همین کتاب بررسی خواهد شد.

بررسی قرآن

سوره ۴: النساء

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (۸۲)

آیا در قرآن نمی‌اندیشند اگر از جانب غیر الله بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتد (۸۲)

خوب برمی‌یه کم بیندیشیم بینیم اختلاف دارد یا نه اگر از طرف آفریدگار باشد نباید اختلاف داشته باشد

قرآن و متضادها و تفاوت در روایات

سوره ۲: البقرة

تَلَكَ الرُّسُلُ فَضَّلَنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَنْ كَلَمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيْنَاتَ وَآتَيْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا افْتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مَنْ جَاءُهُمُ الْبَيْنَاتُ وَلَكِنَّ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا افْتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا يُرِيدُ (۲۵۳)

برخی از آن فرستادگان را بر برخی دیگر برتری بخشیدیم از آنان کسی بود که الله با او سخن گفت و درجات بعضی از آنان را بالا برد و به عیسی پسر مریم دلایل آشکار دادیم و او را به وسیله روح القدس تایید کردیم و اگر الله می‌خواست کسانی که پس از آنان بودند بعد از آن [همه] دلایل روشن که برایشان آمد به کشتار یکدیگر نمی‌پرداختند ولی با هم اختلاف کردند پس بعضی از آنان کسانی بودند که ایمان آورده و بعضی از آنان کسانی

بودند که کفر ورزیدند و اگر الله می‌خواست با یکدیگر جنگ نمی‌کردند ولی الله آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد (۲۵۳)

آمنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلُّ آمَنَ بِاللهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُلُّهُ وَرَسُولُهُ لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا عُفْرَاتُكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (۲۸۵)

پیامبر (الله) بدانچه از جانب الله بر او نازل شده است ایمان آورده است، و مؤمنان همکی به الله و فرشتگان و کتابها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم شنیدیم و گفتن گردن نهادیم، ای الله، امرزش تو را (خواستاریم) و فرجام به سوی تو است. (۲۸۵)

آخرش بین فرستاده‌ها فرق هست یا نیست

سوره ۶: الانعام

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قُوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالَمُ
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَيْرُ (۷۳)

و او کسی است که آسمانها و زمین را به حق آفرید و هر گاه که می‌گوید باش بی‌درنگ موجود شود سخشن راست است و روزی که در صور دمیده شود فرمانروایی از آن اوست داننده غیب و شهود است و اوست حکیم آگاه (۷۳)

سوره ۷: الأعراف

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِيَّةٍ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُعْشِي اللَّيلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَتَّىٰ
وَالشَّمْسُ وَالقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسْخَرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَفْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۵۴)

در حقیقت الله شما آن الله ای است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش [جهانداری] استیلا یافت روز را به شب که شتابان آن را می‌طلبد می‌پوشاند و [نیز] خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده‌اند [پدید آورد] آگاه باش که [عالی] خلق و امر از آن اوست فرخنده الله ای است الله جهانیان (۵۴)

ما که نفهمیدیم تا الله بگه موجود شو موجود می‌شود یا باید برای آفرینش شش روز وقت تلف کند

سوره ۸: الأنفال

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرُّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِّنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَعْلَمُوْا مِئَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِّنْكُمْ مَّئَةً يَعْلَمُوْا أَلْفًا
مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُوْنَ (۶۵)

ای پیامبر مؤمنان را به جهاد برانگیز اگر از [میان] شما بیست تن شکیبا باشند بر دویست تن چیره می‌شوند و اگر از شما یکصد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می‌گردند چرا که آنان قومی‌اند که نمی‌فهمند (۶۵)

الآن حَفَّ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيْكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مَنَّةٌ صَابِرَةٌ يَعْلَمُوْا مِنْتَهِيْنَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَعْلَمُوْا أَلْفِيْنَ
بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِيْنَ (۶۶)

اکنون الله بر شما تخفیف داده و معلوم داشت که در شما ضعفی هست پس اگر از [میان] شما یکصد تن شکیبا باشند بر دویست تن پیروز گردند و اگر از شما هزار تن باشند به توفیق الهی بر دو هزار تن غلبه کنند و الله با شکیبایان است (۶۶)

خودتان قضاوت کنید

سوره ۱۵: الحجر

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَا مِنْكُمْ وَجَلُونَ (۵۲) فَقَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَا تُبَشِّرُوكَ بِعَلَامٍ عَلَيْمٍ (۵۳) قَالَ أَبْشِرَنُّمُونِي
عَلَى أَنْ مَسَنِيَ الْكَبِيرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ (۵۴)

هنگامی که بر او وارد شدند (فرشتگان) و سلام گفتند [ابراهیم] گفت ما از شما بیمناکیم (۵۲) گفتند مترس که ما تو را به پسری دانا مژده می‌دهیم (۵۳) گفت آیا با اینکه مرا پیری فرا رسیده است بشارتم می‌دهید به چه بشارت می‌دهید (۵۴)

سوره ۱۱: هود

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيدٍ (۶۹) فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيهِمْ لَا تَصِلُّ
إِلَيْهِ نَكَرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَحْفَ إِنَّا أُرْسَلْنَا إِلَى قَوْمٍ لُوطٍ (۷۰) وَأَمْرَأَهُ قَائِمَةٌ فَضَحِّكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ
وَمَنْ وَرَاءَ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ (۷۱) قَالَتْ يَا وَيْلَتِي أَلَدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ (۷۲)

و به راستی فرستادگان ما برای ابراهیم مژده آورند سلام گفتند پاسخ داد سلام و دیری نپایید که گوساله‌ای بربار آورد (۶۹) و چون دید دستهایشان به غذا دراز نمی‌شد آنان را ناشناس یافت و از ایشان ترسی بر دل گرفت گفتند مترس ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم (۷۰) و زن او ایستاده بود خندید پس وی را به اسحاق و از پی اسحاق به یعقوب مژده دادیم (۷۱) [همسر ابراهیم] گفت ای وای بر من آیا فرزند آورم با آنکه من پیرزنم و این شوهرم پیرمرد است واقعاً این چیز بسیار عجیبی است (۷۲)

بابا دیگر دو گونه روایت مختلف از قرآن که معجزه الهی است به دورمی باشد جواب سلام را ابراهیم می‌دهد گوساله کباب می‌کند وقتی نمی‌خورند می‌ترسد یا تا وارد می‌شوند جواب سلام نداده بیمناک می‌شود هنگام حضور فرشتگان محترم زن ابراهیم ایستاده بوده یا اصلاً نبوده فرشته‌ها به زن ابراهیم می‌گویند بچه دار می‌شوی و اسمش را هم تعیین می‌کنند یا به ابراهیم می‌گویند بعد ابراهیم به فرشته‌ها می‌گوید من پیرهستم یا زنش می‌گوید من و شوهرم پیرهستیم حالا باز هم من از روایت تورات چشم پوشی می‌کنم که چقدر با این داستان فرق می‌کند

سوره ۹: التوبة

قَاتَلُوا الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحِرِّمُونَ مَا حَرَمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِيْئُونَ دِيْنَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِيْنَ
أَوْتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْحِزْبَةَ عَنْ يَدِهِمْ صَاغِرُونَ (۲۹)

با کسانی از اهل کتاب که به الله و روز باز پسین ایمان نمی آورند و آنچه را الله و فرستاده اش حرام گردانیده اند حرام نمی دارند و متدين به دین حق نمی گردند **کارزار کنید تا با خواری به دست خود جزیه دهند** (۲۹)

سوره ۲۹: العنکبوت

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَّا بِالَّذِي أُنْزَلَ إِلَيْنَا وَأُنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا
وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَتَحْنُنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۴۶)

و با اهل کتاب جز به [شیوه‌ای] که بهتر است مجادله مکنید مگر [با] کسانی از آنان که ستم کرده اند و بگویید به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل گردیده ایمان آوردم و الله ما و الله شما یکی است و ما تسلیم او بیم (۴۶)

الله تکلیف مسلمین را معلوم نکرده است بالاخره با اهل کتاب چکار کند

سوره ۱۸: الكھف

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْهَمُونَ قَوْلًا (۹۳) فَلَوْلَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ
مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًا (۹۴)

تا وقتی به میان دو سد رسید در برابر آن دو [سد] طایفه‌ای را یافت که نمی‌توانستند هیچ زبانی را بفهمند (۹۳)
گفتند ای ذو القرنین یاجوج و ماجوج سخت در زمین فساد می‌کنند آیا [ممکن است] مالی در اختیار تو قرار دهیم
تا میان ما و آنان سدی فرار دهی (۹۴)

من که نفهمیدم این قوم که هیچ زبانی را نمی فهمیدند چطور به ذو القرنین گفتند و در ضمن آنها که هیچ زبانی را نمی فهمیدند چطور معامله کردن و سد سازی و اسم سد را بلد بودند من که در حیرتم از این قوم زبان نفهم

سوره ۲۲: الحج

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيًّا إِلَّا إِذَا تَمَّى الْقَوْلُ الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ
اللَّهُ أَيَّاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۲)

و پیش از تو [نیز] هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم جز اینکه هر گاه چیزی تلاوت می‌نمود شیطان در تلاوت ش القای [شببه] می‌کرد پس الله آنچه را شیطان القا می‌کرد محو می‌گردانید سپس الله آیات خود را استوار می‌ساخت و الله دانای حکیم است (۵۲)

سوره ۱۶: النحل

إِنَّهُ لِيُسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۹۹)

چرا که او (شیطان) را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر الله توکل می‌کنند تسلطی نیست (۹۹)

باید بگوییم آیه ۵۲ سوره حج در مورد آیات شیطانی (ماجرای غرائب) یا همان آیاتی که گفته می شود به وسیله شیطان به محمد القاء شد و محمد در سوره نجم این چنین گفت (لَقْدُ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى (۱۸) أَفَرَأَيْمُ اللَّاتُ وَالْعَزَّى (۱۹) وَمَنَّاةَ التَّالِثَةِ الْآخِرَى (۲۰) تَلَكَ الْغَرَائِبُ الْعُلَى (۲۱) وَ ان شفاعتهن لترجی (۲۲)) (به راستی که [برخی] از آیات بزرگ الله خود را بدید (۱۸) آیا ندیده اید لات و عزی را (۱۹) و منات آن سومین دیگر (۲۰) آن بتها پرنده های بزرگد (۲۱) و همانا شفاعت آنها پذیرفته است(۲۲)) که از متن قرآن حذف گردیده است آمده است حال با توجه به آیه ۹۹ سوره نحل یا باید بگوییم محمد توکل به الله نداشته و ایمان نیاورده یا آن آیات هم از طرف الله آمده است کل ماجرا را می توانید در تاریخ طبری(جلد ۳ ص ۸۸۱ و ۸۸۳) یا تفسیر شریف لاھیجی (جلد ۳ ص ۲۰۱) بخوانید و باید گفت کسی تا به حال منکر این قضیه نشده است

سوره ۲: البقرة

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرٌ هُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ
وَلَا خُوفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَخْرُقُونَ (۶۲)

در حقیقت کسانی که ایمان آورده و کسانی که یهودی شده‌اند و ترسایان و صابئان هر کس به الله و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد پس اجرشان را پیش الله خواهند داشت و نه بیمی بر آنان است و نه آندو هنک خواهند شد (۶۲)

سوره ۳: آل عمران

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ إِلَسْلَامَ دِيَنًا فَلَنْ يُفْلِمَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۸۵)

و هر که جز اسلام دینی [دیگر] جوید هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است (۸۵)

توضیح اینکه صابئان ستاره پرستان هستند. من که حرف نمی زنم خودتان بگویید دین غیر اسلام پذیرفته هست یا نیست تازه علمای ما که پایشان را فراتر هم گذاشته اند و می گویند دین اسلام و مذهب شیعه فقط پذیرفته است

سوره ۳۳: الأحزاب

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَ بِقَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ يُضَاعِفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعَفَيْنَ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰) وَمَنْ يَقْنَطْ
مِنْكُنَ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنَ وَأَعْدَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (۳۱)

ای همسران پیامبر هر کس از شما مبادرت به کار رشت آشکاری کند عذابش دو چندان خواهد بود و این بر الله همواره آسان است (۳۰) و هر کس از شما الله و فرستادهاش را فرمان برد و کار شایسته کند پاداشش را دو چندان می‌دهیم و برایش روزی نیکو فراهم خواهیم ساخت (۳۱)

سوره ۲۱: الأنبياء

وَنَصَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطُ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلِمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدُلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ (۴۷)

و ترازوهای داد را در روز رستاخیز می‌نهیم پس هیچ کس [در] چیزی ستم نمی‌بیند و اگر [عمل] هموزن دانه خردلی باشد آن را می‌اوریم و کافی است که ما حسابرس باشیم (۴۷)

هموزن اعمال هر کسی پاداش و عذاب می‌بیند یا نه خودتان در آیات بالا قضاوت کنید

سوره ۷: الأعراف

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُعْشِي الَّلَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَتَّىٰ وَالشَّمْسُ وَالقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسْخَرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لِهِ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۵۴)

در حقیقت الله شما آن الله ای است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش [جهانداری] استیلا یافت روز را به شب که شتابان آن را می طلبد می‌پوشاند و [نیز] خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده‌اند [پدید آورد] آگاه باش که [عالی] خلق و امر از آن اوست فرخنده الله ای است الله جهانیان (۵۴)

سوره ۴۱: فصلت

فَلَمْ يَنْكُمْ لِتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَنْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۹) وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيًّا مِّنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَرَرَ فِيهَا أَقْوَاعَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءَ لِلْسَّائِلِينَ (۱۰) ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ إِنَّنَا طَوْعًا أُوْ كَرْهًا فَاللَّهُ أَنَّا أَتَيْنَا طَائِعِينَ (۱۱) فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَرَأَيْتَ السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحَفَظًا ذَلِكَ تَعْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۱۲)

بگو آیا این شمایید که واقعا به آن کسی که زمین را در دو روز آفرید کفر می‌ورزید و برای او همتایانی قرار می‌دهید این است الله جهانیان (۹) و در (زمین) از فراز آن کوهها نهاد و در آن خیر فراوان پدید آورد و قرارداد در آن مواد خوراکی در چهار روز [که] برای خواهندگان درست [و مناسب با نیاز هایشان] است (۱۰) سپس آهنگ [آفرینش] آسمان کرد و آن بخاری بود پس به آن و به زمین فرمود خواه یا ناخواه بیاید آن دو گفتند فرمان پذیر آمدیم (۱۱) پس آنها را [به صورت] هفت آسمان در دو روز آفرید و در هر آسمانی کار [مربوط به] آن را وحی فرمود و آسمان [این] دنیا را به چراغها آذین کردیم و [آن را نیک] نگاه داشتیم این است انداز مگیری آن نیرومند دانا (۱۲)

ما که در سوره فصلت روزه های آفرینش را جمع زدیم ۸ روز شد در حالی که در آیات دیگه قرآن آفرینش را ۶ روز اعلام فرمودند شما هم می خواهید یک جمع بزنید

سوره ۲۷: النمل

يَا مُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۹) اَيْ مُوسَى اِينَ مِنْ اَنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۹)

سوره ۴: النساء

وَرَسُلًا قَدْ فَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلٍ وَرَسُلًا لَمْ نَفَصِصْنَهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَمُ اللَّهِ مُوسَى تَكَلِّيمًا (۱۶۴)

و پیامبرانی [را فرستادیم] که در حقیقت [ماجرای] آنان را قبل از تو حکایت نمودیم و پیامبرانی [را نیز برانگیخته‌ایم] که [سرگذشت] ایشان را بر تو بازگو نکردۀایم و الله با موسی آشکارا سخن گفت (۱۶۴)

سوره ۴۲: الشوری

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِنَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَيْهِ حَكِيمٌ (۵۱)

و هیچ بشری را نرسد که الله با او سخن گوید جز [از راه] وحی یا از فراسوی حاجبی یا فرستاده‌ای بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحی نماید آری اوست بلندمرتبه سنجیده‌کار (۵۱)

احتمال خیلی زیاد شما داستان موسی (کلیم الله) را که با الله سخن می‌گوید را شنیده اید حال ما نمی‌خواهیم دیگر مثالها حرف زدن کشته گرفتن و غیره دیگر پیامبران با الله را از تورات بگوییم ولی خودتان دو آیه بالا را مقایسه کنید

سوره ۱۰۹: الكافرون

لَكُمْ دِيَنُكُمْ وَلَيَ دِينُ (۶)

دین شما برای خودتان و دین من برای خودم (۶)

سوره ۴۷: محمد

فَإِذَا لَقِيْتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضْرِبُ الرِّقَابَ حَتَّىٰ إِذَا أُخْنَمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَنَاقَ فَإِمَّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَّ الْحَرْبُ
أُوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لَيْلُو بَعْضَكُمْ بَعْضَ وَالَّذِينَ قُتُلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضْلَلُ أَعْمَالُهُمْ (۴)

پس چون با کسانی که کفر ورزیده‌اند برخورد کنید گردنها [ایشان] را بزنید تا چون آنان را [در کشتار] از پای درآورده‌ید پس [اسیران را] استوار در بند کشید سپس یا [بر آنان] منت نهید [و آزادشان کنید] و یا فدیه [و عوض از ایشان بگیرید] تا در جنگ اسلحه بر زمین گذاشته شود این است [دستور الله] و اگر الله می‌خواست از ایشان انقام می‌کشد و لی [فرمان پیکار داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی [دیگر] بیازماید و کسانی که در راه الله کشته شده‌اند هرگز کارهایشان را ضایع نمی‌کند (۴)

البته آیاتی به این صورت متضاد بسیار است که من فقط به همین دو آیه بسنده کرده ام که بعضی از به اصطلاح علماء می‌گویند در آن زمان که سوره کافرون آمده محمد قدرت نداشته ولی این استدلال بیشتر آیات را زیر سوال می‌برد چون محمد قدرت نداشته قبول الله که قدرتمند بوده است و می‌توانسته طبق جنگهای مدینه با مکه پنج هزار یا بیشتر فرشته به کمک سپاه اسلام بفرستد آن زمان هم همین کار را می‌کرد بعد هم حرف الله که نباید با تغییر موقعیت محمد تغییر کند اگر قرآن از زبان الله است که موقعیت الله تغییر نمی‌کند ولی اگر از زبان محمد است این استدلال می‌تواند درست باشد البته اگر جنبه مقدس بودن محمد هم کنار گذاشته شود چون دوره‌ی و تغییر حالت به خاطر تغییر وضعیت در خور یک انسان مقدس نیست

سوره ۵۵: الرحمن

فِيَوْمَئِنِّ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسَٰنٌ وَلَا جَانِّ (۳۹)

در آن روز (قیامت) هیچ انس و جنی از گناهش پرسیده نشود (۳۹)

سوره ۲۸: القصص

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَرْعَمُونَ (۶۲)

و روزی را که آنان را ندا می‌دهد و می‌فرماید آن شریکان من که می‌پنداشتید کجا باید (۶۲)

البته برای پرسش و پاسخ ده ها مثال می‌توان آورد ولی من به همین یک مثال بسنده کرده ام

سوره ۴۲: الشورى

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادُهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَمَّا أَسْأَلُوكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْفُرْبَى وَمَنْ يَقْرَفْ حَسَنَةً تَرْدُ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ (۲۳)

این همان [پاداشی] است که الله بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدان] مژده داده است بگو به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی در باره خویشاوندان و هر کس نیکی به جای آورده [و طاعتی اندوزد] برای او در ثواب آن خواهیم افزود قطعاً الله آمرزنده و قدرشناس است (۲۳)

برای پی بردن به اینکه آیا پاداشی خواستار بوده است یا نه به بخش امتیازات الله به محمد مراجعه فرمایید

سوره ۳۳: الأحزاب

سُنَّةُ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلٍ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةَ اللَّهِ تَبْدِيلًا (۶۲)

در باره کسانی که پیشتر بوده‌اند [همین] سنت الله هرگز تغییری نخواهی یافت (۶۲)

سوره ۵۸: المجادلة

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَأْجِلُوكُمُ الرَّسُولَ قَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاتِكُمْ صَدَقَةً ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگاه با پیامبر [الله] گفتگوی محرمانه می‌کنید پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقه‌ای تقدیم بدارید این [کار] برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است و اگر چیزی نیافتید بدانید که الله آمرزنده مهریان است (۱۲)

أَتَسْفَقْتُمْ أَنْ تُقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاتِكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقْبِلُمُوا الصَّلَاةَ وَأَتُوْا الزَّكَاءَ وَأَطْبِعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۳)

آیا ترسیدید که پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقه‌هایی تقدیم دارید و چون نکردید و الله [هم] بر شما بخشد پس نماز را برپا دارید و زکات را بدھید و از الله و پیامبر او فرمان بردید و الله به آنچه می‌کنید آگاه است (۱۳)

البته موارد تغییر خیلی زیاد در قرآن یافت می‌شود که من به همین یک مورد بسنده کردم مثلا حکم قبله که تغییر کرد حکم شراب که بعد از چند سال که مسلمانان شراب می‌خوردند حرام شد حکم حجاب که چندین سال بعد از بعثت آمد و احکام بسیاری که از گفتن آنها خودداری می‌کنم

سوره ۶۶: التحریم

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِمَرْأَةٍ نُوحَ وَإِمْرَأَةً لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّالِّيْنَ (۱۰)

الله برای کسانی که کفر ورزیده‌اند زن نوح و زن لوط را مثل آورده [که] هر دو در نکاح دو بندگان شایسته ما بودند و به آنها خیانت کردند و کاری از دست [شوهران] آنها در برابر الله ساخته نبود و گفته شد با داخل شوندگان داخل آتش شوید (۱۰)

سوره ۱۱: هود

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنْيَيَ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِيْنَ (۴۲)

و آن [کشتی] ایشان را در میان موجی کوه‌آسا می‌برد و نوح پسرش را که در کناری بود بانگ درداد ای پسرک من با ما سوار شو و با کافران مباش (۴۲)

تا آنجایی که در کتابها هست و شنیده شده است زن لوط و پسر نوح به او پشت می‌کند حالا چطور می‌شود که در سوره تحریم زن نوح هم خیانتکار اعلام شده بهتر است خودتان سوره تحریم را بخوانید و ببینید که کل ماجرا مربوط به زنان محمد بوده و وقتی مثال کم می‌آورد برای اینکه زن لوط که پیامبر مبلغ بوده برای مثال کم است زن نوح که پیامبر الوالعزم بوده است هم اضافه می‌شود همانطور که می‌بینید در سوره هود هم که خیلی قبلتر از تحریم نازل شده است حرف از پسر نوح است و حرفي از زن نوح نمی‌زند

سوره ۱۱: هود

تَلَكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ تُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُ بِهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ (۴۹)

این از خبرهای (داستان نوح) غیب است که آن را به تو وحی می‌کنیم پیش از این نه تو آن را می‌دانستی و نه قوم تو پس شکیبا باش که فرجام [نیک] از آن تقوایپیشگان است (۴۹)

سوره ۱۲: یوسف

تَلَكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ تُوحِيهَا إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ (۱۰۲)

این [ماجراء] از خبرهای غیب است که به تو وحی می‌کنیم و تو هنگامی که آنان همداستان شدند و نیرنگ می‌کردند نزدشان نبودی (۱۰۲)

سوره ۶: الأنعام

وَمَنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكْثَرَهُ أَنْ يَقْعُدُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقُرًّا وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَآءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأُولَئِينَ (۲۵)

و برخی از آنان به تو گوش فرا می‌دهند و [لی] ما بر دلهایشان پرده‌ها افکنده‌ایم تا آن را نفهمند و در گوشهاشان سنگینی [قرار داده‌ایم] و اگر هر معجزه‌ای را ببینند به آن ایمان نمی‌آورند تا آنجا که وقتی نزد تو می‌آیند و با تو جمال می‌کنند کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند این [کتاب] چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست (۲۵)

نخست اینکه این داستانها در تورات همه هستند و اخبار غیب در آن زمان نبوده است دوم اینکه در قرآن چندین بار ذکر شده است که مشرکان می‌گویند قرآن چیزی جز افسانه پیشینیان نیست پس قبل این افسانه‌ها را حتما شنیده بودند سوم داستان نوح در لوح های بابلی هم کشف شده است پس باز هم داستان غیب نیست در ضمن در سوره یوسف استدلال کاملا بچگانه ای آورده شده است که تو آن هنگام نزدشان نبودی آیا باید برای باخبر شدن از هر داستانی انسان در آن زمان و مکان باشد

سوره ۷۳: المزمول

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا (۹)

[اوست] الله خاور و باختر الله ای جز او نیست پس او را کارساز خویش اختیار کن (۹)

سوره ۵۵: الرحمن

رَبُّ الْمَسْرُقِينَ وَرَبُّ الْمَعْرَبِينَ (۱۷)

الله دو خاور و الله دو باختر (۱۷)

سوره ۳۷: الصافات

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنُهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارقِ (۵)

الله آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است و الله خاورها (۵)

آقای مفسر بفرمایید تفسیر کنید که الله رب یک مشرق است رب دو تا مشرق است یا رب مشرقهاست راستی چندتا مشرق و مغرب داریم؟

قرآن‌کی فرآن‌من

مک

سوره ۱۰۹: الكافرون

لَكُمْ دِيَنُكُمْ وَلَيَ دِينٍ (۶)

دین شما برای خودتان و دین من برای خودم (۶)

مديز

سوره ۴۷: محمد

فَإِذَا لَقِيْتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَصَرْبِبُ الرِّقَابَ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَسُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَنًا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءٌ حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ
أُوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لَيْلُو بَعْضَكُمْ بِيَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتُلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضْلِلَ أَعْمَالُهُمْ
(۴)

پس چون با کسانی که کفر ورزیده‌اند برخورد کنید گردنها [یشان] را بزنید تا چون آنان را [در کشتار] از پای درآورده‌ید پس [اسیران را] استوار در بند کشید سپس یا [بر آنان] منت نهید [و آزادشان کنید] و یا فدیه [و عوض از ایشان بگیرید] تا در جنگ اسلحه بر زمین گذاشته شود این است [دستور الله] و اگر الله می‌خواست از ایشان انقام می‌کشید ولی [فرمان پیکار داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی [دیگر] بیازماید و کسانی که در راه الله کشته شده‌اند هرگز کارهایشان را ضایع نمی‌کند (۴)

مک

سوره ۴۲: الشورى

وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لِمَنْ عَزْمُ الْأَمُورِ (۴۳)

هر که صبر کند و درگذرد مسلمان این [خویشن داری حاکی] از اراده قوى [در] کارهاست (۴۳)

سوره ۲: البقرة

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَأَتَقْوِا اللَّهَ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۱۹۴)

این ماه حرام در برابر آن ماه حرام است و [هناک] حرمتها قصاص دارد پس هر کس بر شما تعدی کرد همان گونه که بر شما تعدی کرده بر او تعدی کنید و از الله پروا بدارید و بدانید که الله با تقوای پیشگان است (۱۹۴)

سوره ۴۲: الشوری

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۖ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدُ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ (۲۳)

این همان [پاداشی] است که الله بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدان] مژده داده است بگو به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی در باره خویشاوندان و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی انوزد] برای او در ثواب آن خواهیم افزود قطعاً الله آمرزنده و قدرشناست است (۲۳)

سوره ۸: الأنفال

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِرَسُولِ اللَّهِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنِ السَّيِّلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْقُرْآنِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۱)

و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید یک پنج آن برای الله و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و بیتیمان و بینوایان و در راهماندگان است اگر به الله و آنچه بر بنده خود در روز جدایی [حق از باطل] روزی که آن دو گروه با هم رو برو شدند نازل کردیم ایمان آورده‌اید و الله بر هر چیزی تواناست (۴۱)

سوره ۴۱: فصلت

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَائِنُهُ وَلَيُّ حَمِيمٌ (۳۴)

و نیکی با بدی یکسان نیست [بدی را] به آنچه بهتر است دفع کن آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است گویی دوستی یکدل می‌گردد (۳۴)

ه

مدين

سوره ۲: البقرة

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتُبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْفَتْنَى الْحُرُثُ بِالْحُرُثِ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأَنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أُخْيِهِ شَيْءٌ فَإِنَّبَاعً بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءً إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَحْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۷۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید در باره کشتگان بر شما [حق] قصاص مقرر شده آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده و زن عوض زن و هر کس که از جانب برادر [دینی] اش [یعنی ولی مقتول] چیزی [از حق قصاص] به او گذشت شود [باید از گذشت ولی مقتول] به طور پسندیده پیروی کند و با [رعایت] احسان [خوبنها را] به او بپردازد این [حکم] تخفیف و رحمتی از الله شماست پس هر کس بعد از آن از اندازه درگذرد وی را عذابی در دنایک است (۱۷۸)

ه

مک

سوره ۱۶: النحل

فَإِنْ تَوَلُّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۸۲)

پس اگر رویگردان شوند بر تو فقط ابلاغ آشکار است (۸۲)

ه

مدين

سوره ۸: الأنفال

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا يَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۳۹)

و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماد و دین یکسره از آن الله گردد پس اگر [از کفر] بازایستند قطعاً الله به آنچه انجام می‌دهند بیناست (۳۹)

سوره ۲۹: العنكبوت

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَّا بِالَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا
وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَتَحْنُنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۴۶)

و با اهل کتاب جز به [شیوه‌ای] که بهتر است مجادله مکنید مگر [با] کسانی از آنان که ستم کردند و بگویید به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل گردیده ایمان آوردم و الله ما و الله شما یکی است و ما تسلیم او بیم (۴۶)

سوره ۹: التوبة

فَاتَّلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ
أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدِهِمْ صَاغِرُونَ (۲۹)

با کسانی از اهل کتاب که به الله و روز بازپسین ایمان نمی‌آورند و آنچه را الله و فرستاده‌اش حرام گردانیده‌اند حرام نمی‌دارند و متدين به دین حق نمی‌گردند کارزار کنید تا با خواری به دست‌خود جزیه دهند (۲۹)

البته تشخیص اینکه اهل کتاب به الله و روز بازپسین ایمان آورده اند یا نه با تازه مسلمانان بوده است و بر استناد همین آیه به ایران ما حمله کردند و مردان ما را کشتند پسران ما را به بردگی و زنان ما را به کنیزی برداشتند لازم به توضیح می‌دانم که کنیز زن اسیر شده ای است اعم از شوهر دار یا بی شوهر که پس از اسارت با پول بین مسلمانان رد و بدل می‌شود و مسلمانان بدون عقد می‌توانند با آنها هم خوابه شوند (مومنون ۶- احزاب ۵۰-نساء ۲۴) من وقتی در این مورد چیزی می‌خوانم یا می‌نویسم اشک در چشمانم حلقه می‌زنند دوستان از مکه تا مدینه موقعیت الله که عوض نمی‌شود و بر قدرت الله که افزوده نمی‌شود و حکم الله هم ثابت است

صفات الله

بررسی صفات الله در قرآن

علم الله

اگر قرآن از طرف آفریدگار باشد نباید مشکل علمی در آن بتوان یافت

سوره ۲: البقرة

الذِّي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بَنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ النَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنَدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۲)

همان [الله] که زمین را برای شما فرشی [گستردۀ] و آسمان را بنایی [افراشته] قرار داد و از آسمان آبی فرود آورده و بدان از میوه‌ها رزقی برای شما بیرون آورد پس برای الله همتایانی قرار ندهید در حالی که خود می‌دانید (۲۲)

سوره ۱۳: الرعد

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بَغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلُّ يَجْرِي لِأَجْلِ مُسَمَّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ يَلَقَاءُ رَبَّكُمْ ثُوَّاقُنَّ (۲)

الله [همان] کسی است که آسمانها را بدون ستونهایی که آنها را ببینید برافراشت آنگاه بر عرش استیلا یافت و خورشید و ماه را رام گردانید هر کدام برای مدتی معین به سیر خود ادامه می‌دهند [الله] در کار [آفرینش] تدبیر می‌کند و آیات [خود] را به روشنی بیان می‌نماید امید که شما به لقای الله یقین حاصل کنید (۲)

وَهُوَ الَّذِي مَدَ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيًّا وَأَنْهَارًا وَمَنْ كُلُّ النَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُعْشِي اللَّيْلَ الدَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لِيَاتٍ لَّفُومٌ يَنْقَذُونَ (۳)

و اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن کوهها و رودها نهاد و از هر گونه میوه‌ای در آن جفت جفت قرار داد روز را به شب می‌پوشاند قطعاً در این [امور] برای مردمی که تفکر می‌کند نشانه‌هایی وجود دارد (۴)

سوره ۵۱: الذاريات

وَالْأَرْضَ فَرَشَنَا هَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ (۴۸)

و زمین را گسترانیده‌ایم و چه نیکو گسترنگانیم (۴۸)

سوره ۱۵: الحجر

إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَنْبَعَهُ شَهَابٌ مُّبِينٌ (۱۸) وَالْأَرْضَ مَدَنَنَا هَا وَأَنْبَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيًّا وَأَنْبَيْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ عَمَّا يَرَى مَوْزُونٌ (۱۹)

مگر آن کس که دزدیده گوش فرا دهد که شهابی روشن او را دنبال می‌کند (۱۸) و زمین را گسترانیدیم و در آن کوههای استوار افکنیدیم و از هر چیز سنجیده‌ای در آن رویانیدیم (۱۹)

سوره ۲۱: الأنبياء

أَوْلَمْ يَرَ الظَّيْنَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَبْقًا فَفَقَنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (۳۰)

آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم آیا [باز هم] ایمان نمی‌اورند (۳۰)

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ (۳۲) وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلُّ فِي قَلْكٍ يَسْبَحُونَ (۳۳)

و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم و [لی] آنان از [مطالعه در] نشانه‌های آن اعراض می‌کنند (۳۲) و اوست آن کسی که شب و روز و خورشید و ماه را پدید آورده است هر کدام از این دو در مداری [معین] شناورند (۳۳)

سورة ٢٢: الحج

أَلْمَ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَحَرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفَلَكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقْعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ
إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ (٦٥)

آیا ندیده‌ای که الله آنچه را در زمین است به نفع شما رام گردانید و کشتیها در دریا به فرمان او روانند و آسمان را نگاه می‌دارد تا [مبادا] بر زمین فرو افتاد مگر به اذن خودش [باشد] در حقیقت الله نسبت به مردم سخت رئوف و مهربان است (٦٥)

سورة ٢٥: الفرقان

بَيْارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُّثِيرًا (٦١)

[فرخنده و] بزرگوار است آن کسی که در آسمان برجهایی نهاد و در آن چراغ و ماهی نوربخش قرار داد (٦١)

سورة ٣١: لقمان

خَلَقَ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَأَنْوَاعَ النَّباتِ وَالثَّوْبَانِ وَالْمَاءَ فَأَنْبَتَنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلَنَا مِنَ السَّمَاءِ
مَاءً فَأَنْبَتَنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٌ (١٠)

آسمانها را بی‌هیچ ستونی که آن را ببینید خلق کرد و در زمین کوههای استوار بیفکند تا [مبادا زمین] شما را بجنband و در آن از هر گونه جنبندهای پراکنده گردانید و از آسمان آبی فرو فرستادیم و از هر نوع [گیاه] نیکو در آن رویانیدیم (١٠)

سورة ٢١: الأنبياء

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ (٣٢)

و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم و آنان از نشانه‌های آن اعراض می‌کنند (٣٢)

يَوْمَ نَطَوَيْ السَّمَاءَ كَطْيِ السَّجِيلِ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ تُعِيدُهُ وَعَدْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُلُّا فَاعْلَيْنَ (١٠٤)

روزی که آسمان را همچون در پیچیدن صفحه نامه‌ها در می‌پیچیم همان گونه که بار نخست آفرینش را آغاز کردیم دوباره آن را بازمی‌گردانیم و عده‌ای است بر عهد ما که ما انجام‌دهنده آنیم (١٠٤)

سورة ٣٥: فاطر

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي الْلَّيْلِ وَسَحَرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلُّ يَجْرِي لِأَجْلٍ مُسَمَّى ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ
وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلُكُونَ مِنْ قِطْمَيرٍ (١٣)

شب را به روز درمی‌آورد و روز را به شب درمی‌آورد و خورشید و ماه را تسخیر کرده است [که] هر یک تا هنگامی معین رواند این است الله الله شما فرمانروایی از آن اوست و کسانی را که بجز او می‌خوانند مالک پوست هسته خرمایی [هم] نیستند (۱۲)

سوره ۳۷: الصافات

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَافِكِ (۶) وَحَفَظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ (۷) لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيَقْذِفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ (۸) ذُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ (۹) إِلَّا مَنْ حَطَفَ الْحَطْفَةَ قَاتِلُهُ شَهَابٌ ثَاقِبٌ (۱۰)

ما آسمان این دنیا را به زیور ستارگان آراستیم (۶) و [آن را] از هر شیطان سرکشی نگاه داشتیم (۷) [به طوری که] نمی‌توانند به انبوه [فرشتگان] عال م بالا گوش فرا دهند و از هر سوی پرتاب می‌شوند (۸) باشدت به دور رانده می‌شوند و برایشان عذابی دائم است (۹) مگر کسی که [از سخن بالاییان] یکباره استراق سمع کند که شهابی شکافنده از پی او می‌تازد (۱۰)

سوره ۵۰: ق

أَقْلَمْ يَنْظَرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ (۶) وَالْأَرْضَ مَدَدَنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَثْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (۷)

مگر به آسمان بالای سرشان ننگریسته‌اند که چگونه آن را ساخته و زینتش داده‌ایم و برای آن هیچ گونه شکافتگی نیست (۶) و زمین را گستردیم و در آن لنگر کوهها فرو افکنیم و در آن از هر گونه جفت دل‌انگیز رویانیدیم (۷)

سوره ۵۵: الرحمن

فَإِذَا انشَقَّ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدَّهَانِ (۳۷)

پس آنگاه که آسمان از هم شکافد و چون چرم گلگون گردد (۳۷)

سوره ۶۷: الملک

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طَبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هُلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ (۳)

همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید در آفرینش آن [الله] بخشایشگر هیچ گونه اختلاف [و تقاوی] نمی‌بینی بازبنگر آیا خلل [و نقصانی] می‌بینی (۳)

سوره ۳۹: الزمر

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلُّ يَجْرِي لِأَجْلٍ مُسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْعَقَارُ (۵)

آسمانها و زمین را به حق آفرید شب را به روز درمی‌بیچد و روز را به شب درمی‌بیچد و خورشد و ماه را تسخیر کرد هر کدام تا مدتی معین در حرکت باشند آگاه باش که او همان شکستناپذیر آمرزنده است (۵)

با تعریفهای بالا می‌توان فهمید که الله فکر می‌کرده است زمین مانند فرشی گسترده است و مانند توب گرد و کروی نیست شهابها جهت محافظت از سخنان فرشتگان به طرف شیطانها شلیک می‌شوند کوهها هم که لنگر زمین هستند و زمین را ثابت نگه داشته اند آسمان هم جسمی است که بدون ستون قابل مشاهده بالای زمین قرار گرفته است و هفت طبقه است ستاره ها هم زیور آسمان هستند که در برجهای آسمان قرار دارند و کار دیگری ندارند خورشید هم به دور زمین می‌چرخد آسمان هم با زمین به هم چسبیده بوده اند

ما با این همه علم در قرآن راجع به آسمان و زمین چه احتیاجی داشته ایم که کروی بودن زمین را ثابت کنیم یا در مورد شهابها تحقیق کنیم فکر سفر به کرات و آسمان به سرمان بزند این می‌شود که مردم مسلمان عقب افتاده ترین و فقیر ترین انسانهای روی زمین را تشکیل می‌دهند در اروپا هم زمانی که دین حکومت می‌کرد پیشرفته حاصل نمی‌شد حتی اگر کسی می‌گفت زمین گرد است او را به دادگاه کلیسا می‌کشانند البته ما ایرانی ها در علم کمی گام پیش نهادهایم البته کمی ولی خودتان نگاهی به دیگر کشورهای اسلامی بیاندازید اکتشافات و اختراقات آنها را بررسی کنید چه می‌یابید؟ به خود بیایید دوستان ما جزو اولین و متمدن ترین کشورهای دنیا بوده ایم نگاهی به امپراتوری عظیم عثمانی (ترکیه) بیاندازید نگاهی به کشور اهرام ثلثه (مصر) بیاندازید که با آن همه تمدن چه کرند حتی زبان آنها را نیز به عربی تغییر دادند باز هم گلی به جمال ما ایرانیان که زبان خودمان را نصفه نیمه حفظ کردیم بیخشید سخن به درازا کشید برویم سراغ دیگر اطلاعات علمی که می‌توان از قرآن استنباط کرد

سوره ۶: الأنعام

فَالْيَمْ لِإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَّاً وَالشَّمْسَ وَالقَمَرَ حُسْبَانًا دَلِيلَ تَعْذِيرٍ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ (۹۶)

[هموست که] شکافنده صبح است و شب را برای آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده این اندازه‌گیری آن توانایی دناست (۹۶)

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لَتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلَنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۹۷)

اوست کسی که ستارگان را برای شما قرار داده تا به وسیله آنها در تاریکیهای خشکی و دریا راه باید به یقین ما دلایل [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان کرده‌ایم (۹۷)

پس ماه و خورشید وسیله حساب آست برای ما البته ماه که خیلی وسیله خوبی برای حساب می‌باشد فقط یک عیب کوچک دارد آن هم اینکه تقریباً سالی ده روز عقب می‌ماند البته چیزی هم نیست ستاره ها هم که وسیله هدایت ما هستند فقط نمی‌دانم در زمستان که بیشتر شبهابری هست چه باید کرد آیا استفاده از قطب نما مجاز است یا نه راستی چرا این دانشمندان اینقدر در مورد ستارگان تحقیق می‌کنند؟

سوره ۱۶: النحل

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفَءٌ وَمَنَافِعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۵)

و چارپایان را برای شما آفرید در آنها برای شما [وسیله] گرمی و سودهایی است و از آنها می‌خورید (۵)

قابل توجه عزیزان که اگر الله می‌گفت شما را برای چهارپایان آفریدم درست نبود چون چهار پایان از چهار میلیون سال پیش در زمین زندگی می‌کنند و ما فقط هشتاد هزار سال است در زمین زندگی می‌کنیم

سوره ۱۶: النحل

ثُمَّ كُلِي من كُلَّ النَّمَرَاتِ فَاسْكُنِي سُبْلَ رَبِّكِ دُلْلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونَهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ الْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَا يَةً لِقَوْمٍ يَفَكَّرُونَ (۶۹)

سپس از همه میوه‌ها بخور و راههای الله را فرمانبردارانه بپوی [آنگاه] از درون [شکم] آن شهدی که به رنگهای گوناگون است بیرون می‌آید در آن برای مردم درمانی است راستی در این [زنگی زنبوران] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه [قدرت الهی] است (۶۹)

بهتر است در مورد زنبور که در بالا گفته شده میوه‌ها را می‌خورد و بعد از درون شکم خود شهدی بیرون می‌آورد این مطالب را بخوانید

زنبور عسل یکی از حشرات مفید برای انسان است که متعلق به رده دوبالان می‌باشد. زنبور عسل خیلی پیش از انسان در روی زمین بوجود آمده و زندگی می‌کرده است. زنبور عسل حدود ۱۵۰ میلیون سال قبل وجود داشته و مشغول زاد و ولد بوده است.

نحوه تولید عسل

زنبور ابتدا شهد گلها یا گیاهان را مکیده (دوستان توجه کنید شهد گیاهان و گلها نه میوه آنها را) و در چینه دان خود با بزاق مخلوط می‌کند و با چندین بار فرو بردن و بیرون آوردن (البته بیرون آوردن از دهان از شکم) آن را در کندو به زنبورهای جوان تحویل می‌دهد. زنبورهای جوان نیزکه غدد آنزیم ساز آنها به حداقل رشد رسیده، شهد را دهان به دهان می‌چرخانند و پس از مخلوط کردن با بزاق دهان و فرو بردن و بیرون آوردن از چینه دان عسل ساز خود و گرفتن قسمتی از آب، آن را تبدیل به عسل می‌کنند. این عسل در حجره‌های موم مانند برگردانده می‌شود. سپس زنبورها با بال زدن‌هایی مکرر آب آن را تبخیر کرده و در نتیجه عسل پخته شده روی آن را با یک ورقه موم سفید می‌پوشانند. مقدار مختصراً از عسل را خود زنبورها مصرف می‌کنند و بقیه حاصل زحماتشان را ما انسانها استفاده می‌کنیم. جالب اینکه دانشمندان معتقدند زنبور به هنگام ساختن عسل آنچنان ماهرانه عمل می‌کند که خواص درمانی و دارویی گیاهان کاملاً به عسل منتقل شده و محفوظ می‌ماند. رنگ عسل بر حسب آنکه زنبور بر چه گل و ثمره ای نشسته و از آن بهره گیری کرده تقاؤت می‌کند.

حال خودتان قضاوت کنید آیا آفریدگار می‌تواند اینچنین کم علم سخن بگوید

سوره ۱۸: الكهف

حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَعْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَعْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمَلَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا فُلَنًا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ ثَعَدَبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَخَذَ فِيهِمْ حُسْنًا (۸۶)

تا آنگاه که به **غروبگاه خورشید رسید که [خورشید]** در چشمهای گلآلود و سیاه غروب می‌کند و نزدیک آن طایفه‌ای را یافت فرمودیم ای ذوالقرنین [اختیار با توتست] یا عذاب می‌کنی یا در میانشان [روش] نیکویی پیش می‌گیری (۸۶)

حتی إذا بلغ مطلع الشّمس وَجَدَهَا تَطْلُعَ عَلَى قَوْمٍ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِيرًا (۹۰)

تا آنگاه که به جایگاه برآمدن خورشید رسید **[خورشید]** را [چنین] یافت که بر قومی طلوع می‌کرد که برای ایشان در برابر آن پوششی قرار نداده بودیم (۹۰)

خیلی جالب است ذوالقرنین به جایگاه غروب خورشید آنجایی که خورشید در چشمهای آب سیاه غروب می‌کند می‌رسد و همچنین به جایگاه طلوع خورشید جایی که خورشید با مردمان فاصله یا پوششی ندارد آیا آن مردم تبدیل به خاکستر نمی‌شوند خودتان فکر کنید و آن مکان را در زمین بیابید دیگر فکر نمی‌کنم راجع به طلوع و غروب خورشید توضیحی بدهم چون همه بچه‌های پنجم ابتدایی هم در مورد غروب و طلوع خورشید اطلاعات دارند و می‌دانند خورشید نیست که غروب می‌کند و در چشمه آب تاریک فرو می‌رود بلکه این زمین است که با چرخش به دور خود روز و شب و طلوع و غروب را برای ما در یک مکان به وجود می‌آورد آیا آفریدگار می‌تواند از این موضوع اطلاع نداشته باشد و در کتابی که منسوب به اوست اینگونه اشتباه نگاری کند

سوره ۲۴: النور

أَلْمَ ثَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابَةً لَمْ يُؤَلِّفْ بَيْنَهُ لَمْ يَجْعَلْ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خَلَالِهِ وَيَنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جَيَالٍ
فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصَبِّبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرُفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَابَرْقَهُ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ (۴۳)

آیا ندانسته‌ای که الله[ست که] ابر را به آرامی می‌راند سپس میان [اجزاء] آن پیوند می‌دهد آنگاه آن را متراکم می‌سازد پس دانه‌های باران را می‌بینی که از خلال آن بیرون می‌آید و [اللهست که] از آسمان از کوههایی که در آنجاست تگرگی فرو می‌ریزد و هر که را بخواهد بدان گزند می‌رساند و آن را از هر که بخواهد باز می‌دارد نزدیک است روشنی بر قش چشمها را ببرد (۴۳)

آیا در آسمان کوهی وجود دارد اگر منظور ابرهای مانند کوه گفته نشده است چرا قبل از آن برای باران گفته شده از ابر ولی برای تگرگ گفته شده است کوه آیا همان ابری که تگرگ را فرو می‌ریزد نمی‌تواند باران را فرو بریزد خودتان که در زندگی روزمره شاهد تلاقي بارش تگرگ و باران بوده اید البته عزیزان مفسر استاد ربط دادن موارد به یکدیگرند ولی اگر قرآن از طرف الله برای راهنمایی انسانها آمده است پس باید برای انسانها قابل فهم باشد و کم و کسری نداشته باشد که مفسرین بخواهند به آن اضافه یا از آن کم کنند

تگرگ (ژاله، یخچه؛ در عربی: بَرَد)، از عوارض جویی. تگرگ از دانه یا تکه‌های یخ به قطر ۵ تا ۵۰ میلیمتر (و گاه بیشتر) تشکیل می‌شود و حاصل حرکات عمودی شدید قطرات باران در طوفانهای همراه با رعدوبرق است که در نتیجه این حرکات، قطرات آب بسرعت منجمد می‌شود. این حرکات عمودی سریع

بویژه در ابرهای کومولونیمبوس به وجود می آید. تگرگ دارای لایه های شفاف و نیمه شفاف است . فصل بارش تگرگ اغلب در بهار یا فصول انتقالی سال است ، زیرا در این فصول اغتشاشات شدید جوی زیاد است

سوره ۳۶: پس

وَالْقَمَرُ قَدَّرَ ثَاءُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونَ الْقَدِيمِ (۳۹)

و برای ماه منزلهای معین کرده ایم تا چون شاخه خشک خوش خرمابرگرد (۳۹)

ابتدا تعریف منزل می دانید که منزل محل توقف و استراحت می باشد همانطور که در متون نوشته می شود مثلا پس از یک شبانه روز حرکت در تهران منزل کردیم حال شما بگویید آیا ماه در جایی منزل یا توقف می کند دوم اینکه آیا ماه مانند شاخه خشک می شود یا در اثر سایه زمین به این صورت به نظر می رسد واقعاً ما اگر بخواهیم علم را بر اساس قرآن پایه ریزی کنیم چه می شود؟ البته جای سوال ندارد همین می شود که ابتدا غربی ها و کشورهای غیر مسلمان مسئله را کشف می کنند و بعد ما با مراجعه به قرآن آن را به قرآن ربط می دهیم و می گوییم این مسئله را قرآن هم گفته حال اگر قرآن گفته است چرا یکی از آقایان مفسر و حافظ قرآن آن مسائل را کشف نمی کنند؟

سوره ۳۷: الصافات

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنْ الْمُسَبِّحِينَ (۱۴۳) لَلَّيْلَةَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبَعَّثُونَ (۱۴۴)

و اگر او از زمرة تسبیح‌کنندگان نبود (۱۴۳) فطعاً تا روزی که برانگیخته می‌شوند در شکم آن [ماهی] می‌ماند (۱۴۴)

فقط جهت اطلاع الله می خواهم بگوییم اگر جزو شکر گذارندگان نبود و توی معده ماهی می ماند اسید معده ماهی به او اجازه نمی داد تا روز برانگیخته شدن در همانجا بماند اگر هم اسید معده ماهی هم پیامبر الله را حل نمی کرد باز هم ماهی او را بالا می آورد البته الله جان بیخشید جسارت کردیم. می دانم که مفسران عزیز می گویند هیچ چیز از الله بعید نیست ولی اگر الله نظم طبیعت را به هم بریزد نمی تواند آفریدگار باشد.

سوره ۵۱: الذاريات

وَمَنْ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لِعَلْكُمْ تَذَكَّرُونَ (۴۹)

و از هر چیزی دو گونه [یعنی نر و ماده] آفریدیم امید که شما عبرت گیرید (۴۹)

موجودات تک جنسی هم وجود دارد(جلبرگ) ولی اینکه چرا دو جنسی(نر و ماده) ها بیشترند به دلیل برتری در ادامه و تولید مثل آن است مثل برتری پستاندار بودن در مقابل تخم گذار بودن است

البته لازم به گفتن نمی داشم که خیلی از گیاهان و درختان تک جنسی می باشند ولی در جانوران نیز می توان به کرم خاکی اشاره نمود

کرم خاکی تک جنسی است و در هر کرم اندامهای جنسی نر و ماده در قسمت شکمی جای دارد. کرمهای خاکی در بیشتر سال، تولید مثل می کنند، ولی حداکثر فعالیت تکثیری آنها در هوای گرم و مرطوب است.

سوره ۶۵: الطلاق

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَرَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (۱۲)

الله همان کسی است که **هفت آسمان** و همانند آنها هفت زمین **آفرید** فرمان [الله] در میان آنها فرود می آید تا بدانید که الله بر هر چیزی تواناست و به راستی دانش وی هر چیزی را در بر گرفته است (۱۲)

ما که هر چه گشتهای هفت آسمان نیافرته و همچنین هفت زمین حالا مفسران گرامی زحمت بکشند به یک جایی این قضیه را ربط بدهند البته این آیه را می توان در بخش تناقض گویی هم جای داد زیرا در بسیاری از آیات به یک زمین اشاره کرده است ولی در این آیه یک زمین را به هفت زمین ارتقاء داده است.

سوره ۶۷: الملك

وَلَقَدْ زَيَّنَ السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلَنَا هَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ (۵)

و در حقیقت آسمان دنیا را با چراغهایی زینت دادیم و آن را مایه طرد شیاطین گردانیدیم و برای آنها عذاب آتش فروزان آماده کردیم (۵)

باز هم همان بحث ستارگان و فلسفه وجود آنها که چرا غهای آسمان هستند و وسیله طرد شیاطین البته در اینجا شیطان تبدیل به شیاطین شده است حالا جای بسی سوال است چرا این ستارگان شیطان بزرگ آمریکا را طرد نمی کنند که با ما هواره ها و موشكهای فضایی در آنجا جولان می دهد شگفت است

سوره ۶۹: الحاقة

وَإِنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ (۱۶)

و آسمان از هم **بشکاف** و در آن روز است که آن از هم گسسته باشد (۱۶)

سوره ۷۰: المعارض

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ (۸)

روزی که آسمانها چون فلز گداخته شود (۸)

من حرفی نمی زنم خودتان آسمان را و بعد هم شکافته شدن و گداخته شدن آنرا تصور کنید آیا آسمان جسم می باشد.

سوره ۷۱: نوح

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طَبَاقًا (۱۵) وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا (۱۶)

مگر ملاحظه نکرده اید که چگونه الله هفت آسمان را توبرتو آفریده است (۱۵) و ماه را در میان آنها روشنایی بخش گردانید و خورشید را [چون] چراغی قرار داد (۱۶)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بَسَاطًا (۱۹)

وَالله زمین را برای شما فرشی [گسترده] ساخت (۱۹)

نخست این که ما می دانیم ماه از خود نوری ندارد که زمین بتاباند و نور آن انعکاس نور خورشید است دوم اینکه تشبيه خورشید به چراغ از الله که ادعای دارد همان آفریدگار است به دور می باشد سوم اینکه خودتان فرش را تصور کنید و بعد زمین را در نظر بگیرید آیا زمین مانند فرش است گسترانده شده یا مانند توپ گرد است

سوره ۷۲: الجن

وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلْتَ حَرَسًا شَيْدِيًّا وَشَهْبًا (۸) وَأَنَا كُلًا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعُ إِلَآنَ يَجِدُ لَهُ شَهَابًا رَّصَدًا (۹)

(جنها می گویند) و ما آسمان را لمس کردیم و آن را پر از نگهبانان توانا و تیرهای شهاب یافتیم (۸) و در [آسمان] برای شنیدن به کمین می نشستیم [اما] اکنون هر که بخواهد به گوش باشد تیر شهابی در کمین خود می یابد (۹)

آیا آسمان قابل لمس می باشد و آیا شهابها تیری به طرف شیاطین و جنیان هستند با این همه علم ما دیگر احتیاج به تحقیق در مورد شهابها نداریم قرآن به ما علم در مورد شهابها به اندازه کافی می دهد

شهاب پدیده ای زودگذر است که فقط چند ثانیه دوام می آورد، آنچه می بینیم در آسمان مثل تیر می گذرد، خود شی نیست بلکه خط روشنی است که براثر عبور جسم جامد کوچکی در جو زمین، ایجاد می شود. شی حقیقی را که سبب ایجاد این پدیده می شود، در حال پرواز باشد، شهابواره می نامند.

شهابواره ذره ای است که معمولاً به اندازه یک دانه شن بوده و در فضای میان سیاره ای حرکت می کند. چنانچه با جو زمین برخورد کند به علت سرعت زیادش در اثر اصطکاک با هوا تا حد سفیدشگی گرم می شود و ملکولهای گازی را بونیزه کرده و باعث تشعشع نور می گردد. تقریباً تمام شهابوارها قبلاً از اینکه به زمین برسند تحلیل می روند؛ گاهی یک جسم بزرگتر وارد جو می شوند که منظره ای تماشایی به نام آذر گوی (fireball) ایجاد می کند. اگر این شی پس از پروازش دوام آورد و روی زمین بیفتد آن را شهابسنگ می نامیم. شهابوارها معمولاً به مشاهده گرانشان به طور تقریبی نزدیکند؛ فاصله آنها تا مشاهده گران در حدود 160 km گاهی هم نزدیکتر است. دو نوع شهابسنگ وجود دارد، یک دسته آنهایی که اغلب از آهن تشکیل شده و دسته دیگر آنهایی که از مواد سنگی تشکل اند. شهابسنگهای آهni به سادگی قابل تشخیص اند زیرا اصولاً آنها از ترکیبات فلزی آهن-نیکل تشکیل گردیده و مشابه آنها در روی زمین یافت نمی شود. شهابسنگهایی که مشکل از مواد سنگی هستند شبیه سنگهای زمینی بوده و در آنها به حد وفور اکسید آهن، سیلیکن و مانیزیم یافت می شوند. بزرگترین شهابسنگ سنگی جهان که در سال ۱۹۷۶ در ایالات جیلینگ در چین سقوط کرده است. وزن این قطعه سنگ تقریباً دو تن است. در صبح ۱۲ فوریه ۱۹۴۷ یک شهابسنگ در دامنه های صخره ای کوههای سیخوتای-آلین در شرق سیبری سقوط کرد. در حین عبور از جو زمین به صورت یک توب نورانی آتشین، به نورانی خورشید، دیده شد و یک دنباله سیاه ضخیم از خود به جای گذاشت.

بارشهای شهابی را بر حسب زمان و مکان ظهور و وقوعشان کاملاً می توان پیشگویی کرد، زیرا رگه های نوری که یک رگبار را می سازند، با ذرات شبه سنگ و ریگی ساخته شده اند که در هنگام تصعید هسته یخی دنباله دار، آزاد می شوند. این ذرات علی الاصول در همان مدار دنباله داری باقی می مانند که از آن ناشی شده اند، و هر جا زمین از مسیر دنباله دار عبور کند، این ذرات در هنگام ورود به جو زمین بر اثر اصطکاک گرم می شوند. رگه های نور شهابی ظاهراً از نقطه معینی در آسمان، نقطه نور باران، می تابند. بارش شهابی را معمولاً به نام همان صورت فلکی می نامند که به نظر می رسد آن رگبار از آنجا می آید.

سوره ۷۸: النبا

وَالْجِبَالَ أُوتَادًا (۷)

وَكُوهَا رَا مِيَخَاهِي (۷)

وَفَتَحَتِ السَّمَاءَ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (۱۹)

وَآسَمَانَ گَشُودَه وَ دَرَهَاهِي [پدید] شود (۱۹)

سوره ۱۶: النحل

وَأَنْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ ثَمِيدَ بَكْمٌ وَأَنْهَارًا وَسُبُّلًا لَعَلَّكُمْ تَهَذَّنَ (۱۵)

در زمین کوههایی استوار افکند تا شما را نجنباند و رودها و راهها [قرار داد] تا شماراه خود را پیدا کنید (۱۵)

سوره ۴۱: فصلت

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَّ مِنْ فُوقَهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَرَ فِيهَا أَفْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءَ لِلْسَّائِلِينَ (۱۰)

و در (زمین) از فراز آن کوهها نهاد و در آن خیر فراوان پدید آورد و قرارداد در آن مواد خوراکی در چهار روز [که] برای خواهندگان درست [و متناسب با نیاز هایشان] است (۱۰)

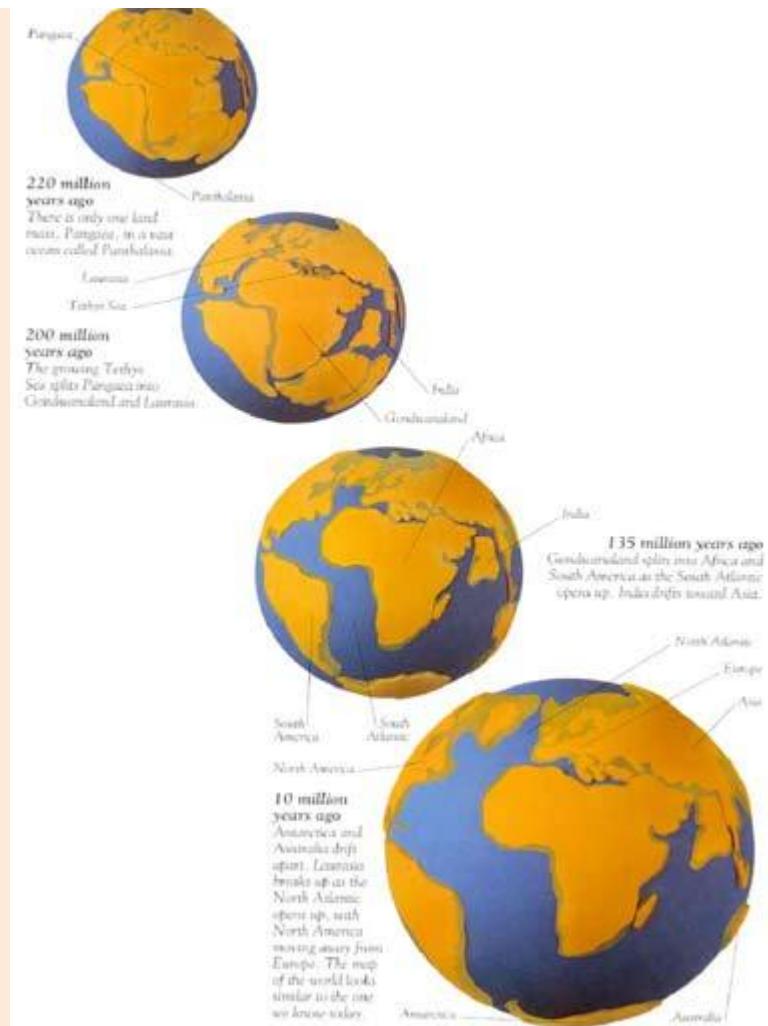
در مورد آسمان زیاد بحث کردیم بد نیست در اینجا توضیحاتی در مورد کوه ها برایتان بدhem

تشکیل کوهها

کوه همان توده های یا قطعات عظیم سنگی است که زمین شناسان می گویند توسط نیرو های از درون زمین به طرف بالا به سمت هوا رانده شده اند. زمین شناسان معتقد هستند که کوهها به چندین روش مختلف روی سطح زمین پیدا شده اند. می گویند یکی از این روشها همان نتیجه فعالیتهای آتش فشانی است. یعنی مواد مذاب و سایر مواد موقع فعالیتهای آتش فشانی به بیرون پرتاپ می شوند که از تجمع و جمع شدن این مواد و سرد شدن آنها بتدریج روی زمین کوه های ظاهر گشته اند. معمولاً اگر علاقه مند به خبر های علمی باشید در رسانه های خبری هر از گاه در رابطه با شروع دوباره فعالیتهای کوههای آتش فشانی در گوشه های مختلف کره زمین چیزهای مطرح می شود. پس یکی از شواهد و ادعای زمین شناسان وجود همین کوه های آتش فشانی روی کوه خاکی ما است که نمونه های از آنها مانند کوه ززوو در ایتالیا و یا کوه معروف فوجی یامای ژاپن و ... می باشند. نظر دیگر زمین شناسان در مورد پیدایش کوه ها این است که جریان آبها در روی زمین صخره ها و مواد نرم زمین را شسته و با خود برد و یا در خود حل کرده است و در آن قسمت فرسایشهای شدیدی ایجاد گشته و فسمتهای سخت باقی مانده است. اما تقریباً همه دانشمندان علاقه مند به سرگذشت زمین و پیدایش فسمتهای مختلف زمین مثل کوه بر این عقیده تاکید دارند که اغلب و یا شاید اکثریت کوهها در اثر چین خورده بوجود آمده اند. یعنی لایه های سنگی سخت فشار های بزرگ جانبی که همان فشار و نیروی خیلی زیاد داخل زمین علت اصلی می باشد. چین خورده که شبیه به موج دریا پیدا کرده اند و بوجود آمده اند. وقتی به یک موج در سطح در یا نگاه می کنید می بینید مجموعه زیادی از آب به سمت آسمان بالا می آید و دو باره فرو می رود. این موجها که دارای برآمدگی و فرو رفتگیهای هستند. پس هر چین خورده که همین طاقدیسها دو قسمت مانند موج دریا می باشد. که یکی را طاقدیس و دیگری را ناویدیس می نامند. طاقدیس برآمدگیهای چین خورده و ناویدیس همان فرو رفتگیهای چین خورده است. زمین شناسان و دانشمندان می گویند که همین طاقدیسها ، همان قسمتی هستند که قله کوه ها و ناویدیسها همان قسمتی هستند که دره های بین کوه ها را بوجود آورده اند. و گاهی چنان فشار ها و نیرو های زیاد به لایه های چین خورده سنگی وارد می شود که نمی توانند تحمل کنند و دچار شکستگیهای و پیدایش شکافهای در برخی از این لایه های چین خورده سنگی می شود. در اثر شکسته شدن آنها برخی از قطعات ممکن است بر روی قطعات دیگر کشیده و رانده شوند. کوه ها مانند ما که مرافق زندگی را می گذرانیم از جوانی تا بلوغ و سپس به کهنسالی میرسیم . آنها هم در طول سرگذشت زمین ابتدا جوان و مرتفع بوده اند و بعد ها رشد آنها متوقف شده است و در اثر عوامل فرسایشی مثل آب ، بیخ ، باد و ... کم ارتفاع شده اند و شیبیشان ملايم گشته اند و حتی کوه های وجود دارند که کهنسال هستند و چنان عوامل فرسایشی روی آنها در طول سالها بر آنها اثر گذاشته که تا حدی هم سطح زمین گشته اند.

پس کوهها مانند میخ در زمین قرار نگرفته اند و در ضمن در حال حاضر هم در حال تشکیل می باشند پس چیزی نیستند که در چهار روز الله خلق کرده باشد

اگر بیشتر در مورد زمین می خواهید بدانید متن زیر را هم مطالعه بفرمایید



پوسته زمین از تعدادی ورقه متحرک تشکیل شده است که دائما در حال برخورد یا دور شدن از هم هستند. پوسته زمین از تعدادی ورقه متحرک تشکیل شده است که دائما در حال برخورد یا دور شدن از هم هستند. سخت کره از نه ورقه بزرگ و دوازده ورقه کوچکتر تشکیل شده است. قاره های ورقه های قاره ای را تشکیل می دهند. ورقه های اقیانوسی قسمت عده بستر دریا را تشکیل می دهند. مطالعه ورقه های زمین ساختی که زمین ساخت ورقه ای نامیده می شود، به ما کمک می کند تا اشتقاق قاره ها، گسترش بستر اقیانوس، فورانهای آتشفسانی و تشکیل کوهها را توضیح دهیم. نیروهایی که باعث حرکت ورقه های زمین ساختی می شوند در اثر حرکت آهسته گوشه زیرین شکل می گیرند. سنگهای گوشه در اثر حرارت بالایی که در زیر آنهاست، دائما به سمت بالا حرکت می کنند و در اثر سرد شدن فرونشست می کنند. این چرخه میلیونها سال طول می کشد. اشتقاق ورقه ها در سطح زمین طی میلیونها سال صورت گرفته است و هنوز هم ظاهر بیرونی زمین را تغییر می دهد. وقتی به نقشه دنیا نگاه کنید می بینید که حاشیه شرقی آمریکای شمالی و جنوبی با حاشیه غربی اروپا و آفریقا منطبق می شود. طی میلیونها سال، این قاره ها به آهستگی از هم جدا شده اند (اشتقاق قاره ها).

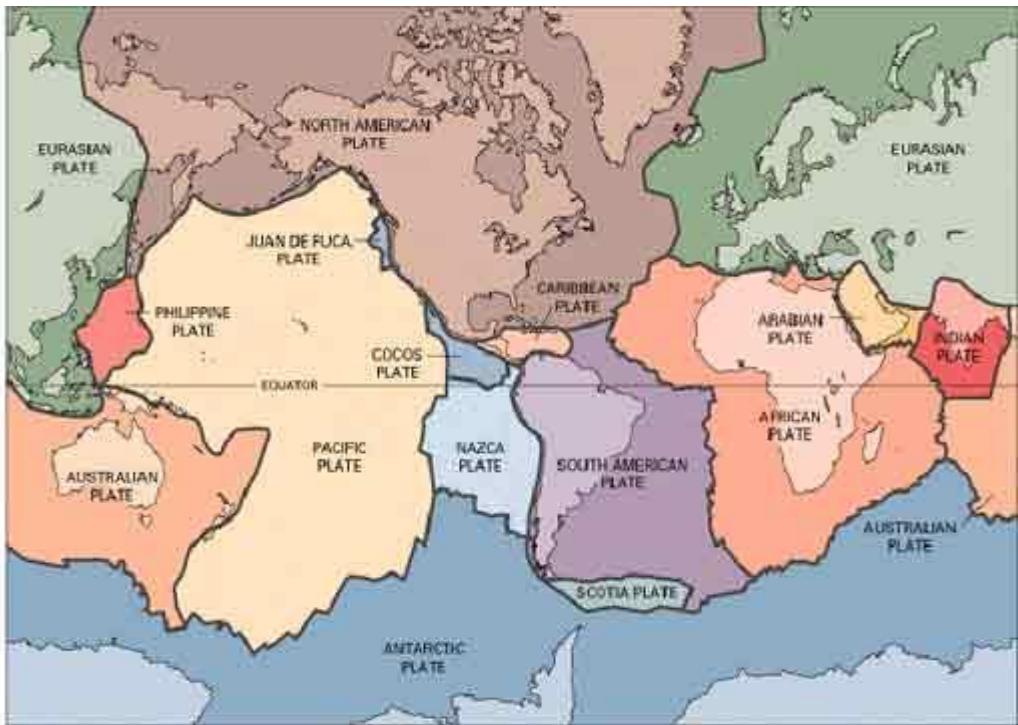
ورقه های واگرا :

جایی که دو ورقه از هم دور می شوند، سنگ داغ و مذاب (ماگمای مایع) به صورت گدازه خارج می شود و ماده جدیدی به ورقه ها افزوده می شود. به این ترتیب ورقه اقیانوسی جدیدی تشکیل می شود. جایی که این اتفاق رخ می دهد، پشته میان اقیانوسی نامیده می شود. پشته های میان اقیانوسی به ندرت بیش از ۴۹۲۰ فوت (۱۵۰۰ متر) ارتفاع دارند اما ممکن است هزاران مایل در امتداد بستر اقیانوس کشیده شوند. در زیر هر یک از اقیانوسهای بزرگ جهان، یک پشته میان اقیانوسی وجود دارد. نمونه ای از آنها پشته میانی اطلس در اقیانوس اطلس است که از قطب شمال تا قطب جنوب کشیده شده است. پشته های میان اقیانوسی مناطقی هستند که فعالیت آتشفسانی و زمین لرزه در آنجا زیاد است.

ورقه های همگرا :

در بسیاری جاهای ورقه های بزرگ سطح زمین به آهستگی به سمت هم حرکت می کنند. گاهی اوقات لبه یک ورقه در اثر نیروی برخورد تخریب می شود و گاهی اوقات در اثر برخورد، لبه ورقه ها چین خورده و رشته کوههای بزرگی به وجود می آید. هنگامی که یک ورقه زمین ساختی به زیر ورقه دیگر خم می شود، فرورانش رخ می دهد. در اثر برخورد ورقه چگال اقیانوسی با ورقه سبکتر قاره ای، این اتفاق رخ می دهد. در امتداد ساحل آمریکای جنوبی این پدیده دیده می شود. ورقه اقیانوسی به زیر سست کره رانده می شود. در اث رگرمای سست کره، ورقه فرورانده شده ذوب می شود. در سطح یک درازگودال اقیانوسی ایجاد می شود و به دنبال آن یک کمان قوسی تشکیل می شود. در این منطقه فعالیتهای آتشفسانی و زمین لرزه هم رخ می دهد. اطلس در حال رشد

ایسلند در بالای پشته میانی اطلس قرار دارد و نشان می دهد که در امتداد پشته، ورقه های آمریکای شمالی و اروپا از هم دور می شوند. پشته ای که در اینجا از زمان برخورد قاره ها مورد بررسی قرار می گیرد، یکی از ورقه هایی است که به دو لایه تقسیم می شود: لایه زیرین از سنگهای چگال گوشته تشکیل شده و لایه بالایی از سنگهای سبک پوسته تشکیل شده است. وقتی لایه گوشته فرورانش می کند، لایه بالایی تراشیده می شود و روی ورقه دیگر تجمع می یابد بنابراین رشته کوههایی مانند آلپ به وجود می آیند. این رشته کوهها، کوههایی چین خورده نامیده می شوند.



سطح زمین دارای ۷ خشکی بزرگ است که از شکسته شدن یک قاره واحد بزرگ در طول زمان و بر اثر پدیده پلیت تکتونیک به دست آمده است. هر کدام از این صفحات که به قاره موسوم است سالیانه حدود ۵۰ مایل حرکت می‌کنند. بر اثر این حرکتها مرزهای قاره‌ها دارای مدل‌های مختلفی است که به ترتیب زیر است:

صفحات واگرا و صفحات همگرا و مرزهای انتقالی گسلی صفحات همگرا توسط حرکت صفحات و برخورد و تصادم آنها به یکدیگر به وجود می‌آید. وقتی که صفحات اقیانوسی با صفحات قاره‌ای تصادف می‌کند، صفحات اقیانوسی به زیر صفحات قاره‌ای کشیده می‌شود و می‌لغزد و باعث به وجود آمدن چاله‌ها و حفرات عمیق در کف اقیانوسها می‌شود. به این مدل از حرکت ساب داکشن یا فرو رانش گفته می‌شود. نمونه‌ای از این نوع فرو رانش در بین صفحه اقیانوسی Nazca و صفحه قاره‌ای آمریکای جنوبی اتفاق افتاده است. بر اثر تصادم دو صفحه قاره‌ای کوه‌زایی‌های مهم به وجود می‌آید که هیمالیا از مهمترین آنها است.

صفحات واگرا بر اثر حرکت صفحه ای قاره‌های به وجود می‌آید نمونه‌ای از این صفحات واگرا می‌توان به برآمدگی آتلانتیک اشاره نمود. وقتی صفحات از هم دور شوند سنگهای ذوب شده و داغ که دمای آنها از خیلی بالا سرد می‌شود و باعث به وجود آمدن مواد جدید در صفحات اقیانوسی می‌شود. این فرایندهای در کف دریا پخش شده و شناخته شده است.

مرزهای صفحات گسلی انتقالی به صورت افقی حرکت می‌کند. به عنوان مثال از این حرکت صفحه ای می‌توان زون گسلشی سن آندریاس San Andreas را نام برد.

پلیت تکتونیک شاخه‌ای از علم زمین شناسی ساختمنی است که با فرایندهای حرکات صفحه ای در ارتباط است و در اثر این حرکات صفحه ای و برخوردها و تصادم قاره‌ها با یکدیگر مواد مذاب داغ به وجود می‌آید در مقیاس جهانی زمین شناسی به وجود آور نده یکی مدل سازندهای زمین شناسی و کوه‌زایی‌ها و توزیع زمین لرزه و آتش‌سوزان است.

منبع : پایگاه ملی داده‌های علوم زمین کشور

سورة ٧٩: النازعات

أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقَهُ أَمِ السَّمَاءَ بَنَاهَا (٢٧) رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوَّاهَا (٢٨) وَأَغْطَشَ لِيَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا (٢٩)

آیا آفرینش شما دشوارتر است یا آسمانی که [او] آن را برپا کرده است (٢٧) سقفش را برافراشت و آن را [به اندازه معین] درست کرد (٢٨) و شبش را تیره و روزش را آشکار گردانید (٢٩)

سورة ٨١: التكوير

وَإِذَا السَّمَاءُ كُثِّيَّتْ (١١)

و آنگاه که آسمان زجا کنده شود (١١)

آیا آسمان سقف دارد آیا آسمان شب دارد یا شب مال تنها نیمکره ای از زمین که ما در آن قرار داریم است و در زمانی که در نیمکره ما شب است آسمان نیکره دیگر روز می باشد آیا آسمان جا و محل خاصی دارد که از جا کنده شود؟

سورة ٩١: الشمس

وَالْأَرْضُ وَمَا طَحَاهَا (٦)

سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترد (٦)

عدالت الله

کنیز و برده

سوره ۱۶: النحل

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوًّا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنْا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًا وَجَهْرًا هُلْ يَسْتَوْنَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۷۵)

الله مثلی می‌زند بنده‌ای است زرخرد که هیچ کاری از او برنمی‌آید آیا [او] با کسی که به وی از جانب خود روزی نیکو داده‌ایم و او از آن در نهان و آشکار انفاق می‌کند یکسانست سپاس الله راست [نه] بلکه بیشترشان نمی‌دانند (۷۵)

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَنْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كُلُّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْمَانًا يُوَجِّهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هُلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۷۶)

و الله مثلی [دیگر] می‌زند دو مردند که یکی از آنها لال است و هیچ کاری از او برنمی‌آید و او سربار خداوندگارش می‌باشد هر جا که او را می‌فرستد خیری به همراه نمی‌آورد آیا او با کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راه راست یکسان است (۷۶)

از آیات بالا می‌توان نتیجه گرفت که الله دو نوع انسان آفریده یکی کسانی که برده هستند و هیچ کاری از آنها بر نمی‌آید دوم کسانی که به آنها رزق نیکو داده شده است و به راحتی می‌توان نتیجه گرفت که اسلام برده داری را امری عادی به شمار آورده است و برده را از انسان آزاد پست تر دانسته است

از نظر اسلام برده چه کسی است؟

برده کسی است که در یا در جنگ اسیر شود و قیمت پیشنهادی اسیر کننده خود را جهت آزاد شده نداشته باشد در نتیجه برده محسوب می‌گردد یا اینکه به هر وسیله یک انسان او را از اسیر کننده او خریده باشد نه رنگ پوست مطرح است نه نژاد پس آقایان مفسران می‌توانند نتیجه بگیرند اسلام نژاد پرست نبوده است البته لازم به ذکر می‌دانم در زمان هجوم اعراب به کشورهای مختلف تعداد بسیار زیادی انسان از جمله ایرانیان به اسارت برده شدند البته مهاجمین بیشتر ترجیح می‌دادند پسران جوان و یا مردانی را که کار خاصی بلد بودند را به بردگی ببرند و مابقی اسیران را ار دم تیغ می‌گذرانند

سوره ۲۳: المؤمنون

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵) إِلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكْتُ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مُلُومِينَ (۶)

و کسانی که پاکدامنند (۵) مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست (۶)

از آیات بالا می‌توان فهمید یک مرد می‌تواند یا با زن خود رابطه زناشویی داشته باشد یا با کنیز خود البته می‌توانید از علماء و مراجع محترم تقليدان هم سوال بفرمایید که کنیز احتیاج به عقد هم ندارد و صاحب او می‌تواند هرگونه عملی را با او انجام دهد و حق اعتراض هم ندارد و صاحب او می‌تواند او را به دیگری بپخشد و یا بفروشد تا او هم هر عملی خواست با وی انجام دهد و یک کنیز ممکن است هزاران دست بچرخد در ضمن بیشتر پیامبران از جمله محمد دارای کنیز بوده اند و همه امامان نیز کنیزانی داشته اند همانطور که می‌دانید اسماعیل پسر ابراهیم جد اعراب عربستان از کنیزی به نام هاجر به دنیا آمد و ماریه هم که ابراهیم پسر محمد را به دنیا اورد کنیز بود علی هم تعداد زیادی کنیز داشت که هنگام مرگش آنها را به فرزندان داخل شکمشان آنها را بخشد

از نظر اسلام کنیز چه کسی است؟

کنیز هم مانند برده زنی می‌باشد اعم از شوهردار با بی شوهر که در جنگ اسیر می‌شود البته لازم به ذکر می‌دانم که مسلمان بودن یا مسلمان شدن کنیز دلیلی بر آزاد شده او نمی‌شود و همچنان کنیز باقی می‌ماند در ضمن صاحب کنیز یا برده بر جان او هم صاحب اجازه است کنیز هم مانند برده کاملاً قابل تجارت و خرید فروش است

سوره ۲۴: النور

وَلَيَسْتَعْفِفُ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُعْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مَمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَكَاتِبُوْهُمْ إِنْ عَلِمْتُمُ فِيهِمْ خَيْرًا وَأَتُوْهُمْ مَنْ مَالَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَثْكَمْ وَلَا تُنْكِرُهُوْا فَتَبَيَّنُكُمْ عَلَى الْبَغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصَّنُوا لَتَبَتَّلُوْا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكَرِّهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۳)

و کسانی که [وسیله] زناشویی نمی‌یابند باید عفت ورزند تا الله آنان را از فضل خویش بینیاز گرداند و از میان غلامانタン کسانی که در صددند با قرارداد کتبی خود را آزاد کنند اگر در آنان خیری [و توانيابی پرداخت مال] می‌یابید قرار باز خرید آنها را بنویسید و از آن مالی که الله به شما داده است به ایشان بدھید [تا تدریجاً خود را آزاد کنند] و کنیزان خود را در صورتی که تمایل به پاکدامنی دارند برای اینکه متاع زندگی دنیا را بجویید به زنا و ادار مکنید و هر کس آنان را به زور و ادار کند در حقیقت الله پس از اجبار نمودن ایشان [نسبت به آنها] امرزنده مهربان است (۳۳)

از آیه بالا به درستی می‌توان فهمید که اعراب کنیزان خود را کرايه می‌داده اند و در این آیه الله آنها را از این کار منع کرده است جالب اینکه بعد از آن راه فرار برای آنها گذاشته و گفته اگر این کار را هم کردید اشکال ندارد الله امرزنده است در مورد برده ها هم گفته شده اگر در آنان خیری دید با آنها قرارداد بنویسید و تدریجاً یعنی به صورت قسطی آنهم و قتی بدھی آنها تمام شد آنها را آزاد کنید اصلاً دوستان فرض می‌گیریم در آیه بالا گفته شده اگر دوست داشتید رایگان آنها را آزاد کنید می‌دانید که علماً می‌گویند آزاد کردن خیلی ثواب

دارد حدوداً اندازه کفاره یک روزه ماه رمضان چرا باید الله برده داری را آزاد کند که بخواهد برای کسانی که برده‌گان را آزاد می‌کنند ثواب بنویسد آیا کسی به خاطر اینکه در جنگ و در دفاع از آب و خاکش اسیر شده الله او را برده یا کنیز به شمار آورد

محمد زنده به گور کردن دختران را منع کرد ولی من می‌گوییم آن را در تمام تاریخ تا زمانی که اسلام پا بر جا است زنده کرد چرا؟ نخست اینکه تمام طوایف عرب دختران را زنده به گور نمی‌کردند بلکه بعضی از آنها می‌دانید که عاقلانه نیست ما فکر کنیم تمام طوایف عرب این کار را می‌کردند و در طوایف عرب همه خانواده‌های آنها دختران را زنده به گور نمی‌کردند زیرا اگر چنین بود نسل آنها از کجا ادامه پیدا می‌کرد اگر خودتان تحقیق کنید اعراب از ترس اینکه زنان و دخترانشان اسیر شوند و به عنوان کنیز که آن را الله حلال کرده است دست هر مردی بیافتند زنده به گور می‌کردند همانطور که در جنگ ایران و عراق خیلی از ایرانیان زنان خود را کشتند بروید تحقیق کنید چقدر گور دسته جمعی زنان در خرمشهر پیدا شد بله از ترس اینکه زنان اسیر شوند ما ایرانیان هم که بالاترین تمدن را داشتیم زنانمان را زنده به گور کردیم می‌توانید فیلم روز سوم ساخت ایران را که به طو مجاز در تمام ویدئوکلوب‌ها است را ببینید پس می‌توان منصفانه نتیجه گرفت محمد زنده به گور کردن را پایه ریزی کرد اگر در آن زمان الله اسیر کردن زنان را حرام می‌کرد خود به خود زنده به گور کردن هم از بین می‌رفت آیا شما می‌دانید در هجوم اعراب به ایران چقدر زن زیبا رو ایرانی به کنیزی گرفته شد به تاریخ مراجعه کنید حتی زن امام حسین یک کنیز ایرانی به نام شهربانو بوده است و هزاران مثل او به کنیزی نزد اعراب رفتند ابو لولو که عمر را کشت یک ایرانی بود که به برده‌گی گرفته شده بود

سوره ۲: البقرة

وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا مَأْمَةٌ مُؤْمِنَةٌ حَيْرٌ مِّنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ حَيْرٌ مِّنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُ إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَعْفَرَةَ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۲۱)

و با زنان مشرک ازدواج ممکن نداشت ایمان بیاورند قطعاً کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است هر چند [زیبایی] او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک زن مدهید تا ایمان بیاورند قطعاً برده با ایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است هر چند شمارا به شگفت آورد آنان [شمارا] به سوی آتش فرا می‌خوانند و الله به فرمان خود [شما را] به سوی بهشت و آمرزش می‌خواند و آیات خود را برای مردم روشن می‌گرداند باشد که متذکر شوند (۲۲۱)

با توجه به متن آیه بالا می‌توان به طور عاقلانه گفت زن مسلمان برتر از کنیز مسلمان است و می‌توان از همین آیه به این نتیجه رسید که مسلمان شدن یک کنیز شرطی برای آزاد شدن او نیست و در مورد برده هم همین نتایج را می‌توان از آیه بالا گرفت

سوره ۴: النساء

وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طُوْلًا أَنْ يَنكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمَنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَإِنَّكُمْ هُنَّ أَهْلُهُنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافَحَاتٍ وَلَا مُتَّحَدَّثَاتٍ أَخْدَانٍ فَإِذَا أَحْصَنْتُمْ إِنَّ أَنْتُمْ بِفَاحِشَةٍ فَعَلِيهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَدَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۵)

و هر کس از شما از نظر مالی نمی‌تواند زنان [آزاد] پاکدامن با ایمان را به همسری [خود] درآورد پس با دختران جوانسال با ایمان شما که مالک آنان هستید [ازدواج کند] و الله به ایمان شما داناتر است [همه] از یکدیگرید پس آنان را با اجازه خانواده‌شان به همسری [خود] درآورید و مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدهید [به شرط آنکه] پاکدامن باشند نه زناکار و دوست‌گیران پنهانی نباشند پس چون به ازدواج [شما] در آمدند اگر مرتكب فحشا شدند پس بر آنان نیمی از عذاب [=مجازات] زنان آزاد است این [پیشنهاد زنشویی با کنیزان] برای کسی از شماست که از آلایش گناه بیم دارد و صبر کردن برای شما بهتر است و الله آمرزنده مهربان است (۲۵)

در آیه بالا هم گفته شده است اگر یک مرد را شهوتش خیلی در سختی گذاشته بود کنیز جوانسال به او بدهید و مجازات کنیزی هم زنا کند چون آدم محسوب نمی‌شود نصف دیگر انسانها است و بعد هم گفته شده است اگر صیر کنید و با کنیز ازدواج نکنید برای شما بهتر است خودتان ببینید چقدر یک انسان که اسیر شده است تحیر شده است و می‌توان نتیجه گرفت ازدواج با کنیز در اسلام کراحت خیلی زیادی دارد

سوره ۳۳ :الأحزاب

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَ الَّاتِي أَتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكْتُ يَمِينَكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتٍ عَمَّا تَكَبَّرَ وَبَنَاتٍ خَالِكَ وَبَنَاتٍ خَالِتِكَ الَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَأَمْرَأٌ مُؤْمِنَةٌ إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلَّهِ يَعْلَمُ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنِدَحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضَنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكْتُ أَيْمَانُهُمْ لِكُلِّا يَكُونُ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۵۰)

ای پیامبر ما برای تو آن همسرانی را که مهرشان را داده‌ای حلال کردیم و [کنیزانی] را که الله از غنیمت جنگی در اختیار تو قرار داده و دختران عمومیت و دختران عمه‌هایت و دختران خاله‌هایت که با تو مهاجرت کرده‌اند و زن مؤمنی که خود را به پیامبر بخشیده صورتی که پیامبر بخواهد او را به گیرد ویژه توست نه دیگر مؤمنان ما نیک می‌دانیم که در مورد زنان و کنیزانشان چه بر آنان مقرر کرده‌ایم تا برای تو مشکلی پیش نیاید و الله همواره آمرزنده مهربان است (۵۰)

پس کنیز زنی است که در جنگ به غنیمت گرفته می‌شود و حلال بودن آن هم گفته شده است

سوره ۴ :النساء

وَالْمُحْسَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأَحَلَّ لَكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِجِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَأُتُوهُنَّ أَجُورُهُنَّ فَرِيضَةٌ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۲۴)

و زنان شوهردار [تیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده‌اید [این] فرضیه الهی است که بر شما مقرر گردیده است و غیر از این [زنان نامبرده] برای شما حلال است که [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود طلب کنید در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید و زنانی را که متوجه کرده‌اید مهرشان را به عنوان فرضیه‌ای به آنان بدهید و بر شما گناهی نیست که پس از [تعیین مبلغ] مقرر با یکدیگر توافق کنید [که مدت عقد یا مهر را کم یا زیاد کنید] مسلمان الله دانای حکیم است (۲۴)

در این آیه هم بر تعریف ما از کنیز که فرق ندارد دارای شوهر باشد یا نه مهر درستی زده است.

حال دوستان به نظر شما الله عادل است البته باز هم می گوییم منظور من از الله آفریدگار نیست فقط منظورم همان الله است که محمد معرفی کرده است.

عدالت الله

زن و مرد

سوره ۲: البقرة

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيطِ فَلْنَ هُوَ أَدْيَ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيطِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىَ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطْهَرْنَ فَأُثْوِهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمْرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ (۲۲۲)

از تو در باره عادت ماهانه [زنان] می پرسند بگو آن رنجی است برای آنها پس هنگام عادت ماهانه از [آمیزش با] زنان کناره گیری کنید و به آنان نزدیک نشوید تا پاک شوند پس چون پاک شدند از همانجا که الله به شما فرمان داده است با آنان آمیزش کنید الله توبه کاران و پاکیزگان را دوست می دارد (۲۲۲)

الله که از علم کامل بر خوردار می باشد جواب این سوال انسانها را در مورد عادت ماهانه زنان (پریود) این گونه جواب می دهد که آن رنجی است برای آنها نخست اینکه به جزای کدام گناه باید همه زنان رنج بکشند آیا این عدالت است که زنان به خاطر اینکه الله آنها را دختر به دنیا آورده است در رنج باشند دوم آیا واقعاً دلیل پریود شدن همین است راستی چرا الله اینقدر زنان را حقیر کرده است. که حتی پریود شدن آنها را که یک چیز طبیعی است را رنج برای زنان گفته است. و بعد هم زنان را در زمان پریودی ناپاک اعلام کرده است و آنها را نجس می داند آیا این عدالت است. یک انسان در ماه شش یا هفت روز ناپاک و نجس باشد.

نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأُثْوِيْنَ حَرَثَكُمْ أَلَّى شِئْمٌ وَقَدْمُوْا لَأْنْسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوْا أَنَّكُمْ مُلَاقُوْهُ وَبَشِّرُ الْمُؤْمِنِيْنَ (۲۲۳)

زنان شما کشتزار شما هستند پس از هر جا [و هر گونه] که خواهید به کشتزار خود [در] آبید و آنها را برای خودتان مقدم دارید و از الله پروا کنید و بدانید که او را دیدار خواهید کرد و مؤمنان را [به این دیدار] مژده ده (۲۲۳)

در این آیه هم نخست اینکه زنان را در حد جسم و اشیاء در حد یک کشتزار پایین آورده است دوم اینکه آیا زن فقط حکم کشتزار را برای مرد دارد کشتزار جایی است در آن ما تخم گیاهی را می کاریم و اصل آن گیاه کامل به نوع تخم آن بستگی دارد و در آخر هم گیاه به دست آمده مال کسی است که آن را کاشته خود کشتزار هیچ مالکیتی بر گیاه به دست آمده ندارد آیا زنان مانند کشتزار هستند محل کشت گیاه را می توان در هرجایی قرار داد و اصل تخم گیاه است آیا قصد مردان از زن گرفتن همانند قصد آنها در خریدن یک کشتزار باید باشد و هیچ کار دیگر زنان به جز تولید مثل نباید انجام دهند سوم اینکه از این آیه می توان فهمید زن جزو املاک و اموال مرد محسوب می شود و چهارم اینکه در این آیه مرد را آزاد گذاشته است هر گونه با زن بخواهد رفتار جنسی انجام دهد مانند رساله آقای خمینی که در آن عمل جنسی را از پشت زن مجاز اعلام کرده بود

وَالْمُطْلَقَاتُ يَرَبَّصُنَ بِأَنفُسِهِنَ تَلَانَةً قُرُوءٍ وَلَا يَحْلُ لَهُنَ أَن يَكْتُمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَ إِن كُنَّ يُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَبِعُولَهُنَ أَحَقُّ بِرَدَهُنَ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَ مِثْلُ الْذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرَّجَالِ عَلَيْهِنَ دَرَجَةٌ
وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۲۸)

و زنان طلاق داده شده باید مدت سه پاکی انتظار کشند و اگر به الله و روز بازپسین ایمان دارند برای آنان روا نیست که آنچه را الله در رحم آنان آفریده پوشیده دارند و شوهر اشان اگر سر آشتنی دارند به بازآوردن آنان در این [مدت] سزاوار ترنند و مانند همان که بر عهده زنان است به طور شایسته به نفع آنان است و مردان بر آنان درجه برتری دارند و الله توانا و حکیم است (۲۲۸)

در این آیه هم به وضوح مردان را برتر از زنان اعلام کرده است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَائِنُتُم بِدِيْنِ إِلَى أَجْلٍ مُسَمَّى فَأَكْتُبُ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَن يَكْتُبَ كَمَا
عَلِمَهُ اللَّهُ فَإِنَّكُمْ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلَيَقُولَ اللَّهُ رَبُّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ
ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِعُ أَن يُمْلِهِ فَلَيَمِلِّنَ وَلَيُلْهِ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنَ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلُّنَ فَرَجُلٌ
وَأَمْرَأَيْنَ مِمَّنْ تَرْضُونَ مِنَ الشَّهَدَاءِ أَن تَضْلِلَ إِحْدَاهُمَا فَتُنَذَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشَّهَدَاءِ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا
تَسْأَمُوا أَن تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجْلِهِ دَلْكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَفْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَى أَلا تَرْتَابُوا إِلَّا أَن تَكُونَ تَجَارَةً
حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهُدُوا إِذَا تَبَيَّنَتْ وَلَا يُضَارَ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَلَا تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ
فُسُوقٌ بِكُمْ وَأَنْقُوا اللَّهُ وَيَعْلَمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۸۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید، هر گاه به وامی تا سرسیدی معین، با یکدیگر معامله کردید، آن را بنویسید. و باید نویسنده ای (صورت معامله را) بر اساس عدالت، میان شما بنویسد. و هیچ نویسنده ای نباید از نوشتن خودداری کند؛ همان گونه (و به شکرانه آن) که الله او را آموزش داده است. و کسی که بدھکار است باید املا کند، و او (نویسنده) بنویسد. و از الله که الله اوست پروا نماید، و از آن، چیزی نکاهد. پس اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه یا ناتوان است، یا خود نمی تواند املا کند، پس ولی او باید با (رعایت) عدالت، املا نماید. و دو شاهد از مردانタン را به شهادت طلبید، پس اگر دو مرد نبوندند، مردی را با دو زن، از میان گواهانی که (به عدالت آنان) رضایت دارید (گواه بگیرید)، تا (اگر) یکی از آن دو (زن) فراموش کرد، (زن) دیگر، وی را یادآوری کند. و چون گواهان احضار شوند، نباید خودداری ورزند. و از نوشتن (بدھی) چه خرد باشد یا بزرگ، ملول نشوید، تا سرسیدش (فرا رسد). این (نوشتن) شما، نزد الله عادلانهتر، و برای شهادت استوارتر، و برای اینکه دچار شک نشوید (به احتیاط) نزدیکتر است، مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که آن را میان خود (دست به دست) برگزار می کنید؛ در این صورت، بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید. و (در هر حال) هر گاه داد و ستد کردید گواه بگیرید. و هیچ نویسنده و گواهی نباید زیان ببیند، و اگر چنین کنید، از نافرمانی شما خواهد بود. و از الله پروا کنید، و الله (بدين گونه) به شما آموزش می دهد، و الله به هر چیزی داناست. (۲۸۲)

در آیه بالا هم که شرایط معامله آموزش داده شده است شهادت دو زن را با یک مرد برابر دانسته است و حتی فکر اینکه مردان شرایط معامله را فراموش کنند به ذهن الله خطور نکرده است و گفته شده است اگر یکی از دو زن فراموش کرند آن یکی به یاد آورد آیا زنان فراموشکارند آیا زنان ابله هستند آیا این راه صحبت کردن در مورد زنان که مخلوق آفریدگار دانا هستند برای الله که به خود نسبت آفریدگار داده صحیح است

سوره ۴: النساء

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِذَا رَأَيْتُمُ الَّذِي خَلَقْتُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةً وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَآتَيْتُمُ اللَّهَ الَّذِي تَسْأَءُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (۱)

ای مردم از الله که شما را از نفس واحدی آفرید و جقتش را [نیز] از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا دارید و از الله که به [نام] او از همیگر درخواست می‌کنید پروا نمایید و زنهار از خویشاوندان مبرید که الله همواره بر شما نگهبان است (۱)

در این آیه هم گفته شده است که جفت مرد که زن باشد از او آفریده شده است و همه از مرد آفریده شده اند و شاید شما هم شنیده باشید که گفته می‌شود زن از دنده چی مرد آفریده شده باشد که حتی اگر ابلهانه این نظریه را قبول کنیم باز هم نمی‌توان قبول کرد مرد به زن که جزوی از بدن اوست اینقدر ظلم کند.

وَإِنْ خَفِيْتُمْ أَلَا تُفْسِطُوا فِي الْيَتَامَى فَإِنَّكُحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مُتَّنَى وَتَلَاثَ وَرَبِاعَ فَإِنْ خَفِيْتُمْ أَلَا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكْتُ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلَا تَعُولُوا (۲)

و اگر در اجرای عدالت میان دختران یتیم بیمناکید هر چه از زنان [دیگر] که شما را پسند افتاد دو سه سه چهار چهار به زنی گیرید پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید به یک [زن آزاد] یا به آنچه [از کنیزان] مالک شدهاید [اکتفا کنید] این [خودداری] نزدیکتر است تا به ستم گرایید [و بیهوده عیالوار گردید] (۳)

در این آیه هم مردان می‌توان جهت برقرار کردن عدالت بین دختران یتیم هر کدام از آنها را پسند کردند بگیرند و مانند خروس دو تا سه یا چهارتا هم برایشان اشکالی ندارد البته قابل گفتن می‌دانم که این محدودیت چهارتا مربوط به زن عقدی برای مرد می‌شود و در کنیز و صیغه (متعه) این محدودیت وجود ندارد واقعه به نظر شما عدالت است آیا آن حس تعصی که مردان نسبت به همسرشان دارند که حتی حاضر نیستند یک مرد آنها را با شهـوت نگاه کند را زنان اصلا ندارند آیا زنان انسان نیستند و شوهرشان را برای فقط خودشان نمی‌خواهند. آیا راه برقرار کردن عدالت و خوردن مال دختر یتیم به صورت حرام همان کلاه شرعی ازدواج با او معرفی شده است مثل خروس را برای این آوردم که به یک زن راجع به بی عدالتی در مورد ازدواج مردان گفتم پاسخ داد چطور خروس می‌تواند ولی انسان نتواند. یک اینکه خروس در روز می‌تواند با مرغها صدها بار رابطه داشته باشد ولی انسان نمی‌تواند بیش از یکی دو بار آنهم به زور تقویتی رابطه داشته باشد دوم اینکه ما انسانیم و خروس حیوان سوم اینکه در طبیعت جنس نر هر حیوانی کشته می‌شود جهت استفاده از گوشت آن و جنس ماده هر حیوانی نگهداری می‌شود جهت تخم یا شیر آن بنابراین جنس نر کمتر از جنس ماده است و هر نر باید با چندین ماده باشد.

يُوصِيْكُمُ اللَّهُ فِي أُولَادِكُمْ لِلَّذِكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأَنْتَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلَاثًا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النَّصْفُ وَلَا يُبَوِّيْهُ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرَتَهُ أُبُوَاهُ فَلَامِمَهُ النَّلَاثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلَامِمَهُ السُّدُسُ مِنْ بَعْدٍ وَصَيْبَةٌ يُوصِيَ بِهَا أُوْ دِينْ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَنْدِرُونَ أَيْهُمْ أَفْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْمًا حَكِيمًا (۱۱)

الله به شما در باره فرزنداتان سفارش می‌کند سهم پسر چون سهم دو دختر است و اگر [همه ورثه] دختر [و] از دو تن بیشتر باشند سهم آنان دو سوم ماترک است و اگر [دختری که ارث می‌برد] یکی باشد نیمی از میراث از آن اوست و برای هر یک از پدر و مادر وی [=متوفی] یک ششم از ماترک [مقرر شده] است این در صورتی

است که [متوفی] فرزندی داشته باشد ولی اگر فرزندی نداشته باشد و [نتها] پدر و مادرش از او ارث برند برای مادرش یک سوم است [و بقیه را پدر می‌برد] و اگر او برادرانی داشته باشد مادرش یک ششم می‌برد [البته همه اینها] پس از انجام وصیتی است که او بدان سفارش کرده یا دینی [که باید استثنای شود] شما نمی‌دانید پدران و فرزندانتان کدام یک برای شما سودمندترند [این] فرضی است از جانب الله زیرا الله دانای حکیم است (۱۱)

این هم از دستور الله راجع به ارث دختر در اینجا هم دو دختر با یک پسر برابر قرار داده شده است شما بگویید عدالت من نمی‌گوییم ارث فرزند هم که به مادر که نه ماه در شکم او را نگهداشته است و دو سال هم بی خوابی کشیده است و به او از شیره جان خود نوشانده است و او را تربیت کرده است یک سوم مال است و دو سوم بقیه را پدری می‌برد که شاید در یک شب فقط برای لذت خود پدر او شده البته قصد من تحقیر پدران نیست فقط قصد نشان دادن رحمات یک مادر می‌باشد.

وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نَسَاءِكُمْ فَاسْتَشْهُدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةٌ مِنْكُمْ فَإِنْ شَهَدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ
الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا (۱۵)

و از زنان شما کسانی که مرتكب زنا می‌شوند چهار تن از میان خود [مسلمانان] بر آنان گواه گیرید پس اگر شهادت دادند آنان [=زنان] را در خانه‌ها نگاه دارید تا مرگشان فرا رسید یا الله راهی برای آنان قرار دهد (۱۵)

شاید با خود بگویید این دیگر حقش است ولی اگر مرد به زنش خیانت کند هم آیا باید زندانی شود من در اینجا حرفی از حقوق بشر نمی‌زنم فقط می‌خواهم عدالت بین مرد و زن را مقایسه کنم همانطور که خودتان می‌بینید در این آیه کوچکترین اشاره ای به مرد خیانتکار نشده است همانطور که خودتان به خوبی می‌دانید خیانت در مردان به مراتب بالاتر از خیانت در زنان است.

الرِّجَالُ قَوْمٌ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ فَإِنَّهُنَّ حَافِظَاتُ
الْغَيْبِ بِمَا حَفَظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَحَافُونَ ثُبُورَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطْعَنْتُمْ فَلَا
يَبْغُونَ عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْأَنَا كَيْرًا (۳۴)

مردان سرپرست زناند به دلیل آنکه الله برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند پس زنان درستکار فرمانبردارند [و] به پاس آنچه الله [برای آنان] حفظ کرده اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاهها از ایشان دوری کنید و [اگر تاثیر نکرد] آنان را بزنید پس اگر شمارا اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجویید که الله والای بزرگ است (۳۴)

بر طبق این آیه مردان سرپرست و فرمانروا زنان هستند دلیل آن هم برتری است که الله به آنها داده است زن درستکار زنی است که از شوهرش بی چون و چرا اطاعت کند اگر مرد بیم داشت که زنش نافرمانی کند (دقیقت کنید بیم داشت نه اینکه زن از مرد اطاعت نکند) پندش بدده اگر اطاعت نکرد چون مرد گوهر گرانبهایی است از ایشان دوری کند تا تنبیه بشود و باز هم اگر فایده نداشت زن را بزند شرط اینکه دیگر او را نزند هم این است که از مرد اطاعت کند زن حتی حق ندارد بدون اجازه شوهرش به دیدن پدر مادرش که یک عمر برای او زحمت کشیده اند بروند و یا در را بر روی آنها باز کند حکم الله پیروی بی چون چرا از مرد است مگر اینکه مرد الله را قبول نداشته باشد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَإِنْتُمْ سُكَارَى حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَثْوِلُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَعْسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامْسَتُ النِّسَاءَ فَلْمَ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُوجُوهُكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوا غَفُورًا (۴۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه می‌گویید و [نیز] در حال جنابت [وارد نماز نشود] مگر اینکه راه‌گذر باشد تا غسل کنید و اگر بیمارید یا در سفرید یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا زنان را لمس کرده‌اید و آب نیافته‌اید پس بر خاکی پاک تیم کنید و صورت و دستهایتان را مسح نمایید که الله بخشنده و امرزنده است (۴۳)

ببینید در این آیه قضای حاجت (مدفعع کردن) با لمس کردن زنان در یک رده آمده است و این لمس کردن ربطی به عمل جنسی ندارد زیرا قبل از آن جنابت ذکر شده است و فقط همان بازی با زنان می‌باشد که با قضای حاجت در یک رده قرار داده شده است. چیزی هم در مورد زنانی که مرد را لمس کرده اند گفته نشده چون مردان پاک هستند و لمس آنان موجب تیم یا وضعه دوباره نمی‌شود.

وَيَسْقُتُوكَ فِي النِّسَاءِ فَلِاللَّهِ يُقْتِيْكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُلْتَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ الَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُنْتُبَ لَهُنَّ وَتَرَغُبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعِفَيْنَ مِنَ الْوَلَدَانَ وَأَنْ تَقْوُمُوا لِلْيَتَامَى بِالْقُسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا (۱۲۷)

و در باره آنان رای تو را می‌پرسند بگو الله در باره آنان به شما فتوا می‌دهد و [نیز] در باره آنچه در قرآن بر شما تلاوت می‌شود در مورد زنان یتیمی که حق مقرر آنان را به ایشان نمی‌دهید و تمایل به ازدواج با آنان دارید و [در باره] کودکان ناتوان و اینکه با یتیمان [چگونه] به داد رفتار کنید [پاسخگر شماست] و هر کار نیکی انجام دهید قطعاً الله به آن داناست (۱۲۷)

در این آیه هم راه خوردن مال زنان یتیم به مردان معرفی شده است.

سوره ۱۲: یوسف

فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبْرِهِ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ (۲۸)

پس چون [شوهرش] دید پیراهن او از پشت چاک خورده است گفت بی‌شک این از نیرنگ شما [زنان] است که نیرنگ شما [زنان] بزرگ است (۲۸)

در این آیه شاید مفسران عزیز بگویند منظور الله از نیرنگ شما زنان نیرنگ زن عزیز مصر بوده است ولی نه جانم اگر اینگونه بود الله شما که توانا به هر کاری است در جمله بندی اشتباه نمی‌کرد و می‌گفت این از نیرنگ تو است که نیرنگ تو بزرگ است آری در این آیه زنان نیرنگ باز معرفی شده اند.

سوره ۱۷: الإسراء

أَفَاصْفَاكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَيْنِ وَأَنْذَدَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَّا إِنَّمَا لَقُولُونَ قُوْلًا عَظِيمًا (۴۰)

ایا [پنداشتید که] الله شما را به [داشتن] پسران برتری داده و خود از فرشتگان دخترانی برگرفته استحقا که شما سخنی بس بزرگ می‌گویید (٤٠)

همانطور که مفهوم آیه بالا مشخص است گفته شده است شما را به داشتن پسران برتری داده است بله الله داشتن پسر را برتری دانسته است باز هم زنان عزیز باید پروردگار را سپاس بگویند که محمد پسرانش مردند و فقیر دختر داشت اگر نه این سیر صعوی مردان در آیات قرآن خیلی بالاتر می‌رفت.

سوره ٣٣: الأحزاب

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَاحِدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنْ أَنْقَبْتُنَّ قَلْبًا تَخْضَعُنَّ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا (٣٢) وَقُرْنَ فِي بَيْوَتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقْمَنَ الصَّلَاةَ وَأَقْمَنَ الزَّكَاةَ وَأَطْعَنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا (٣٣)

ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گویید (٣٢) و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدھید و الله و فرستاده‌اش را فرمان برید الله فقط می‌خواهد آلوگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند (٣٣)

زنان محمد هم که به نظر من بیچاره ترین زنان دنیا بوده اند زیرا حق ازدواج بعد از محمد را ندارند حتی اگر مانند عایشه در سن هجده سالگی باشند نوبت زناشویی آنها هم رعایت نمی‌شود و مابقی زنان باید نوبت خود را به زنان زیبا رویی مانند عایشه و زینب ببخشند حق در خواست نفقه بیشتر را هم ندارند تازه در این آیات حق ناز سخن گفتن (زنانه حرف زدن) را هم ندارند و به گفته های فراوان باید انگشت‌شان را در دهانشان کنند تا صدایشان کلفت شود حق بیرون رفتن از خانه را هم ندارند زینتهای خودشان را هم حق نشان دادن ندارند. این هم از عدالت در مورد زنان محمد.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِلَّأَزْوَاجِ أَكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَنْ يُعْرَفُنَ قَلْا يُؤْدِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (٥٩)

ای پیامبر به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است و الله آمر زنده مهربان است (٥٩)

این هم از وضعیت پوشش زنان که باید طبق این آیه خود را گونی پیچ کنند تا شناخته شوند در حالی که مردان محدودیتی از نظر پوشش طبق قرآن ندارند.

سوره ٦٥: الطلاق

سَكِّلُوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوْهُنَّ لِتُضَيِّقُوْا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتِ حَمْلٍ فَأَنْفَقُوْا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضْعَفُنَ حَمَّلُهُنَّ إِنْ أَرْضَعَنَ لَكُمْ قَائِمُوْهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَتَمِرُوْا بِيَنْتَمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَالَمُوْنَ فَسِئَلُرُضِيُّ لَهُ أُخْرَى (٦)

همانجا که [خود] سکونت دارید به قدر استطاعت خویش آنان را جای دهید و به آنها آسیب [و زیان] مرسانید تا عرصه را بر آنان تنگ کنید و اگر باردارند خرجشان را بدھید تا وضع حمل کنند و اگر برای شما [بچه] شیر

می‌دهند مزدشان را به ایشان بدهید و به شایستگی میان خود به مشورت پردازید و اگر کارتان [در این مورد] با هم به دشواری کشید [زن] دیگری [بچه را] شیر دهد (۶)

شاید زنان عزیز با خواندن آیه بالا خوشحال شوند که حقی برای آنها در مقابل شیر دادن پس از طلاق الله قائل شده است قافل از آنکه در آیه به طور سر بسته و قابل استناد پدر را صاحب بچه اعلام کرده است و همچنین این حق را به پدر داده است که اگر با مادر اختلاف داشت مادر را از شیر دادن به فرزند خود محروم کند.

شاید خیلی از شما شنیده باشید محمد به زن بها داد زنها را از زنده به گور شدن نجات داد ولی بدانید که زن قبل از اسلام در عربستان بهای بالاتری داشت می‌دانید که در اسلام زنان خانه نشین شدند در مرور قبل از اسلام خوب است به دانسته های خودتان مراجعه کنید خدیجه زن محمد یکی از موفق ترین تاجر های آن زمان بود که حتی خود شوهر خود را انتخاب کرد هند جگر خوار یکی از زنان جنگجوی آن زمان بود در زمان محمد زنی در یکی از قبایل عربستان ادعای پیامبری کرد و همه قبیله پیرو او شدند در ضمن زنده به گور کردن دختران را هم که در بخش کنیز و برده توضیح دادم پوشش اینچنینی که محمد برای زنان معرفی کرد در عربستان وجود نداشته است همانطور که در سوره احزاب آیه ۳۲ و ۳۳ نیز الله گفته است دیگر زنان آزادی دوران جاهلیت خود را ندارند البته اگر بخواهم به حدیثها نیز استناد کنم می بینید که هیچ حقوقی برای زن در اسلام در نظر گرفته نشده است به جز مهریه که کاری جز اینکه بزرگی زن را زیر سوال ببرد و زن را تبدیل به یک کالای قابل خرید و فروش کند چیز دیگری ندارد.

عدالت الله

برابری انسانها

اگر قرآن از زبان آفریدگار باشد باید عدالت را در مورد انسانها در آن برقرار کرده باشد

سوره ۲: البقرة

پا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوْا نِعْمَتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَلَّيْ فَضْلَتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۴۷)

ای فرزندان اسرائیل از نعمت‌هایم که بر شما ارزانی داشتم و [از] اینکه من شما را بر جهانیان برتری دادم یاد کنید (۴۷)

اولین مورد این است که الله در بسیاری از آیه‌های قرآن گفته است فرزندان اسرائیل را بر جهانیان برتری دادیم آیا به نظر شما این عدالت است آیا الله نژاد پرست است خوب این گفته چه فرقی با گفته هیتلر دارد که گفت نژاد آریایی برتر از همه نژادها است دست کم هیتلر چند توجیح هم برای حرف خود داشت از جمله اینکه نژاد آریایی باهوشتر از بقیه نژادها است یا اینکه از نظر ظاهری نژاد آریایی سفید و قد بلند هستند البته اشتباه نشود من به هیچ عنوان حرفهای هیتلر را قبول ندارم در بین سایر نژادها هم افراد بسیار باهوش یافت می‌شود و قد بلند بودن و سفید بودن نشانه برتری یک انسان نیست از نظر من همه انسانها برابر هستند و باید با صلح و دوستی باهم زندگی کنند.

تَلَّكَ الرَّسُولُ فَضَّلَنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مَّنْ كَلَمَ اللَّهُ وَرَقَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيْنَاتِ وَآتَيْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مَّا جَاءَهُمُ الْبَيْنَاتُ وَلَكِنَّ أَخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَّنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَلَوْا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَقْعُلُ مَا يُرِيدُ (۲۵۳)

برخی از آن پیامبران را بر برخی دیگر برتری بخشیدیم از آنان کسی بود که الله با او سخن گفت و درجات بعضی از آنان را بالا برد و به عیسی پسر مریم دلایل آشکار دادیم و او را به وسیله روح القدس تایید کردیم و اگر الله می‌خواست کسانی که پس از آنان بودند بعد از آن [همه] دلایل روشن که برایشان آمد به کشتار یکدیگر نمی‌پرداختند ولی با هم اختلاف کردند پس بعضی از آنان کسانی بودند که ایمان آورند و بعضی از آنان کسانی بودند که کفر ورزیدند و اگر الله می‌خواست با یکدیگر جنگ نمی‌کردند ولی الله آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد (۲۵۳)

ببینید الله حتی بین پیامبرانش هم عدالت را برقرار نکرده است و گفته ما بعضی را بر بعضی برتری دادیم البته من به امتیازات پیامبرانش بر مردم کاری ندارم و امتیازات محمد را در بخش‌های قبلی توضیح داده ام

سوره ۳: آل عمران

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَئُوحاً وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عَمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ (۳۳)

به یقین الله آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است (۳۳)

باز هم در این آیه سخن از برتری خاندان ابراهیم که مردم عربستان هستند و خاندان عمران که بنی اسرائیل هستند آمده است آیا این عدالت است آیا الله آفریدگار است اگر آفریدگار است این سخنان از اوست و اگر این سخنان از اوست آیا الله نژاد پرست می باشد و مابقی نژادهای انسان را پست آفریده است آیا این پست آفریدن نشانه نقص در دستگاه الله نمی باشد ولی آفریده زیر سوال برود آفریدگار زیر سوال می رود نه من نمی توانم قبول کنم آفریدگار در کارش نقص داشته است و هم نمی توانم قبول کنم آفریدگار ناعادل است و نخواهم پذیرفت که قرآن از سوی آفریدگار می باشد

سوره ۵: المائدۃ

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَاللَّصَارَى تَحْنُ أَبْنَاءَ اللَّهِ وَأَحْبَاؤُهُ فَلْ قَلَمْ يُعَذِّبُكُمْ بِلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مُّمَّنْ خَلَقَ يَعْفُرُ لَمَنْ يَشَاءُ وَيَعْدِبُ مَنْ يَشَاءُ وَلَلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۸)

و یهودان و ترسایان گفتند ما پسران الله و دوستان او هستیم بگو پس چرا شما را به [کیفر] گناهانتان عذاب می کند [نه] بلکه شما [هم] بشرید از جمله کسانی که آفریده است هر که را بخواهد می آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می کند و فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو می باشد از آن الله است و بازگشت [همه] به سوی اوست (۱۸)

در آیه بالا حرفی از استحقاق یک نفر برای عذاب یا پاداش نیامده سخن از خواست الله است مثل اینکه بگوییم فلان شخص قاضی خوبی است هر که را بخواهد حکم اعدام می دهد و هر که را بخواهد آزاد می کند این درست نیست یک قاضی خوب کسی است که عدالت را رعایت کند و هر کس را به حق خود برساند در خیلی از آیه ها می خوانیم اگر به طور مثال روز قیامت را انکار کنید اعمالتان باطل می شود یا اگر حرف محمد را گوش نکنید اعمالتان باطل می گردد پس تکلیف کارهای خوبی که ما کردیم چه می شود فقط به خاطر یک انکار یا یک نافرمانی باید باطل شوند آیا این عدالت است به عنوان مثال کارگری صبح تا شب برای کارفرما خود کار کند ولی بگویید من شک دارم او مزد مرا بدهد آیا در قبال همین شک کارگری صبح او را ندهد عدالت است. گناه کسانی که در زمان محمد بوده اند چه بوده است که باید در اثر نافرمانی از او اعمالشان محو شود من که عدالتی در این مورد نمی بینم

سوره ۱۶: النحل

وَاللَّهُ فَضَلَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَآدِي رِزْقُهُمْ عَلَى مَا مَلَكُتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحُدُونَ (۷۱)

و الله بعضی از شما را در روزی بر بعضی دیگر برتری داده است [ولی] کسانی که فزونی یافته اند روزی خود را به بندگان خود نمی دهند تا در آن با هم مساوی باشند آیا باز نعمت الله را انکار می کنند (۷۱)

در آیه بالا هم کاری را که خود الله نکرده انتظار دارد بندگان انجام دهند یعنی الله به بعضی از انسانها روزی فروان می دهد و به بعضی روزی کم آن وقت از بندگان انتظار دارد آنها با بخشش مال خود برابری را ایجاد کنند آیا این عدالت است.

سوره ۱۷: الإسراء

وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّنَ عَلَىٰ بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاؤُودَ زَبُورًا (۵۵)

و الله تو به هر که [و هر چه] در آسمانها و زمین است داناتر است و در حقیقت بعضی از انبیا را بر بعضی برتری بخشیدیم و به داوود زبور دادیم (۵۵)

در اینجا می بینید که الله در بین پیامبران خود هم عدالت را برقرار نکرده است و بعضی را بر بعضی برتری داده است

سوره ۳۳: الأحزاب

يَا نِسَاءَ الَّيْلِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَ يُضَاعِفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعِيفِينَ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰)

ای همسران پیامبر هر کس از شما مباررت به کار زشت آشکاری کند عذابش دو چندان خواهد بود و این بر الله همواره آسان است (۳۰)

در آیه بالا عذاب همسران محمد را دو برابر افراد عادی اعلام شده است یک اینکه می دانیم محمد معصوم نبوده است و دو اینکه زنان او هم به هیچ عنوان معصوم نبوده اند حتی آیه بالا هم دلالت بر عدم معصومیت آنها دارد سه اینکه زن محمد بودن امتیاز خاصی ندارد چرا که محمد دارای چندین زن بوده است و در ضمن ملزم به رعایت نوبت در بین آنها هم نبوده است همانطور که در بخش‌های قبلی آیات مربوط به آن را آورده ام و زنان محمد اجازه طلب نفقه بیشتر را هم نداشته اند در ضمن بعد از مرگ او هم حق ازدواج را نداشته اند پس به چه امتیازی باید عذاب آنها دو برابر افراد عادی باشد آیا این عدالت بین انسانها است آیا زنان محمد گناه کرده اند که زن او شده اند.

وَمَنْ يَقْتَلْ مِنْكُنَ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا تُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرْتَبَنَ وَأَعْدَنَ لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (۳۱)

و هر کس از شما الله و فرستاده‌اش را فرمان برد و کار شایسته کند پاداش را دو چندان می‌دهیم و برایش روزی نیکو فراهم خواهیم ساخت (۳۱)

آیه بالا هم که درباره زنان محمد است پاداش آنها را در برابر فرمان بردن از محمد و بعد انجام کارهای خوب دو برابر دانسته است یک اینکه قرآن که می گویند برای همه زمانها آمده است چرا باید آیات زیادی از آن به خصوص آیات سوره های احزاب، نساء، نور و محمد صرف حل کردن مشکلات محمد با زنانش شود دوم اینکه چرا باید پاداش زنان محمد دو برابر بقیه مردم باشد. زن پیامبر هستند که باشند. چرا نباید عدالت در مورد آنها رعایت شود بعد هم این مزایا که الله به زنان محمد داده است آیا به نفع امت مسلمان بوده است یا اینکه منافع محمد در آنها در نظر گرفته شده است.

سوره ۴۳: الزخرف

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ تَحْنُ فَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ قُوْقَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ (۳۲)

آیا آنانند که رحمت الله را تقسیم می‌کنند ما [وسائل] معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم و برخی از آنان را از [نظر] درجات بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت **گیرند** و رحمت الله تو از آنچه آنان می‌اندوزند بهتر است (۳۲)

در آیه بالا هم الله به استثمار طبقه محروم توسط طبقه مرفع مشروعیت بخشیده است و گفته است ما بعضی را بیشتر از بعضی رزق و روزی دادیم تا تنگستان به خدمت پولدارها در آیند آیا این عدالت است آیا این سخنان می‌تواند حرف آفریدگار دانا باشد که به هر کس به اندازه سعی و تلاش او روزی داده است. این خود کامگی و خود خواهی که در آیات قرآن آمده است که حتی از یک انسان واقعی بعید است می‌تواند سخن آفریدگار هستی باشد.

الله مهربان

سوره ۲: البقرة

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمَ إِنَّكُمْ ظَلَمُونَ أَنفُسَكُمْ بِاَنْخَادِكُمُ الْعِجْلُ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ قَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ (۵۴)

و چون موسی به قوم خود گفت ای قوم من شما با [به پرسش] گرفتن گوساله برخود ستم کردید پس به درگاه آفریننده خود توبه کنید و [خطاکاران] خودتان را به قتل برسانید که این [کار] نزد الله برای شما بهتر است پس [الله] توبه شما را پذیرفت که او توبه‌پذیر مهربان است (۵۴)

در آیه بالا الله از قوم موسی خواسته که خودشان را بکشدند اگر با توجه به کلمه ای که مترجم اضافه کرده است آنها خطای کار باشند باز هم آدم کشی کار شایسته ای نیست و از الله که ادعای مهربان بودن دارد چنین درخواستی بعيد است اینکه انسانها همیگر را بکشدند قلبهاشان پر از نفرت می‌شود و تعادل روانی آنها به هم میریزد بهتر نبود اگر الله میخواست آنها بمیرند خودش آنها را بوسیله عزراشیل که در درگاه الله کارش همین است بکشد این کار را آفریدگاری که من می‌شناسم هیچگاه درخواست نمی‌کند آیا شایسته مقامی مانند پروردگار است کسانی را که غیر او را پرستیده اند به قتل برساند آیا این مهربانی است آیا یک پدر اگر پسرش از روی ندانی او را پدر نخواهد دستور قتل او را صادر می‌کند حال اینکه یک پدر انسان است و به قولی خطاکار و هیچگاه به مهربانی پروردگار نیست

سوره ۳: آل عمران

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَّنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ (۹۰)

کسانی که پس از ایمان خود کافر شدند سپس بر کفر [خود] افزودند هرگز توبه آنان پذیرفته نخواهد شد و آنان خود گمراهانند (۹۰)

وَلَا يَحْسَبَنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا ثُمُلُّي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا ثُمُلُّي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۱۷۸)

و البته نباید کسانی که کافر شده‌اند تصور کنند اینکه به ایشان مهلت می‌دهیم برای آنان نیکوست ما فقط به ایشان مهلت می‌دهیم تا بر گناه [خود] بیفزایند و [آنگاه] عذابی خفت‌آور خواهد داشت (۱۷۸)

در آیه ۹۰ آل عمران حرفی از آن بخشش الله نیست گفته شده است توبه پذیرفته نمی‌شود آیا این از الله که ادعای مهربان بودن دارد به دور نیست

و در آیه ۱۷۸ آل عمران می گوید ما به کفار مهلت می دهیم تا بر گناه خود بیافزایند و آنگاه عذابی خفت آور خواهد داشت آیا این گونه رفتار در خور الله است آیا در خور الله است که کسی را مهلت بدهد تا اینکه او را بیشتر عذاب کند این رفتار جای بسیار فکر کردن دارد شما به یک روانشناس مراجعه کنید بگویید من می گذارم فرزندم وقتی خطای مرد آنرا باز هم تکرار کند و ناگهان بر سر او خراب می شوم و بابت تمام تکرارها او را تنیه می کنم ببینید روانشناس در مورد شما چه قضاوتی میکند من که این رفتار را در خور پروردگار خود نمیبینم.

سوره ۵: المائدة

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطِعُوْا أَيْدِيهِمَا جَزَاءٌ بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۳۸)

و مرد و زن دزد را به سزای آنچه کردہ‌اند دستشان را به عنوان کیفری از جانب الله ببرید و الله توانا و حکیم است (۳۸)

این هم یک حکم از طرف الله که در هر دادگاه انسانی محکوم است یک نفر دزدی می کند و بعد حاکم شرع بر اساس این آیه دست او را قطع می کند آیا این انسان دیگر می تواند در جامعه زندگی کند این داغ ننگی است که تا آخر عمر بر پیشانی او می ماند حال شاید آن دزد از روی احتیاج این کار را کرده باشد و بعد از آن هم اگر بخواهد توبه کند در کجای دنیا می تواند کار کند یک اینکه از نظر بدنی معلوم است دو اینکه از نظر روانی انسانی که یک عمر با تنشی سالم زندگی کرده و بعد در اثر یک اشتباه معلوم شده است نمیتواند خود را در جامعه جا بیاندازد سه اینکه اگر از شهر خود که هیچ از کشور خود هم بیرون برود این علامت دزد بودن همیشه با اوست و نمیتواند این علامت را از خود دور کند آیا این حکم میتواند از سوی آفریدگار جهان باشد خواهش میکنم تعصب خود را به کنار بگذارید و خوب فکر کنید این حکم در خور انسان هم نیست چه برسد به اینکه در خور آفریدگار دانا باشد.

سوره ۶: الأنعام

وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَّةٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَأَخْذَنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ (۴۲)

و به یقین ما به سوی امتهایی که پیش از تو بودند [پیامبرانی] فرستادیم و آنان را به تنگی معیشت و بیماری دچار ساختیم تا به زاری و خاکساری درآیند (۴۲)

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكْرُوا بِهِ فَقَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرَحُوا بِمَا أُوتُوا أَخْذَنَاهُمْ بَعْثَةً فَإِذَا هُمْ مُتَّلِسُونَ (۴۴)

پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند فراموش کردند درهای هر چیزی [از نعمتها] را بر آنان گشودیم تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند شاد گردیدند ناگهان [گریبان] آنان را گرفتیم و یکباره نومید شدند (۴۴)

آیات بالا را خودتان خوب بخوانید چند بار مرور کنید آفریدگار خود را در ذهنتان تداعی کنید البته آن آریدگاری را که محمد برای شما ترسیم کرده نه بلکه آنگونه که خودتان در مورد آفریدگار فکر می کنید آیا این کارها که در بالا با افتخار شرح داده شده است در خور آفریدگار است. اگر منصفانه فکر کنید و تعصب را به کنار بگذارید نمیتواند این اعمال از سوی آفریدگار باشد پس میتوان گفت قرآن از سوی آفریدگار نیست.

سورة ٧: الأعراف

وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقْتَلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (١٤١)

[یاد کن] هنگامی را که شما را از فرعونیان نجات دادیم که شما را سخت‌شکنجه می‌کردند پس انتان را می‌کشتد و زنانتان را زنده باقی می‌گذاشتند و در این برای شما آزمایش بزرگی از جانب الله بود (١٤١)

من هم می‌گوییم ای ایرانیان یاد کنید هزار و چهارصد سال پیش را هنگامی که اعراب مردانタン را می‌کشتد پس اران جوان و زنانタン را زنده باقی می‌گذاشتند و به بازارهای برده داری عربستان می‌بردند و می‌فروختند تا خریدار هر عملی را با آنها انجام بدهد و از آنها به عنوان کنیز و برده استفاده کنند و در این آزمایشی از جانب پروردگاریان نبود بلکه بد بختی ای بود که اعراب بر سر شما آوردن چرا که پروردگار ما را با این سنگدلی آزمایش نمی‌کند.

سورة ٨: الأنفال

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَبَّأْلُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَلَّقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّاعِبَ فَاضْرِبُوْا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوْا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ (١٢)

هنگامی که الله به فرشتگان وحی می‌کرد که من با شما هستم پس کسانی را که ایمان آورده‌اند ثابت‌قدم بدارید به زودی در دل کافران و حشتخواهم افکند پس فراز گردنها را بزنید و همه سرانگشتانشان را قلم کنید (١٢)

واقعاً شما اگر فکر می‌کنید این احکام در مورد کافران از طرف پروردگار است سخت در مورد پروردگار بد فکر کرده اید و بروید از پروردگار عذر خواهی بکنید آیا آفریدگار به این سنگدلی است که چنین احکامی صادر کند خودتان آیه بالا را با دقت بخوانید کافران جرمشان چه بوده است که باید چنین وحشیانه مجازات شوند آیا الله که خود را آفریدگار معرفی کرده است نمی‌تواند خود جواب نافرمانی بندگان خود را بدهد که اینگونه انسانها را تحريك به قتل و خونریزی و بریدن دست و پای همنوعان خود می‌کند مگر در قرآن حرف از بهشت و جهنم نیامده است پس چرا الله کافران را در جهنم عذاب نمی‌کند به دست انسانها می‌خواهد عذابشان کند آنهم به جرم اینکه به محمد و الله ایمان نیاورده اند و آفریدگار دیگری برای خود فرض کرده اند

سورة ٩: التوبة

فَاتَّلُوْهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيهِمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرُكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِي صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ (١٤)

با آنان بجنگید الله آنان را به دست‌شما عذاب و رسواشان می‌کند و شما را بر ایشان پیروزی می‌بخشد و دلهای گروه مؤمنان را خنک می‌گرداند (١٤)

فَلَا تُعْجِبُكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أُولَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبُهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَرْهِقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (٥٥)

اموال و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد جز این نیست که الله می‌خواهد در زندگی دنیا به وسیله اینها عذابشان کند و جانشان در حال کفر بیرون رود (٥٥)

در آیه ۱۴ هم که گفته شده کافران را به دست شما عذاب و رسواشان می کنم نکند الله خود هم به جهنم خود اعتقادی نداشته است و سیلی نقد را به حلای نسیه ترجیح داده است (ضرب المثل ایرانی)

در آیه ۵۵ هم اموال و فرزندان را برای کافران وسیله عذاب قرار داده است جناب الله پس مارهای جهنم توجه کاره هستند

سوره ۱۷: الإسراء

وَإِنْ مَنْ قَرِيْهٌ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَدْبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا (۵۸)

و هیچ شهری نیست مگر اینکه ما آن را پیش از روز رستاخیز به هلاکت می‌رسانیم یا آن را سخت عذاب می‌کنیم این [عقوبت] در کتاب [الهی] به قلم رفته است (۵۸)

الله مهربان به ما در آیه بالا مژده آبادانی داده است بله گفته است هیچ شهری نیست مگر اینکه قبل از رستاخیز آنها را سخت عذاب کنیم و مردم آنرا هلاک کنیم به نظر شما این الله همان آفریدگار است من که در الله مهربانی ندیدم شاید کسی بگوید من فقط به آیات عذاب مراجعه کرده ام بله همینطور است زیرا از کسی که ادعا دارد آفریدگار مهربان جهانیان است نامهربانی و سنگدلی به دور است اگر مهربانی کند که هنری نیست بعد هم به اندازه کافی فکر می‌کنم آخوندها از مهربانی الله تعریف کنند پس بگذارید کسی هم شما را به نگاهی دیگر برساند.

سوره ۱۸: الكهف

وَأَحِيطَ بِئْمَرَهْ فَأَصْبَحَ يُقْلِبُ كَفَيْهِ عَلَى مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشَهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا (۴۲)

[تا به او رسید آنچه را باید برسد] و [آفت آسمانی] میوه‌هایش را فرو گرفت پس برای [از کف دادن] آنچه در آن [باغ] هزینه کرده بود دستهایش را بر هم می‌زد در حالی که داربستهای آن فرو ریخته بود و [به حسرت] می‌گفت ای کاش هیچ کس را شریک الله نمی‌ساختم (۴۲)

در آیه بالا شخصی که کسی را شریک پروردگار کرده بود تمام میوه های با غش آفت آسمانی میگیرد آیا این از بین بردن حاصل یکسال زحمت یک کشاورز و از بین بردن روزی خانواده او در خور یک شخص که ادعایی انسان بودن می کند است چه رسد به آنکه در خور آفریدگار باشد من که مهربانی در الله نمی بینم و به نظر من قرآن را از طرف آفریدگار دانستن اهانتی از به عقل و شعور انسانها و اهانتی بزرگتر به آفریدگار است.

سوره ۱۹: مریم

وَإِنْ مَنْكُمْ إِلَّا وَارْدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتَّمًا مَقْضِيًّا (۷۱) ثُمَّ نَجَّيَ الَّذِينَ آتَقَوَا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا حَيْثَا (۷۲)

و هیچ کس از شما نیست مگر [اینکه] در آن (جهنم) وارد می‌گردد این [امر] همواره بر الله حکمی قطعی است (۷۱) آنگاه کسانی را که پرهیزگار بوده‌اند می‌رهانیم و ستمگران را به زانو درافتاده در [دوزخ] رها می‌کنیم (۷۲)

این هم چشمہ دیگر از مهربانی الله همه را ابتدا به جهنم می‌برد سپس ستمکاران را در آن رها می‌کند و پرهیزکاران را از آن می‌رهاند من نمیدانم دیگر چرا پرهیزکاران باید طعم جهنم را بچشند آیا این کار سنگدلی است یا مهربانی.

سوره ۳۲: السجدة

وَلَوْ شِئْنَا لِتَائِنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِي لِأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالْأَسْ أَجْمَعِينَ (۱۳)

و اگر می‌خواستیم حتما به هر کسی هدایتش را می‌دادیم لیکن سخن من محقق گردیده که هر آینه جهنم را از همه جنیان و آدمیان خواهم آکند (۱۳)

در آیه بالا که سرشار از مهربانی الله است الله می‌فرماید که تصمیم گرفته جهنم را از انسان و جن پر کنم اگر نه هر کس را هدایت می‌کردیم پس مشکل اصلی زیر الله است و او می‌خواهد که ما به جهنم برویم این هم از مهربانی بی‌پایان اوست نه دوستان این الله آن آفریدگار نمی‌تواند باشد یا حداقل این سخنان از آفریدگار نیست.

سوره ۳۳: الأحزاب

لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجُفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لِلْغُرِيَّةِ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا (۶۰) مَلْعُونِينَ أَبْيَنَمَا تُفْقِدُوا أَخْدُوا وَقَتَلُوا تَقْبِيلًا (۶۱)

اگر منافقان و کسانی که در دلهایشان مرضی هست و شایعه‌افکنان در مدینه [از کارشان] باز نایستند تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز [مدتی] اندک در همسایگی تو نپایند (۶۰) از رحمت الله دور گردیده و هر کجا یافته شوند گرفته و سخت کشته خواهند شد (۶۱)

باز هم از الله مهربان احکام قتل و کشتار صادر می‌شود

سوره ۴۳: الزخرف

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (۷۴) لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (۷۵)

بی‌گمان مجرمان در عذاب جهنم ماندگارند (۷۴) عذاب] از آنان تخفیف نمی‌یابد و آنها در آنجا نومیدند (۷۵)

وَنَادَوْا يَا مَالِكَ لِيَعْضُ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّمَا مَاكِثُونَ (۷۷)

و فریاد کشند ای مالک [بگو] الله جان ما را بستاند پاسخ دهد شما ماندگارید (۷۷)

خودتان مهربانی و بخشش الله را در آیه های بالا ملاحظه بفرمایید یک نفر انسان دست بالا صد سال عمر میکند و اگر هم در تمام لحظات عمر خود گناه کند به اندازه صد سال گناه کرده است و درخور صد سال عذاب است حال اینکه به روایاتهای مختلف هر لحظه عذاب در جهنم برابر صدها سال است پس چرا باید یک انسان در جهنم تا ابد ماندگار باشد و عذابش تخفیف نداشته باشد آیا به نظر شما الله مهربان است

سوره ۴۵: الجاثیة

وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۸)

و هر امتی را به زانو در آمده می بینی هر امتی به سوی کارنامه خود فراخوانده می شود [و بدیشان می گویند] آنچه را می کردید امروز پاداش می باید (۲۸)

خواننده عزیز مهربانی الله را نگاه کنید هر امت را به زانو در آمده می بینی این مهربانی است یا قدرت به رخ کشیدن

سوره ۴۷: محمد

فَإِذَا لَقِيْتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أُخْنَثُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَنَاقَ فَإِمَّا مَنًا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ
أُوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لَيْلَوْ بَعْضَكُمْ بَعْضًا وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضْلَلَ أَعْمَالُهُمْ
(۴)

پس چون با کسانی که کفر ورزیده اند برخورد کنید گردنها [یشان] را بزنید تا چون آنان را [در کشتار] از پای درآورده بس [اسیران را] استوار در بند کشید سپس یا [بر آنان] منت نهید [و آزادشان کنید] و یا فدیه [و عوض از ایشان بگیرید] تا در جنگ اسلحه بر زمین گذاشته شود این است [دستور الله] و اگر الله می خواست از ایشان انتقام می کشید ولی [فرمان پیکار داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی [دیگر] بیازماید و کسانی که در راه الله کشته شده اند هرگز کارهایشان را ضایع نمی کند (۴)

اول ببینیم کافر چه کسی است؟ اگر علما گرامی بعد از خواندن این نوشته نظرشان عوض نشود طبق آن چیزی که من شنیده ام اگر کسی به الله یا محمد ایمان نیاورد کافر شمرده می شود و مشرک کسی است که برای الله شریک بیاورد

حال کسی که به الله ایمان نیاورده است الله دستور قتل آنها را به بدترین وجه داده است و بعد هم اسیر کردن آنها را دستور داده و گفته اگر آنها را خواستید منت بگذارید و آزاد کنید هم با بت آنها فدیه (پول) بگیرید. آیا شما در آیه بالا مهربانی از الله می بینید دستور قتل آفریده ای به دست یک آفریده دیگر رواج قتل و خونریزی آیا مهربانی الله را می رساند. آیا الله ادعا نکرده است که من آفریدگارم و آیا کافران آفریده او نیستند پس چرا اینقدر سنگدلی در مورد آنها به خرج می دهد

سوره ۵۱: الذاريات

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّةَ وَالْإِنْسَانَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَ (۵۶)

و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند (۵۶)

بیینید الله که ادعا بی نیاز بودن و مهربان بودن دارد می گوید من جن و انس را نیافریدم مگر برای پرستش خود آیا این الله مهربان است آیا این الله بی نیاز است. به نظر من که الله همان آفریدگار نیست بلکه خود آفریده دست محمد است.

سوره ۶۹: الحاقة

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ (۳۵) وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَلْبِينَ (۳۶)

پس امروز او را در اینجا حمایتگری نیست (۳۵) و خوراکی جز چرکابه ندارد (۳۶)

الله مهربان در آن دنیا به کافران چرکابه می خوراند آیا این کار با اصل مهربانی در تناقض نیست آیا شما که انسانی حاضر هستید به بدترین دشمنان خود چرکابه بخورانید.

سوره ۷۶: الإنسان

إِنَّا نَحَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا (۱۰)

ما از الله از روز عبوسی سخت هر انسانکیم (۱۰)

آیا الله که روزی عبوس یعنی خشمناک می شود می تواند آفریدگار دانا و بی نیاز همان مهربان بی همتا باشد

سوره ۹۰: البلد

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ (۴)

براستی که انسان را در رنج آفریده ایم (۴)

الله مهربانی نهایت مهربانی را در این آیه فاش کرده است بله او ادعا کرده که ما را در رنج آفریده است

حال شاید بعضی از خوانتنگان بگویند خوب گمراهان و گناه کاران حقشان است که الله این کارها را با آنها انجام دهد یک اینکه ما بحتمان در بالا مهربانی بود ما که عدالت الله را ثابت کرده ایم دوم اینکه بخشنده و مهربان نباید آفریده هارا به جان یکدیگر بیاندازد و اگر می خواهد تتبیه هم بکند باید خود او اینکار را انجام دهد مانند اینکه ما دولت بگوید از این به بعد هر کس جایی دید گرانفروشی می شود گرانفروش را صد ضربه تازیانه بزند آیا این قانون چیزی به جز هرج و مرچ به بار می آورد.

اکنون که قرار است کافران و گنهکاران تنبیه شوند ببینیم از دید الله چرا آنها گمراه شده اند

الله گمراه کننده

سوره ۲: البقرة

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۶) خَتَّمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشاًةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۷)

در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند چه بیمشان ندهی چه بیمشان ندهی بر ایشان یکسان است [آنها] نخواهد گروید (۶) الله بر دلهای آنان و بر شنوایی ایشان مهر نهاده و بر دیدگانشان پردهای است و آنان را عذابی دردناک است (۷)

در این آیه به وضوح گفته شده است که الله بر دلهای آنان و... مهر نهاده پس آنها گناهی ندارند که گمراه شده اند مثل این است که ما از یک نایبنا انتظار داشته باشیم که رنگهای یک جعبه مداد رنگی را برای ما جدا کند چون نمیبینند نمیتواند و ما هم حق بازخواست از او را نداریم

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضاً وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (۱۰)

در دلهایشان مرضی است و الله بر مرضشان افزود و به [سزای] آنچه به دروغ می گفتند عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت (۱۰)

همانطور که میبینید الله با تمام مهربانی خود بر مرض یا گناه کفار می افزاید

سوره ۴: النساء

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فَنَّيِنَ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أُتْرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضْلِلُ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا (۸۸)

شما را چه شده است که در باره منافقان دو دسته شدهاید با اینکه الله آنان را به [سزای] آنچه انجام داده اند سرنگون کرده است آیا می خواهید کسی را که الله گمراهش کرده است به راه آورید و حال آنکه هر که را الله گمراه کند هرگز راهی برای [هدایت] او نخواهی یافت (۸۸)

در آیه بالا هم به وضوح میبینید که الله گفته است من منافقان را گمراه کرده ام و تازه دیگران را از راهنمایی آنها منع کرده و گفته کسی را که الله گمراه کند کسی نمیتواند راهنمایی کند همانند آنکه ما کسی را که باید از تهران به سمت مشهد برود به سمتی دیگر گمراه کنیم و بعد او را بازخواست کنیم که چرا مشهد نرفتی.

سوره ۵: المائدة

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِمَّا يُأْفِوْهُمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِكَذْبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ أَخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرَّقُونَ الْكَلَمُ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنَّ أُوتِينَمْ هَذَا فَخُدُوْهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتُوهُ فَأَحْدُرُوْا وَمَنْ يُرِدُ اللَّهُ فَتَتَّهُ فَلَنْ تَمُلِّكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَمَنْ يُرِدُ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خَرْزٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۴۱)

ای پیامبر کسانی که در کفر شتاب میورزند تو را غمگین نسازند [چه] از آنانکه با زبان خود گفتند ایمان آوردم و حال آنکه دلهایشان ایمان نیاورده بود و [چه] از بھودیان [آنان] که [به سخنان تو] گوش میسپارند [اتا بهانه‌ای] برای تکذیب [تو بیابند] و برای گروهی دیگر که [خود] نزد تو نیامده‌اند خبرچینی [=جاسوسی] میکنند کلمات را از جاهای خود دگرگون میکنند [و] میگویند اگر این [حكم] به شما داده شد آن را بپذیرید و اگر آن به شما داده نشد پس دوری کنید و هر که را الله بخواهد به فتنه درافکند هرگز در برابر الله برای او از دست تو چیزی بر نمیآید اینانند که الله نخواسته دلهایشان را پاک گرداند در دنیا برای آنان رسوایی و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود (۴۱)

در آیه بالا الله میگوید من نخواسته ام دلهای آنان پاک گردد و بعد هم آنها را وعده عذاب میدهد پس میتوان نتیجه گرفت یک اینکه الله در حق آفریده هایش مهربان نیست چرا که آنها را گمراه میکند دو اینکه عدالت ندارد زیرا کسانی را خودش گمراه میکند و بعد عذاب میدهد و سه اینکه الله گمراه کننده است

سوره ۶: الأنعام

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمْعُ إِلَيْكَ وَجَعَلَنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكْلَهُهُمْ أَنْ يَقْعُدُهُمْ وَفِي آذَانِهِمْ وَقَرَا وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۲۵)

و برخی از آنان به تو گوش فرا می‌دهند و [لی] ما بر دلهایشان پرده‌ها افکنده‌ایم تا آن را نفهمند و در گوش‌هایشان سنگینی [قرار داده‌ایم] و اگر هر معجزه‌ای را ببینند به آن ایمان نمی‌آورند تا آنجا که وقتی نزد تو می‌آیند و با تو جدال می‌کنند کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند این [کتاب] چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست (۲۵)

در آیه بالا باز هم الله باعث شده است تا کافران راهنمایی نشوند پس بر آنها نمیتواند گناهی ثبت کند.

وَإِنْ كَانَ كَبِيرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبَغِيَ نَفْقَا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلْمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيهِمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لِجَمِيعِهِمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونُنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۳۵)

و اگر اعراض کردن آنان [از قرآن] بر تو گران است اگر می‌توانی نقی در زمین یا نرdbانی در آسمان بجویی تا معجزه‌ای [دیگر] برایشان بیاوری [پس چنین کن] و اگر الله می‌خواست قطعاً آنان را بر هدایت گرد می‌آورد پس زنهار از ندانان مباش (۳۵)

باز هم در هدایت آفریدگان خواست الله شرط است و آنها اختیاری از خود ندارند پس همان الله است که از هدایت آنها جلوگیری کرده است و گمراه کننده آنها پس چرا باید آنها را به خاطر اعمالشان عذاب کند

وَالَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا صُمْ وَبُكْمٌ فِي الظُّلْمَاتِ مَن يَشَاءُ اللَّهُ يُضْلِلُهُ وَمَن يَشَاءُ يَجْعَلُهُ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۳۹)

و کسانی که آیات ما را دروغ پنداشتند در تاریکیهای [کفر] کر و لاند هر که را الله بخواهد گمراهش می‌گذارد و هر که را بخواهد بر راه راست قرارش می‌دهد (۳۹)

در آیه بالا هم گفته شده است هر که را الله بخواهد هدایت می‌کند و هر که را بخواهد گمراه می‌کند.

وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ عَذْوًا بَغْيَرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبَّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۰۸)

و آنایی را که جز الله می‌خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی الله را دشنام خواهند داد [این گونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم](#) آنگاه بازگشت آنان به سوی الله خواهد بود و ایشان را از آنچه انجام می‌دادند آگاه خواهد ساخت (۱۰۸)

بنید در آیه بالا آمده است که الله برای گمراهان اعمالشان را خوب جلوه میدهد تا همچنان در گمراهی بمانند پس باز هم میتوان نتیجه گرفت که الله گمراه کننده است.

فَمَن يُرِدُ اللَّهُ أَن يَهْدِيَ يَسْرَحْ صَدْرَهُ لِإِسْلَامٍ وَمَن يُرِدُ أَن يُضْلِلَ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيْقَا حَرَجاً كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۲۵)

پس کسی را که الله بخواهد هدایت نماید دلش را به پذیرش اسلام می‌گشاید و هر که را بخواهد گمراه کند دلش را سخت تنگ می‌گرداند چنانکه گویی به زحمت در آسمان بالا می‌رود این گونه الله پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد (۱۲۵)

این آیه هم گفته الله هر که را بخواهد گمراه کند دلش را سخت تنگ می‌کند

فَلْ لِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهُدَىٰ كُمْ أَجْمَعِينَ (۱۴۹)

بگو برهان رسا ویژه الله است و اگر [الله] می‌خواست قطعاً همه شما را هدایت می‌کرد (۱۴۹)

از این آیه هم میتوان فهمید اگر کسی گمراه است الله نخواسته او را هدایت کند

سوره ۷: الأعراف

مَن يُضْلِلُ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَدْرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۸۶)

هر که را الله گمراه کند برای او هیچ رهبری نیست و آنان را در طغیانشان سرگردان و می‌گذارد (۱۸۶)

باز هم سخن از گمراه کننگی الله در این آیه آمده است

سوره ۱۴: ابراهیم

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ فَوْمِهِ لِبْيَنَ لَهُمْ فَيُضْلِلُ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۴)

و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا [حقایق را] برای آنان بیان کند پس الله هر که را بخواهد بی راه می گذارد و هر که را بخواهد هدایت می کند و اوست ارجمند حکیم (۴)

بینید در کلیه آیه ها شرط هدایت انسانها خواست الله است و انسان هیچ اراده ای از خود ندارد و الله است که گمراه کننده و هدایت کننده است

سوره ۱۶: النحل

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكُنْ يُضْلِلُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالْعَمَلِ (۹۳)

و اگر الله می خواست قطعا شما را امتی واحد قرار می داد ولی هر که را بخواهد بی راه و هر که را بخواهد هدایت می کند و از آنچه انجام می دادید حتما سوال خواهید شد (۹۳)

باز هم همان

سوره ۲۸: القصص

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۵۶)

در حقیقت تو هر که را دوست داری نمی توانی راهنمایی کنی لیکن الله است که هر که را بخواهد راهنمایی می کند و او به راهیافتگان داناتر است (۵۶)

این آیه هم که خطاب به محمد است میگوید تو نمیتوانی هر که را دوست داری هدایت کنی ولی الله هر که را بخواهد راهنمایی می کند چه کسی گفته است که اسلام دین اختیار است این آیات را بخواند و بینید در این دین الله به کسی اجازه تصمیم گیری نداده است و هر چه او بخواهد انجام میگیرد.

سوره ۳۹: الزمر

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدًا وَيُخَوِّفُونَكَ بِالذِّينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضْلِلُ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۶)

آیا الله کفایت کننده بنده اش نیست و [کافران] تو را از آنها که غیر اویند می ترسانند و هر که را الله گمراه گرداند برایش راهبری نیست (۳۶)

بینید در آیه بالا هم الله نقش شیطان را اجرا میکند

سوره ۴۵: الجاثیة

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهًا هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرَهُ غَشَاؤً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۲۳)

پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و الله او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است آیا پس از الله چه کسی او را هدایت خواهد کرد آیا پند نمی گیرید (۲۳)

بله در آیه بالا هم الله گمراه کننده است و اوست که پرده بر دلها میزند تاراه هدایت را پیدا نکنند

سوره ۷۴: المدثر

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ الدَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عَدَّهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أَوْثَوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادُ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابُ الَّذِينَ أَوْثَوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلَيَقُولُ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهِمْ إِنَّمَا كَذَّلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودُ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ (۳۱)

و ما موکلان آتش را جز فرشتگان نگردانیدم و شماره آنها را جز آزمایشی برای کسانی که کافر شده اند قرار ندادیم تا آنان که اهل کتابند یقین به هم رسانند و ایمان کسانی که ایمان آورده اند افزون گردد و آنان که کتاب به ایشان داده شده و [نیز] مؤمنان به شک نیفتند و تا کسانی که در دلهایشان بیماری است و کافران بگویند الله از این وصف کردن چه چیزی را اراده کرده است این گونه الله هر که را بخواهد بیراه می گذارد و هر که را بخواهد هدایت می کند و [شماره] سپاهیان الله را جز او نمی داند و این [آیات] جز تذکاری برای بشر نیست (۳۱)

یقین اهربیم و الله همدستند حافظ جان	خدا ما را از الله و اهربیم رنا رها سازد
گواهیم ایزد و ایرانیان هستند حافظ جان	همان اهربیم نست الله در این شک ندارم من
چرا الهایان این را ندانستند حافظ جان	خدا کی جان و نان با شرط ایمان می دهد کس را
مهدی اخوان ثالث	

پس بر اساس آیات قرآن الله خود گمراه می کند و خود هدایت می کند و ماهیج اختیاری نداریم بنابراین هیچ مهربانی در دل ندارد و کسانی را که خود گمراه کرده عذاب می کند این نشانه سنگدلی اوست و من که می گوییم الله نمیتواند همان آفریدگار دانا باشد.

الله و جنگ و خوریزی

سوره ۳: آل عمران

وَلَقَدْ صَدَقُكُمُ اللَّهُ وَعْدُهُ إِذْ تَحْسُنُونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّىٰ إِذَا فَشَلْتُمْ وَتَنَازَّ عَنْمُ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا أَرَأَكُمْ مَا تُحِبُّونَ
مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفْتُمْ عَنْهُمْ لِيَنْتَابِكُمْ وَلَقَدْ عَفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَاللَّهُ دُوْ فَضْلٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (۱۵۲)

و [در نبرد احمد] قطعا الله وعده خود را با شما راست گردانید آنگاه که به فرمان او آنان را می‌کشتید تا آنکه سست‌شدید و در کار [جنگ و بر سر تقسیم غنایم] با یکدیگر به نزاع پرداختید و پس از آنکه آنچه را دوست داشتید [یعنی غنایم را] به شما نشان داد نافرمانی نمودید برخی از شما دنیا را و برخی از شما آخرت را می‌خواهد سپس برای آنکه شما را بیازماید از [تعقیب] آنان منصرفان کرد و از شما درگذشت و الله نسبت به مؤمنان با تفضل است (۱۵۲)

در آیه بالا به خیلی روشن گفته شده که فرمان الله می‌کشتید پس الله دستور کشتن را صادر کرده است کاری به این ندارم که چه کسانی باید کشته شوند فقط الان بحث من دستور کشتن است که الله همانی که در اول تمام سوره ها خود را مهربان و بخشندۀ نامیده دستور کشتن صادر می‌کند مگر نمی‌گوید جان همه انسانها در دست اوست چرا خودش نمی‌کشد و دستور کشتن میدهد.

سوره ۴: النساء

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا حُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا بُنَاتِ أَوْ انفُرُوا جَمِيعًا (۷۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید [در برابر دشمن] آمده باشید [=اسلحة خود را برگیرید] و گروه گروه [به جهاد] بیرون روید یا به طور جمعی روانه شوید (۷۱)

در آیه بالا هم الله دستور آمده شده برای جنگ داده است دقت بفرمایید حرفی از دفاع از خود نیست بلکه حرف از حمله به دیگری است

فَلِيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَعْلَمْ فَسَوْفَ تُؤْتَيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۷۴)

پس باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت سودا می‌کنند در راه الله بجنگند و هر کس در راه الله بجنگد و کشته یا پیروز شود به زودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد (۷۴)

این هم یک نمونه از وعده های الله به کسانی که میخواهند بجنگند و عده بهشت که آنرا هم در بخشهای بعدی مورد بررسی قرار خواهم داد. ولی در کل همانطور که در آیه بالا مشخص است با وعده مسلمانان را تشویق به جنگ کرده است

وَدُّوا لِّوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءٌ فَلَا تَنْخُذُوا مِنْهُمْ أُولَئِيَ الْحَسَدِ فَإِنَّ اللَّهَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنَّ تَوَلُّوْ فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَنْخُذُوا مِنْهُمْ وَلَيْلًا وَلَا نَصِيرًا (۸۹)

همان گونه که خودشان کافر شده‌اند آرزو دارند [که شما نیز] کافر شوید تا با هم برابر باشید پس زنها از میان ایشان برای خود دوستانی اختیار مکنید تا آنکه در راه الله هجرت کنند پس اگر روی بر تافقند هر کجا آنان را یافتید به اسارت بگیرید و بکشیدشان و از ایشان یار و یاوری برای خود مگیرید (۸۹)

باز هم در آیه بالا به علت اینکه کافران حرف مسلمانان را گوش نمی‌دهند (روی بر تافقند) باید مسلمانان هر کجا آنها را یافتند (دقیق کنید صحت از در جنگ نیست) آنها را به اسارت بگیرند و بکشند البته اسارت آن زمان هم با اسارت حالا زمین تا آسمان فرق دارد

سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمُلُوكُمْ وَيَأْمُلُوا قَوْمَهُمْ كُلَّ مَا رُدُوا إِلَى الْفَتْنَةِ أَرْكَسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ وَيَكْفُرُوا أَيْدِيهِمْ فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقَقْتُمُوهُمْ وَأُولَئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا (۹۱)

به زودی گروهی دیگر را خواهید یافت که می‌خواهند از شما آسوده خاطر و از قوم خود [نیز] ایمن باشند هر بار که به فتنه بازگردانده شوند سر در آن فرو می‌برند پس اگر از شما کناره‌گیری نکرند و به شما پیشنهاد صلح نکرند و از شما دست برنداشتند هر کجا آنان را یافتید به اسارت بگیرید و بکشیدشان آناند که ما برای شما علیه ایشان تسلطی آشکار قرار داده‌ایم (۹۱)

آیه بالا هم دلیل اسارت و کشتن را مطالعه بفرمایید در ضمن عدالت الله را هم ببینید مسلمانان را بر بقیه تسلط داده است انگار نه انگار که ادعای آفریدن همه را دارد. در ضمن باز هم صحت از کشتن و اسیر کردن در جنگ نیست بلکه گفته هر کجا یافتید این آیه دعوت به ترور است.

سوره ۸: الأنفال

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَبَّوَأُ الَّذِينَ آمَنُوا سَلَّقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّاعِبَ فَاضْرِبُوْ فَوْتَ الْأَعْنَاقَ وَاضْرِبُوْ مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانَ (۱۲)

هنگامی که الله به فرشتگان وحی می‌کرد که من با شما هستم پس کسانی را که ایمان آورده‌اند ثابت‌قدم بدارید به زودی در دل کافران وحشت‌خواهم افکند پس فراز گردنها را بزنید و همه سرانگشتانشان را قلم کنید (۱۲)

میتوانید دعوت به وحشیگری را در آیه بالا ببینید از فراز گردن زدن و سر انگشت قلم کردن برای کافران دور از انسانیت است شاید آنها کافر باشند ولی ظلمی در حق کسی نکرده باشند آیا همه مسلمانان از همه کافران بهتر هستند بعد هم بحث کشتن که خود عمل وحشیانه ای است جدا بحث شکنجه در این آیه آمده است بله سر انگشت قطع کردن شکنجه است.

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۳۹)

و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین یکسره از آن الله گردد پس اگر [از کفر] بازایستند قطعاً الله به آنچه انجام می‌دهند بیناست (۳۹)

باز هم در آیه بالا دعوت به جنگ تا هیچ غیر مسلمانی بر جای نماند آیا کسی را باید به خاطر اعتقادش باید کشت.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مَّنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَعْلَمُوا مِنْئَنْ وَإِنْ يَكُنْ مَّنْكُمْ مَّنْ يَعْلَمُوا
أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (۶۵)

ای پیامبر مؤمنان را به جهاد برانگیز اگر از [میان] شما بیست تن شکیبا باشند بر دویست تن چیره می‌شوند و اگر از شما یکصد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می‌گردند چرا که آنان قومی‌اند که نمی‌فهمند (۶۵)

این آیه هم نمونه بارزی از وعده‌های الله جهت تشویق به جنگ مسلمانان است. و برابری قومی را هم در بالا مشاهده می‌کنید آری اسلام دین برابری و برادری صلح و دوستی است به جمله آنها قومی‌اند که نمی‌فهمند دقت کنید

سوره ۹: التوبة

إِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدُوكُمْ وَاحْدُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَافْعُدوهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تَأْلُمُوا
وَأَقْامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَخُلُوا سَبِيلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۵)

پس چون ماه‌های حرام سپری شد مشرکان را هر کجا باقتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمین‌گاهی به کمین آنان بنشینید پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات دادند راه برایشان گشاده گردانید زیرا الله آمر زنده مهربان است (۵)

دستور به کشتن آنهم در جنگ نه به صورت ترور در این آیه دیده می‌شود دلیل آن هم این است که مشرک هستند خوب از نظر مسلمانان همه مسیحیان هم مشرک هستند من که نمی‌توانم فکر این را بکنم که این دستور به ترور و کشتن و شکنجه دادن از طرف آفریدگار مهربان من باشد.

فَاتَّلُو هُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيهِمْ وَيُخْزِنُهُمْ وَيَنْصُرُكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفَعُ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ (۱۴)

با آنان بجنگید الله آنان را به دست‌شما عذاب و رسوایشان می‌کند و شما را بر ایشان پیروزی می‌بخشد و دلهای گروه مؤمنان را خنک می‌گرداند (۱۴)

در آیه بالا هم الله با دستور به کشتن و مجاز شمردن آنها می‌خواهد دلهای مؤمنان را خنک کند مگر مومنان او آدم کش هستند که از کشتن دلشان خنک شود من که نسبت دادن این قرآن را به آفریدگار اهانت به او می‌دانم خودتان فکر کنید اگر می‌خواهید مسلمان باشید ولی این کتاب را به آفریدگار مهربان و دانا نسبت ندهید

فَاتَّلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدْبَيُّونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ
أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنِ يَدِهِمْ وَهُمْ صَاغِرُونَ (۲۹)

کسانی از اهل کتاب که به الله و روز باز پسین ایمان نمی‌آورند و آنچه را الله و فرستاده‌اش حرام گردانیده‌اند حرام نمی‌دارند و متدين به دین حق نمی‌گردند کارزار کنید تا با [کمال] خواری به دست خود جزیه دهند (۲۹)

این هم حکم الله در مورد کسانی که اهل کتاب (مسيحی یهودی و در جایی از قرآن زرتشتی) هستند با آنها گفته کارزار (جنگ) کنید. تا به دست خود با کمال خواری جزیه (پول همان باج) دهند ببینید الله که خیلی مهربان است در این آیه دیگر به دین اسلام در آمدن مطرح نیست بلکه این مهم است که کسی که می‌خواهد عقیده ای بر خلاف قوم برگزیده اش (مسلمانان) دارد به آنها باج بدهد و جیب آنها را پر کند. این الله هم حسابی پول دوست است من که نمی‌توانم فکر این را بکنم که پروردگارم به علت عقیده دستور دهد کسی را بکشد و با او جنگ کنند ولی وقتی باج داد از او در گزرند.

إِنَّ اللَّهَ أَشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالُهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُفَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلُونَ وَعَذَابًا عَلَيْهِ حَفَّا
فِي التُّورَاةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَأَسْبَبَ شَرًّا وَبَيْعَكُمُ الَّذِي بَأْيَعْنَمْ بِهِ وَدَلِلَكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ
(۱۱۱)

در حقیقت الله از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است همان کسانی که در راه الله می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست و چه کسی از الله به عهد خویش وفادارتر است پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید و این همان کامیابی بزرگ است (۱۱۱)

باز هم وعده بهشت و فرستادن مسلمانان به جنگ باز هم گرفتن پول انسانها و فروختن بهشت به آنها

سوره ۳۳: الأحزاب

لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجُونُونَ فِي الْمَدِينَةِ لِتُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا
(۶۰) مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تُقْفَوْا أَخِذُوا وَفَتَّلُوا تَقْتِيلًا

اگر منافقان و کسانی که در دلهایشان مرضی هست و شایعه‌افکنان در مدینه [از کارشن] باز نایستند تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز [مدتی] اندک در همسایگی تو نپایند (۶۰) از رحمت الله دور گردیده و هر کجا یافته شوند گرفته و سخت کشته خواهد شد (۶۱)

باز هم دستور به کشتن آنهم نه در جنگ بلکه هر کجا یافته شدند از حقیقت دوری نکنید بله این حکم ترور است که در قرآن آمده است.

سوره ۶۶: التحریم

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدُ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَعْلَظُ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبَيْسَ الْمَصِيرُ (۹)

ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر [که] جای ایشان در جهنم خواهد بود و چه بد سرانجامی است (۹)

چشم

حالا که فهمیدیم همین الله مهربان است که گمراه می کند ببینیم گمراه ها را که حالا دست بالا صد سال گمراه بودند و گناه از دید الله کردند چند سال با عدالتی که وصف اونم گفتم و با چه مهربانی خاصی تتبیه می کند

سوره ۲: البقرة

فَإِنْ لَمْ تَفْعُلُوا وَلَنْ تَفْعُلُوا فَأَنْقُلُوا النَّارَ الَّتِي وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (۲۴)

پس اگر نکردید و هرگز نمی توانید کرد از آن آتشی که سوختش مردمان و سنگها هستند و برای کافران آماده شده بپر هیزید (۲۴)

این هم از مهربانی الله است که سوخت جهنمش از مردمان است فکر کنم کوره آدم سوزی را هیلترا طبق آیات قرآن ساخته باشد در می دانید که هیلترا یهودی ها را در آن می سوزانند و این هم از نظر اسلامیون جای تشویق دارد و باید مسلمانان برای روح هیلترا فاتحه بخوانند.

سوره ۹: التوبة

يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَئُكْوَى بِهَا جِبَاهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظَهُورُهُمْ هَذَا مَا كَتَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ (۳۵)

روزی که آن [گنجینه] ها را در آتش دوزخ بگدازند و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند [و گویند]
این است آنچه برای خود اندوختید پس [کیفر] آنچه را می اندوختید بچشید (۳۵)

این هم شرحی از شکنجه هایی که در جهنم انجام می شود راستی مگر الله شکنجه گر است که اینگونه وصف شده است

سوره ۱۴: ابراهیم

مِنْ وَرَآءِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِنْ مَاءَ صَدَّيقٍ (۱۶)

آن کس که] دوزخ پیش روی اوست و به او آبی چرکین نوشانده می شود (۱۶)

استاد شکنجه الله به شکنجه شوندگان آب چرکین می نوشاند آیا ما که انسان هستیم و به بزرگواری آفریدگار هم نمی توانیم باشیم در زندانهای بدترین نقاط جهان حتی آب چرکین به زندانیان می نوشانیم و اگر در زندانی این کار انجام شود چه نسبتی به اداره کننده آن زندان می دهد من که حتی نمی توانم یک لحظه این فکر را بکنم که قرآن از طرف آفریدگار باشد و این سخنان از جانب آفریدگار باشد

سوره ۱۷: الإسراء

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أُولَيَاءٍ مِّنْ دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمَيْنَا وَبَكْمَأْ وَصُمُّاً مَّأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلُّمَا خَبَتْ رَذْنَاهُمْ سَعِيرًا (۹۷)

و هر که را الله هدایت کند او ره یافته است و هر که را گمراه سازد در برابر او برای آنان هرگز دوستانی نیابی و روز قیامت آنها را کور و لال و کر به روی چهره‌شان در افتاده برخواهیم انگیخت جایگاهشان دوزخ است هر بار که آتش آن فرو نشیند شراره‌ای [تازه] برایشان می‌افزاییم (۹۷)

در آیات بالا هم که گفته شده است خود الله گمراه می کند و بعد هم به جهنم می فرستد آیا این عدالت است مانند این است ما مسابقه دو بگذاریم هرکس به خط پایان نرسد تنبیه شود و هرکس برسد پاداش بگیرد بعد خودمان عده ای را گمراه کنیم و بعضی را به سمت خط پایان هدایت کنیم بعد هم آنها را که به خط پایان نرسیدند تنبیه کنیم.

سوره ۳۹: الزمر

قَبِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِسْرَ مَنْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۷۲)

و گفته شود از درهای دوزخ درآید جاودانه در آن بمانید و چه بد [جایی] است جای سرکشان (۷۲)

بیایید خودتان به قضاوت بنشینید کسی هست که صد سال در این دنیا گمراه بوده است و گناه کرده است آیا درست است که تا ابد در جهننم بماند حالا صد سال عذاب هم نه هزار سال عذاب بشود تا ابد ماندن که بی عدالتی است.

سوره ۵۰: بق

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلْ امْتَلَأْتِ وَنَقُولُ هَلْ مِنْ مَّرَيِّدٍ (۳۰)

آن روز که [ما] به دوزخ می‌گوییم آیا پر شدی و می‌گوید آیا باز هم هست (۳۰)

این هم هدف الله که قبل از هم گفته شده است هدف او پر کردن جهنم است به نظر شما این الله مهربان است



بہشت

خواندن برای زیر ۱۸ سال توصیه نمی شود

حالا که از جهنم گفتم چون بی عدالتی نشود کمی هم از بہشتی که الله وعده داده است می گوییم

سوره ۲: البقرة

وَبَشَّرَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلُّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ تَمَرَةٍ رِّزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلٍ وَأَتُوا بِهِ مُتَسَابِهًآ وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۵)

و کسانی را که ایمان آوردهاند و کارهای شایسته انجام داده‌اند مژده ده که ایشان را باگهایی خواهد بود که از زیر [درختان] آنها جویها روان است هر گاه میوه‌ای از آن روزی ایشان شود می‌گویند این همان است که پیش از این [نیز] روزی ما بوده و مانند آن [نعمتها] به ایشان داده شود و در آنجا همسرانی پاکیزه خواهند داشت و در آنجا جاودانه بمانند (۲۵)

دقیق کنید فقط در مورد لذت‌های مادی در بہشت و عده داده شده است لذت خوردن میوه همانگونه که قبل هم در زمین بوده است و لذت جنسی از همسران پاکیزه که تمام این موارد همانی است که در زمین است آیا شما در این دنیا لذت را فقط در موارد جنسی و خوراکی می‌دانید اگر همین که در زمین است در بہشت هم قرار است نصیب بشود چه فایده ای دارد در ضمن این باغها و آب روان چیزی است که در عربستان کمبود آن بوده است ولی در ایران فراوان یافت می‌شود. همانطور که در بخش‌های قبل گفتم وقتی اعراب به ایران حمله کردند گفتند این همان بہشتی است که محمد به ما و عده داده بود بله زنان پاکیزه ایرانی و باگهای پر میوه ایرانی همان بہشت برای آنها است

سوره ۵۲: الطور

مُتَكَبِّنَ عَلَى سُرُرٍ مَصْفُوفَةٍ وَرَوَّجَنَاهُمْ بِحُورٍ عَيْنٍ (۲۰)

بر تختهایی ردیف هم تکیه زدهاند و حوران درشت‌چشم را همسر آنان گردانده‌ایم (۲۰)

اگر به دقت خودتان به قرآن مراجعه کنید و وصف بھشت را بخوانید مورد خاصی برای زنان نمی یابید آن غلامان پسرهم که خیلی زیبا هستند و همواره جوان در خدمت مردان است و عده خیلی زیادی در مورد لذت جنسی در آنجا داده شده است آیا این شما را سیر می کند چقدر لذت جنسی؟ چقدر خوردن؟ آیا خسته کننده نیست آیا تقریح فقط همین است دائم در قرآن وصف حوریان بهشتی، سفیدی آنها و چشمان درشت آنها آمده است که از یک کتاب چه از طرف آفریدگار و چه از طرف انسان به دور است اینقدر از سکس آن هم یک طرفه و فقط برای آقایان حرف بزند.

يَتَّازَ عُونَ فِيهَا كَأسًا لَا لَعْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ (۲۳) وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَانُوا مُكْتُونُ (۲۴)

در آنجامی از دست هم می‌ربایند [و بر سرش همچشمی می‌کنند] که در آن نه یاوه گویی است و نه گناه (۲۳) و برای آنان پسرانی است که بر گردشان همی‌گردند انگاری آنها مرواریدی‌اند که [در صدف] نهفته است (۲۴)

در آیات بالا می‌بینید که اول گفته شده است که در بھشت گناهی وجود ندارد پس هر کاری آزاد است و می‌بینید که در پس آن از پسران خیلی قشنگ تعریف کرده است آیا این مژده به آزادی لواط در بھشت نیست در ضمن مخاطب این آیات نیز مردان هستند.

سوره ۵۵: الرحمن

فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمَئِنُنَّ إِنْسُ قَبْلُهُمْ وَلَا جَانُ (۵۶)

در آن [باغها دلبرانی] فرو هشتمنگاهند که دست هیچ انس و جنی پیش از ایشان به آنها نرسیده است (۵۶)

باز هم مژده سکس با زنان خیلی قشنگ که دست نخورده هستند و این دست نخورده بودن که در آن مژده داده شده است نشانی از جنون سکس است چون دست نخورده بودن با دست خورده بودن فقط برای کسی فایده دارد که از نظر روانی مشکل داشته باشد

فِيهِنَّ حَيْرَاتُ حَسَانٌ (۷۰) (۷۱) حُورُّ مَقْصُورَاتُ فِي الْخَيَامِ (۷۲) (۷۳) لَمْ يَطْمَئِنُنَّ إِنْسُ قَبْلُهُمْ وَلَا جَانُ (۷۴) (۷۵) مُكَبَّنَ عَلَى رَفَرَفٍ حُضْرٌ وَعَبَّرَيٌ حَسَانٌ (۷۶)

در آنجا [زنانی] نکو خوی و نکورویند (۷۰) (۷۱) حورانی پرده‌نشین در [دل] خیمه‌ها (۷۲) (۷۳) دست هیچ انس و جنی پیش از ایشان به آنها نرسیده است (۷۴) (۷۵) بر بالش سبز و فرش نیکو تکیه زده‌اند (۷۶)

در آیات بالا جای نقطه چین و کدامین نعمت پروردگارستان را به جای خواهید آورد است که تکرار شده است و خودتان به وضوح می‌بینید که وصف حوریان آنهم از نوع شهوت بر انگیز است که در آیاتی که به پروردگار نسبت داده شده است آمده است و این خیلی زشت است

سوره ۵۶: الواقعة

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وَلَدَانُ مُخْلَدُونَ (۱۷)

بر گردشان پسرانی جاودان [به خدمت] می‌گردند (۱۷)

وَحُورٌ عَيْنٌ (۲۲) كَأَمْثَالِ الْأَوْلَوْ الْمَكْلُونَ (۲۳)

و حوران چشمدرشت (۲۲) مثل لؤلؤ نهان میان صدف (۲۳)

فَجَعَلْنَا هُنَّ أَبْكَارًا (۳۶) عَرْبًا أَثْرَابًا (۳۷)

و ایشان را باکره گردانیدهایم (۳۶) شوی دوست همسال (۳۷)

باز هم موارد سکسی و بحث باکره بودن که می دانید از باکره بودن زن فقط یک مرد روانی لذت می برد.

سوره ۷۶: الإنسان

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وَلِدَانُ مُخْلَدُونَ إِذَا رَأَيْتُهُمْ حَسِيبَتْهُمْ لُؤلُؤًا مَنْتُورًا (۱۹)

و بر گرد آنان پسرانی جاودانی می گردند چون آنها را بینی گویی که مرواریدهایی پراکنده‌اند (۱۹)

شاید بعضی از علماء عزیز بفرمایند این پسران فقط برای خدمت گمارده شده اند یک اینکه اگر برای خدمت هستند چرا در سوره الطور آیه ۲۳ ابتدا بر گناه نبودن در بهشت سخن می گوید و سپس از پسران زیبا روی دوم اینکه چرا اینقدر از زیبایی کسی که فقط برای خدمت گمارده شده است سخن گفته می شود باز هم شاید کسی بگوید خوب زیبایی که بد نیست سوم اینکه آری زیبایی بد نیست ولی چرا از جوان بودن آنها سخن گفته میشود آیا جوان بودن آنها هم لزومی داشته است.

عَالَيْهِمْ ثَيَابُ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُولًا أَسَاوَرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبْهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (۲۱)

[بهشتیان را] جامه‌های ابریشمی سبز و دیباگی ستبر در بر است و پیرایه آنان دستبندهای سیمین است و الله باده‌ای پاک به آنان می‌نوشاند (۲۱)

در آیه بالا اشاره به باده شده است البته از نوع پاک آن که الله وقتی حکم حرام بودن آنرا بردارد حتما پاک می شود وقتی باده که در این دنیا حرام شده است در بهشت حلال شده است

سوره ۷۸: النبأ

حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا (۳۲) وَكَوَاعِبَ أَثْرَابًا (۳۳) وَكَاسًا دِهَافًا (۳۴)

باغچه‌ها و تاکستانها (۳۲) و دخترانی همسال با سینه‌های برجسته (۳۳) و پیاله‌های لبالب (۳۴)

این هم وصف باغ و صفات سکس با تعاریف سکسی و پیاله لبالب حرامها اینگونه حلال می شوند اگر می خواهند همه موارد سکسی را سانسور کند باید ابتدا از قرآن شروع کند

اسلام حمزی نویا پیری کنه

سوره ۷: الأعراف

قُلْ مَنْ حَرَمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالْطَّيَّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ فُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ تُفَصَّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۳۲)

[ای پیامبر] بگو زیورهایی را که الله برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده بگو این [نعمتها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می‌باشد این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کنیم (۳۲)

در آیه بالا می‌بینید که حرام و حلال کردن سنتی بوده است رایج در آن زمان که هر کس به دلخواه خود چیزی را حلال و یا حرام می‌کرده است و آیه بالا نکوهش از این عمل است.

لَا قَطْعَنَ أَيْنِكُمْ وَأَرْجُلُكُمْ مِنْ خَلَافِ ثُمَّ لَا صَلَبَنَكُمْ أَجْمَعِينَ (۱۲۴)

(فرعون خطاب به جادوگران) دستها و پاهایتان را یکی از چپ و یکی از راست خواهم برید سپس همه شما را به دار خواهم آویخت (۱۲۴)

در آیه بالا می‌بینید دست و پا قطع کردن به طور مخالف که در قرآن هم برای کافران در نظر گرفته شده است ربط به زمان فرعون داده شده است.

سوره ۸: الأنفال

وَإِذَا ثُلَّى عَلَيْهِمْ آيَاثُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَفْلَانَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۳۱)

و چون آیات ما بر آنان خوانده شود می‌گویند به خوبی شنیدیم اگر می‌خواستیم قطعاً ما نیز همانند این را می‌گفتیم این جز افسانه‌های پیشینیان نیست (۳۱)

در آیه بالا مشاهده می‌کنید که اهل مکه گفته ند این جز افسانه پیشینیان نیست پس تمام داستانهای آن را شنیده بوده اند که چنین ادعایی کرده اند و چیزی غیبی در کار نبوده است البته این نتیجه را با خواندن تورات هم که ما چندین صد سال پیش از قرآن آمده است گرفت.

وَمَا كَانَ صَلَاثُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءٌ وَتَصْدِيَةٌ فَذُوْفُوا العَذَابَ بِمَا كُنْثُمْ تَكْفُرُونَ (۳۵)

و نمازشان در خانه [الله] جز سوت کشیدن و کف زدن نبود پس به سزای آنکه کفر می‌ورزیدید این عذاب را بچشید (۳۵)

می‌بینید که اهل مکه قبل از اسلام هم نماز می‌خوانده اند پس نماز خواندن هم چیز جدیدی برای آن زمان نبوده است و یک رسم بین اهل مکه بوده است.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيَنْفَقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُعْلَمُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ يُحْسَرُونَ (۳۶)

بی‌گمان کسانی که کفر ورزیدند اموال خود را انفاق می‌کنند تا [مردم را] از راه الله بازدارند پس به زودی [همه] آن را انفاق می‌کنند و آنگاه حسرتی بر آنان خواهد گشته‌پس مغلوب می‌شوند و کسانی که کفر ورزیدند به سوی دوزخ گردآورده خواهند شد (۳۶)

این هم از رسم انفاق کردن که قبل از اسلام بین اهل مکه بوده است. و توصیه جدیدی از اسلام به آنها نبوده است.

سوره ۹: التوبة

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنفُسِهِمْ بِالْكُفُرِ أُولَئِكَ حَبَطْتُ أَعْمَالَهُمْ وَفِي الدَّارِ هُمْ خَالِدُونَ (۱۷)

مشرکان را نرسد که مساجد الله را آباد کنند در حالی که به کفر خویش شهادت می‌دهند آناند که اعمالشان به هدر رفته و خود در آتش جاودانند (۱۷)

از آیه بالا می‌توان نتیجه گرفت که مسجد و مسجد سازی هم چیز جدید از سوی اسلام و محمد نبوده است.

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامَ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوِونَ عَنِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۹)

آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته‌اید که به الله و روز بازپسین ایمان آورده و در راه الله جهاد می‌کند [نه این دو] نزد الله یکسان نیستند و الله بیدادگران را هدایت نخواهد کرد (۱۹)

و آیه بالا نشانگر این است که حج و حاجی بودن و در ضمن سقایی حاجیان رسمی بوده است از دوران پیش از اسلام بین اعراب.

إِنَّ عَدَّةَ الشَّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيْمُ فَلَا تَنْظِلُمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتَلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَةً وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۳۶)

در حقیقت‌شماره ماه‌ها نزد الله از روزی که آسمانها و زمین را آفریده در کتاب [علم] الله دوازده ماه است از این [دوازده ماه] چهار ماه [ماه] حرام است این است آیین استوار پس در این [چهار ماه] بر خود ستم مکنید و همگی با مشرکان بجنگید چنانکه آنان همگی با شما می‌جنگند و بدانید که الله با پرهیزگاران است (۳۶)

این آیه خیلی جالبتر از آیات قبلی است گفته شمار ماهها نزد الله دوازده است که جواب آن این است که از ابتدا بنابر عقایدی یونانیها و ایرانیها عدد دوازده را خوش یمن می‌دانستند و بیشتر تقسیمات خود را بر دوازده قرار می‌دادند و از عدد سیزده نیز دوری می‌کردند و مثال آن این است که سال دوازده ماه است روز به دو تا دوازده ساعت تقسیم شده است سال را ۳۶۰ روز به علاوه پنج می‌دانسته اند که ۳۶۰ به دوازده قابل تقسیم است تقسیم دایره را نیز ۳۶۰ درجه قرار داده اند که باز رابطه بالا بر قرار است و چیزی هم نبوده که در آن زمان پیامبری از طرف الله به آنها گفته باشد و نکته خیلی جالبتر اینکه چهار ماه را حرام دانسته است حال چرا الله به دیگر پیامبرانش راجع به این چهار ماه حرام چیزی نگفته است و فقط به محمد این را گفته است شاید پاسخ دهید چون او آخرین پیامبر بوده است خوب قبول ولی چرا چیزی را که الله می‌خواسته فقط به آخرين پیامبرش بگوید قبل از او بین اعراب عربستان شایع بوده است و آنها که بت پرست بوده اند از این چهار ماه حرام خبر داشتند آیا این چهار ماه حرام که وارد اسلام شده است همان چهار ماهی نیست که اعراب جهت انجام معاملات جنگ و خونریزی را در آن حرام کردند تا چهار ماه از سال را استراحت و کاسبی کنند و هشت ماه دیگر را باز هم به جان یکدیگر بیافتد. و قول محمد جهاد کنند.

سوره ۱۰: یونس

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَفْعُلُونَ هُؤُلَاءِ شُفَاعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ فَلَمَّا تَبَّعُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۱۸)

و به جای الله چیز‌هایی را می‌پرستند که نه به آنان زیان می‌رساند و نه به آنان سود می‌دهد و می‌گویند اینها نزد الله شفاعتگران ما هستند بگو آیا الله را به چیزی که در آسمانها و در زمین نمی‌داند آگاه می‌گردانید او پاک و برتر است از آنچه [با وی] شریک می‌سازند (۱۸)

در آیه بالا به وضوح می‌بنید که اعراب عربستان هم الله را قبول داشته اند و بتهم را نزد او برای خود شفاعت کننده می‌دانسته اند و محمد آنها را از این کار منع کرده است یعنی شفاعت خواستن از کسی غیر از الله حال آنکه شیعیان هنوز هم همان کار اعراب را انجام می‌دهند البته به نحوی دیگر آنها از امامان و امامزادگان شفاعت می‌خواهند پس خیلی زیاد هم از اعراب جاهلیت دور نیستند.

فَلَمَّا نَرَزْفُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيَّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيَّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَلَمْ أَفَلَا تَنْقُونَ (۳۱)

بگو کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می‌بخشد یا کیست که حاکم بر گوشها و دیدگان است و کیست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده خارج می‌سازد و کیست که کارها را تدبیر می‌کند خواهند گفت الله پس بگو آیا پروا نمی‌کنید (۳۱)

باز هم اشاره به اینکه اعراب عربستان الله را کاملاً می‌شناخته اند.

سوره ۱۱: هود

قَالُوا يَا شَعِيبُ مَا تَفْقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لِنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لِرَجْمَنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ (۹۱)

گفتند ای شعیب بسیاری از آنچه را که می‌گویی نمی‌فهمیم و واقعاً تو را در میان خود ضعیف می‌بینیم و اگر عشیره تو نبود قطعاً سنگسارت می‌کردیم و تو بر ما پیروز نیستی (۹۱)

این رسم عزیز و گرامی سنگسار که در آیه بالا می‌بینیم در زمان شعیب این رسم بوده است و سپس به اسلام انتقال پیدا کرده است و حال هم به بالاترین فرهنگ دنیا این رسم وحشیانه از راه اسلام وارد شده است و حاکمان ظالم ایران این کار را انجام می‌دهند.

سوره ۱۸: الکھف

سَيَقُولُونَ تَلَاثَةُ رَأَيْعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةُ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةُ وَتَامِّنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُنَمَّرَ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءٌ ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَقْتَلُ فِيهِمْ مَنْهُمْ أَحَدًا (۲۲)

به زودی خواهد گفته تن بودند [و] چهارمین آنها سگشان بود و می‌گویند پنج تن بودند [و] ششمین آنها سگشان بود تیر در تاریکی می‌اندازند و [عده‌ای] می‌گویند هفت تن بودند و هشتمین آنها سگشان بود بگو الله به شماره آنها آگاهتر است جز اندکی [کسی شماره] آنها را نمی‌داند پس در باره ایشان جز به صورت ظاهر جدال مکن و در مورد آنها از هیچ کس جویا مشو (۲۲)

این هم نمونه دیگر که ثابت می‌کند داستان اصحاب کوف داستانی بوده است که در زمان اعراب جاهلیت نیز بر سر آن بحث می‌شده است و محمد گوینده این داستان نبوده است.

سوره ۲: البقرة

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ قَلَّا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطْوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلَيْهِمْ (۱۵۸)

«صفا» و «مروه» از شعائر (و نشانه‌های) الله است! بنابراین، کسانی که حج خانه الله و یا عمره انجام می‌دهند، مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند؛ (و سعی صفا و مروه انجام دهن). و هرگز اعمال بی‌رویه مشرکان، که بتھایی بر این دو کوه نصب کرده بودند، از موقعیت این دو مکان مقدس نمی‌کاھد! و کسی که فرمان الله را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، الله (در برابر عمل او) شکرگزار، و (از افعال وی) آگاه است.

این هم نمونه دیگر از ادب آن دوره که وارد اسلام شده است و آنهم سعی بین صفا و مروه است که در آن زمان اعراب عربستان که حج می‌رفتند این کار را هم انجام می‌دادند و وقتی محمد حج را که یک رسم کاملاً عربی بود وارد اسلام می‌کند سعی بین صفا و مروه را هم در آن قرار می‌دهد تا تغییر زیادی در ادب اجدادیش ایجاد نگردد.

اسلام و فرهنگ و هنر

سوره ۲۶: الشعرا

وَالشُّعُرَاءِ يَتَبَعُهُمُ الْغَالُونَ (۲۲۴)

و شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند (۲۲۴)

این از نظر اسلام در مورد شاعران پس کلمه شعر اسلامی نباید به کار برود

در مورد موسیقی و ترانه هم که همه نظر اسلام را می‌دانید و اسلام آن را حرام می‌داند مخصوصاً اگر شاد باشد زیرا مسلمانان محکومند که غمناک باشند

در مورد رقص هم که نگو نه تنها آنرا اسلام هنر نمی‌داند بلکه حرام هم هست

در مورد نقاشی مخصوصاً نقاشی چهره همانطور که شاید بدانید نقاشی در اسلام حرام است

در مورد مجسمه سازی هم که آن نیز در اسلام حرام است حال باز هم بگویید هنر اسلامی

دانش اسلامی هم که اگر قرآن را مرجع آن بدانیم بهتر است بگوییم بی دانشی اسلامی

طب اسلامی را اگر بگوییم از خنده اشک در چشمانتان جاری می‌شود فقط بگوییم کتابهای طب اسلامی را بخوانید تا به عمق طب در اسلام پی ببرید. بدانید دلیل لال شدن بچه دلبل دیوانه شدن بچه و فلچ شدن و غیره کامل از نظر اسلام در این کتابها آمده است. بهتر است خودتان بخوانید تا بهتر درک کنید.

به عنوان مثال خنده آور می‌توانید کتاب زیر را خریداری کنید و بخوانید

ريحانه بهشتی، يا، فرزند صالح نوشته سیما میخیر نشر: نور الزهرا (۲۷ آذر، ۱۳۸۶)

نمونه اي از بیانات این کتاب

مکروهات حين آمیزش

نگاه کردن به فرج زن که سبب کوری فرزند می‌شود. سخن گفتن غیر از ذکر خدا که سبب لال شدن بچه می‌شود. خضاب کردن که موجب می‌شود فرزند مختث شود. به همراه داشتن انگشتی که در آن ذکر خدا یا چیزی از قرآن باشد. آمیزش با همسر خود اما با شهوت زنی دیگر که موجب دیوانگی فرزند می‌شود.

قرآن کتابی بی‌مانند

ببخشید در این بخش بیشتر من از خودم می‌نویسم خودتان بخوانید و قضاوت کنید آیا قرآن کتابی بی‌مانند است

۱- از این نظر که هیچ کس نمی‌تواند مانند آن را بیاورد می‌توان گفت این ادعا را هر نویسنده یا شاعر می‌تواند بکند. آیا کسی می‌تواند مانند شاهنامه فردوسی، دیوان حافظ، گلستان سعدی یا امثال آنها کتابی بیاورد. نه که نمی‌تواند. وهمانگونه که در زمان محمد کسانی (ندرین حارت) ادعا کردند که بهتر از محمد و حتی جدیدتر از او هم می‌توانند داستان تعریف کنند. اگر کسی ادعا کند می‌تواند مانند فلان کتاب را بیاورد و بیاورد هم می‌توان با هزاران دلیل از او نپذیرفت که این کتاب مانند آن کتاب است.

سوره ۸: الأنفال

وَإِذَا ثُلُّى عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لُوْتَنَاءَ لَفْلَنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۳۱)

و چون آیات ما بر آنان خوانده شود می‌گویند به خوبی شنیدیم اگر می‌خواستیم قطعاً ما نیز همانند این را می‌گفتهایم این جز افسانه‌های پیشینیان نیست (۳۱)

۲- چه کتابی بهترین کتاب است تا آنجایی که سواد ما قد می‌دهد بهترین متن یک متن جامع و مانع است یعنی اینکه کمی نداشته باشد و اضافه هم نداشته باشد یعنی تکرار در آن نباشد کمبود هم در مورد موضوع مورد بحث نداشته باشد اول می‌رویم در مورد تکرار صحبت کنیم خودتان بهتر می‌دانید که قرآن پر است از مطالب تکرار شده و حتی پر است از آیاتی که دقیقاً تکرار شده اند خودتان ببینید چند بار داستان موسی چند بار داستان نوح چند بار ابراهیم و آیات سوره الرحمن یک در میان تکرار شده است و یا سوره النجم که پر است از تکرار بعد در مورد کامل بودن که اصلاً نباید حرفش را زد کل اختلافات مسلمانان از همین جا سر چشمہ می‌گیرد حتی مسلمانان در مورد یک موضوع کوچک مانند وضو هم اختلاف دارند چون چیز کاملی در مورد آن در قرآن نیست که به آن استناد کنند در مورد اوقات نماز هم در ضمن اینکه شما داستانهای قرآن را بخوانید بینید چقدر پراکنده و ناقص هستند ۳- از نظر تعاریف علمی در قرآن هم که نگو اگر همه دنیا می‌خواستند از روی قرآن علم را بیاموزند الان فکر می‌کردند که شهاب سنگها تیرهایی است که به طرف شیاطین شلیک می‌شود آسمان هفت طبقه است قابل لمس کردن است ستاره ها چراغهایی هستند در آسمان اول که جهت زیور آسمان و راهنمایی مسافران در شب آفریده شده اند البته آن زمان به فکر الله نرسیده بود که به جای این چراغها

قطب نما بیافریند. آسمان می تواند مانند طومار لوله شود تگرگ از کوه های موجود در آسمان می بارد زنبور عسل شهد گلها را می خورد و سپس از درون شکمش عسل را برای ما در می آورد کوهها مانند میخ در زمین فرو رفته اند و زمین را نگه داشته اند مثلا در قاره استرالیا که میخ یا همان کوه خیلی کم است هر لحظه امکان دارد زمین بیافتد سبب باریک و کلفت شدن ما هین است که اوقات حج و معامله را بدانیم و اصلا سایه زمین بر ما نمی افتد.

۴- از نظر تعاریف تاریخی هم که اینکه مریم مادر عیسی را خواهر هارون معرفی کرده است که کاملاً اشتباه می باشد زیرا مریم برادری به نام هارون نداشته است و هارون برادر موسی خواهری به نام ماریام داشته که هیچ ربطی به مریم مادر عیسی ندارد یکی دیگر اینکه هامان را وزیر فرعون معرفی کرده است در حالی که هامان وزیر خشایار شاه بوده است

۵- از نظر نوشتاری هم که در کل سوره های مکی با سوره های مدنی از زمین تا آسمان تقاویت دارند و این تضاد در نوشتار در یک نوشتار کامل نباید به چشم بخورد آیات مکی کوتاه و زیبا هستند دارای آهنگ و آیات مدنی بلند و خسته کننده و بدون آهنگ مناسب می باشد بعد هم پرس از یک شاخه به شاخه دیگر در آن زیاد به چشم می خورد به صورتی که از یک داستان به داستان دیگر و هنوز یک موضوع تمام نشده به موضوع دیگر می پردازد و در کل خواننده را خسته و سر درگم می کند خودتان می توانید متن فارسی آن را بخوانید تا به این موضوع پی ببرید

۶- زبانی که قرآن به آن نوشته شده است شایع است که زبانی کامل می باشد ولی درباره آن بدانید که:

آیا زبان تازی زبان کاملی است؟

در باره‌ی روانی و سادگی زبان پارسی در برابر زبان تازی، چند چیز گفتیست.

نخستین و مهمترین برتری آن، نداشتن "حرف تعریف" ("article") و جنس نامهای است. در تازی الف و لام "ال" گفتار را یک سیلاب یا یک بخش به ازای هر نام، دراز میکند. جنس هر نام را هم بایستی دانست، تابه تازی سخن درست توان گفت.. برای نمونه، در زبان آلمانی سه حرف تعریف برای نامهای مردانه، زنانه و خنثی و در زبان فرانسه دو حرف تعریف برای نامهای مردانه و زنانه هست که هر نام را بایستی با جنس آن باد بگیریم.

دو دیگر اینکه برای پیوند دو نام یا نام و صفت تنها از آوای "ا" (e) سود میبریم. در انگلیسی of، در فرانسه de "ذ" و در تازی "ال" را بایستی بکار برد مانند: بخت بلند، دست سرنوشت، جام می، شهر تهران و ... در برخی جا ها برای پیوند نام و صفت به آن آوای "ا" هم نیاز نیست. مانند: بزرگ مرد، خندان لب ..

سه دیگر اینکه در پارسی گلودرد و خستگی زبان نداریم! زیرا از به زبان آوردن "ع"، "ح"، "ط"، "ض"، "ص"، "ظ" ، رهائی میباییم.

چهارم اینکه همزه نداریم تا در میان سخن و واژه و ادار به ایست بشویم. مانند: مأمون از خلفائی بود که متأسفانه تأمل و تأثی میکرد! در این نمونه بایستی پنج بار برای همزه ایست میکردیم.

پنجم اینکه ما یک نوع جمع نامها بیشتر نداریم و در تازی جمع دوتایی و جمع چندتایی است.

ششم آنکه دستور جمع نامها در زبان پارسی ساده است و با "ان" و "ها" جمع بسته میشود و در تازی با فراگرفتن هر واژه بایستی انواع جمع های آنرا هم یاد گرفت. مانند: فرباء، اقارب، مقربان،... که همه بمعنی

نژدیکان هستند. یا نمونه های زیر که همه بر وزن فاعل هستند و جمعشان بایستی از یک دستور پیروی کند، اما هر کدام به رو شی جمع بسته می شوند.

ناصر، انصار عالم، علماء عامل، عمله

یا جمع های خنده داری مانند:

افغانه، ارمنه، اکراد، الوار!، شواهین (جمع شاهین که از پارسی گرفته شده)، طوالش، اترال، ..

هفتم اینکه تازی چون "پ" ، "ج" ، "ز" ، "گ" ندارد و از گفتن بسیاری از نامهای روا در جهان ناتوان است:

چند نمونه برای لبخند:

چین = صین ژاپن = اليابان پیسی کولا = بیبیسی کولا پلاتون = افلاطون ! هیکرات = بُقراط سیزار = قیصر دژپل = دزفول گندی شاپور = جندی شاپور نیشابور تپرستان = طبرستان آذرپادگان = آذربایجان گنستانینوپول = قسطنطینیه ! اسپهان یا سپاهان = اصفهان فرنگی = افرنجی اسلو = صُقلاب !

هشتم آنکه ، زبان تازی پذیرای پسوند و پیشوند یا با ترکیب دو واژه نیست،

(زبان تازی در اوزان خود گرفتار و منجمد است) اما در فارسی با یک ریشه کار ریشه های دیگری میتوان ساخت که تازی برای هر کدام آنها یک مصدر جداگانه بایستی بکار ببرد. مانند:

آوردن برآوردن بازآوردن درآوردن هماوردن فرآوردن ..

هر کدام از واژه های زیر هم که با واژه "دانش" که خود از ریشه "دان" است، با پسوند و پیشوند یا با ترکیب دو واژه درست شده:

دانشمند، بی دانش ، دانشی، دانشور، دانش آموز، دانشجو ، دانش پژوه ، دانشگاه

و اپسین آنکه ما خوشبختانه مانند تازیان اوزان گوناگون نداریم و بدون شکستن ریشه ، اسم فاعل و مفعول و .. را میسازیم که یادگیری زبان فارسی را آسان میکند.

مانند ریشه "پوی": پوینده و پوییده و دیگر با واژه هایی چون :

علم، معلوم، علیم، علامه !، تعلیم، تعلم، معلم، استعلام، علوم، متعلم، علماء، اعلم، سروکار نداریم، که زبان اموز بدخت را ، که شاید میخواهد دیداری توریستی از مصر داشته باشد، به مرز نومیدی میکشاند.

اگر زبان کامل این زبان تازیست که باید بروز زبانهای "ناقص" دیگر گریست. اما اگر بخواهیم پیچیدگی های دستوری و شمار استثنایا و دشواریها و سختگیری های بیهوده ، بهمراه واژه های ناهمگون، گلو و گوشخراش و اوزان بیشمار و گیج کننده، که به انگیزه آن طلبه ها سالهای دراز بایستی این زبان را فراگیرند

(و دست آخر هم سواد باقی میمانند) ، را نشانه کامل بودن یک زبان بدانیم ، پس به راستی عربی حتی بالاتر از چینی، کاملترین زبان دنیا است!

زبان زیبا، زبان کامل، زبانیست آسان برای آموختن، آسان برای ادا کردن، زبانی ساده و آهنگی است.

با تشکر از نویسنده گمنام

امام و سید ها

در این بخش می خواهیم توضیح کوتاهی در مورد امامها و سیدها بدهم

یک ما می دانیم که هر فرزند هم اخلاق و رفتارش به پدر خود ممکن است. شبیه شود. و هم به مادر خود و نمی توان گفت یک فرزند فقط به پدر یا مادر خود شبیه است.

دو ما می دانیم ممکن است همسر پیامبران هم ناصلاح باشند همسر لوط که در قرآن هم آمده است و همسر نوح که در آیه دیگری از قرآن آمده است یا مانند همسر محمد عایشه که بر علیه علی به جنگ برخواست. در مورد امامان هم امام حسن را می توان نام برد

سه ما می دانیم فرزند پیامبران هم می توانند ناصلاح باشند مثل پسر نوح یا پسران یعقوب که برادر خود را به چاه انداختند آنها هم پسر پیامبر بودند.

چهار همه این مثالها در مورد نسل اول از یک پیامبر است حال بینید نسلهای بعدی چه خواهد شد

حال ما به کسانی که ادعا دارند چندین و چند نسل بعد از یک امام بوده اند بی جهت احترام می گذاریم و یک پنجم از اموالان را که با زحمت به دست آورده ایم و پس اندازه کرده ایم دو دستی تقدیم آنها می کنیم و اگر تقدیم نکنیم از نظر الله که خیلی هم عادل است اموال ما آغشته به مال حرام هستند البته تمام عزیزان ایرانی قابل احترام هستند و منظور من کسانی است که از نام سید سو استفاده می کنند برای امامزادگان که اکثر آنها جزو سرداران عربی بوده اند که ایران عزیز ما سرزمین مادری ما را مورد تازش قرار داده اند بارگاه می سازیم و پول خود را درون بارگاه آنها جهت استفاده آخوندها می ریزیم. برای امام حسین که جزو سرداران جنگی بود که به ایران حمله کردند و در جنگ طبرستان گردن ایرانی هارا زد و همسرش نیز یک اسیر ایرانی بود که به کنیزی گرفته شده بود شصت روز عزاداری می کنیم ولی برای ابومسلم خراسانی که برای آزادی ایران و

سر بلندی ایرانی جنگید عزاداری نمی کنیم برای بابک خرمدین مبارز ایرانی نمی گریم برای حتی میرزا کوچک خان جنگلی هم غمناک نمی شویم البته آنها هم راضی نیستند ایرانیان شاد نباشند و بگریند حال جالب اینکه برای محمد که پیامبر این دین است یک روز عزا داری می کنیم و برای امام حسین که رهبری پس از او بوده است شصت روز عزاداری می کنیم شادیهای خود را باطل می کنیم به حدیث زیر از امام حسین نگاه کنید.

فَامْتَهِنُهُذَا فَضْلَلَ الْجَمِيعَ مِنْ قَرْبَيْنَ بِنْ عَبْدِ اللَّهِ حَبِيبِهِ بِعْلَوْخَنَ فَرِيزَ وَشَبَّهَ الْمَرْيَقَ عَذَّبَهُ
الْجَمِيعَ بَأَمْرِهِ بِالْمَدْرُوحِ مِنْ كَانَ بِحَمْارِ الْجَمِيعِ لِلنَّفُومِ مِنْ كَانَ عَذَّبَهُ مَلَائِكَةُ مَلَائِكَةِ
الْفَرِيزِ لِلْمَدْرُوحِ إِذَا دَلَّلُوا نَبِيَّ النَّاسَ وَأَنْجَلَ عَبِيدَ الْمَرْيَقَ عَزَّزَهُ عَلَىَنْ بَعْلَ الْمَلِيلِ وَالصَّبِقَةِ ثَانِيَّةِ الْطَّوَافِ

ما از قیار قریش هستیم و هواخواهان ما عرب و دشمنان ما ایرانی هاست. روشن است که هر عرب از هر ایرانی بهتر و بالاتر و هر ایرانی از دشمنان ما هم بدتر است. ایرانیها را باید دستگیر کرد و به مدینه آورده، زنانشان را بفروش رسانید و مردانشان را به بردگی و غلامی اعراب گماشت.

حسین بن علی، امام سوم شیعیان، صفينة البحار و مدینة الأحكام والآثار، نوشته حاج شیخ عباس قمی، صفحه ۱۶۶.

بعضی از آخوندها اینگونه در مورد حدیث بالا جبهه گرفته اند.

یک می گویند عجم به تمام افراد غیر عرب گفته می شده است

نخست من هم قبول دارم ولی حتی اگر اینگونه باشد هم این حرف از یک انسان عادی هم کمال ظلم و ضد انسان بودن او را می رساند دوم عجم به افراد غیر عرب گفته می شده است که ایرانیان هم غیر عرب بوده اند و شامل این زیر مجموعه می شوند بنابراین شما می توانید به جای واژه ایرانیان کلمه غیر عربهارا بگذارید و دوباره جمله را بخوانید همان معنی قبل را می رساند سوم اینکه عجم به غیر عرب گفته می شده است و به خصوص برای ایرانیان به کار می رفته است چهارم اینکه در آن زمان اعراب با بزرگترین قدرتی که در گیر بوده اند ایران بوده است و می توان فهمید روی این سخن کامل با ایرانیان بوده است

دو اینکه می گویند شاید این حدیث جعلی باشد

که این سخن هم نشانه کم آوردن آنها در این موضوع است زیرا حاج شیخ عباس قمی یکی از نویسنده ها و بزرگان اسلام است و کتاب مفاتیح الجنان هم از او می باشد و همه آخوندها او را قبول دارند اگر اینگونه که آنها می گویند باشد پس زحمت بکشند کلیه کتابهای او را از جمله مفاتیح الجنان را جمع آوری کنند و به آتش بکشند زیرا به امامشان دروغ بسته است پس چرا در ایام ماه رمضان همیشه کتاب مفاتیح الجنان او در دست شما می چرخد

در عزای تازیانت عیش عاشوراستی در غم طفلان مسلم شیونت برپیاستی تو هنوزت شیون از داغ دل لیلاستی باز چشمت اشگریز اصغر و صغراستی خنده بر شادی خود کن گرت استخناستی کاین مذلتها همه برخاسته زآجاستی بر سرت بیگانه زآنرو سرور و آقاستی	بر بزرگان جمت اشکی نمیریزی ولی بر ابوسلام نمیگری که خنداند ولی سد هزاران لاله از ایران زمین شد داغدار اینهمه سردار ملی غوطه زد در خاک و خون گریه بر خواری خود کن گر سر زاریت هست گریه کن بر انقراض دولت ساسانیان قرنها سعی تو در بیگاری بیگانه رفت
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

خوب است کمی هم در مورد حضرت علی بدانید یک اینکه می گویند حکومت عدل علی ولی خودتان خوب فکر کنید کل زمان حکومت او پنج سال بود که کل این پنج سال را در جنگ بود دو اینکه آنقدر در زمان علی بی عدالتی همه جا را فرا گرفته بود که سه تن با هم عهد کردند مسبب های این ناعدالتی ها را بکشند و این مجلم مامور کشتن علی شد که یکی از ناعادلان آن زمان بود سه اینکه علی جزو اولین کسانی بود که با خلفای سه گانه بیعت کرد و حتی در حفظ جان آنها مشاوره جهت جنگ و حمله به ایران نیز شرکت داشت.

قبل از آوردن نمونه هایی از نهج البلاغه بدانید که نهج البلاغه توسط یک ایرانی به سید رضی در چند صد سال پیش نوشته شده است و او توانسته موارد خوب به آن اضافه و موارد بد را از آن حذف نموده است و در ضمن در حال حاضر نیز آخوندها از پا نشسته اند و در ترجمه آن سعی کامل خود را می کنند تا نکات منفي را مثبت جلوه دهند.

خطبه ۱۵۰ نهج البلاغه

تا آنجا که اراده الهی به پایان دوران جاهلیت موافق شد، شمشیرها در راه خدا کشیدند، و عقیده های خود را بر شمشیر حمل کردند

از نظر علی مسلمانان باید عقیده خود را بر شمشیرهایشان حمل کنند

خطبه ۷۹ نهج البلاغه

همانا زنان در مقایسه با مردان، در ایمان، و بهرهوری از اموال، و عقل متفاوتند، اما تفاوت ایمان بانوان، برکنار بودن از نماز و روزه در ایام عادت حیض آنان است، و اما تفاوت عقلشان با مردان بدان جهت که شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است، و علت تفاوت در بهرهوری از اموال، آنکه ارث بانوان نصف ارث مردان است. مدیریت خانوادگی پس، از زنان بد، بپرهیزید و مراقب نیکانشان باشید، در خواسته های نیکو، همواره فرمانبردارشان نباشید تا در انجام منکرات طمع ورزند.

حکمت ۱۰۲

آینده و مسخ ارزش‌ها

روزگاری بر مردم خواهد آمد که محترم نشمارند جز سخن چین را، و خوششان نیاید جز از بدکار هرزه، و ناتوان نگردد جز عادل. در آن روزگار کمک به نیازمندان خسارت، و پیوند با خویشاوندان منّت گذاری، و عبادت نوعی برتری طلبی بر مردم است، در آن زمان حکومت با مشورت زنان، و فرماندهی خردسالان، و برتری خواجهگان اداره می‌گردد.

حکمت ۱۲۴

روانشناسی زن و مرد

غیرت زن، کفر آور، و غیرت مرد نشانه ایمان اوست.

حکمت ۲۳۸

مشکلات تشکیل خانواده

زن و زندگی، همه‌اش زحمت و دردسر است و زحمت بارتر اینکه چاره‌ای جز بودن با او نیست«.».

حکمت ۲۶۰

تا می‌توانید از زنان دوری کنید

درفش کاویانی



<https://derafsh-kaviyani.com/>

<https://the-derafsh-kaviyani.com/>